

نسطورکاست



راهی به سوی نجات

عیسی باز به مردم گفت: «من نور جهان هستم، کسی که از من پیروی کند در تاریکی سرگردان نخواهد شد، بلکه نور حیات را خواهد داشت.»

یوحنا ۱۲: ۸



fb.me/rahi2nejat

<http://rahibesooeyenejat.blogspot.com>

پنطیکاست عید نزول روح القدس

مقدمه

بنا به نوشته برخی از مؤلفان مسیحی، در نیمه دوم قرن بیستم می توان بازگشت روح القدس را در کلیسای کاتولیک دید.

بازگشتی که بسیاری از ایمان داران را به تعجب واداشت، در واقع در بسیاری از کشورها، گروه های نیایشی متعددی همراه با اظهارات روحانی تعجب برانگیز تشکیل گردید که اعمالی شامل سپاسگزاری های بسیار طولانی، نیایش جهت شفای بیماران و دردمندان، تکلم به زبان ها و اعلام کلام خدا با دلیری در محیط های بی ایمان یا غیر روحانی و دور از کلیسا را انجام می دهند.

در این میان تعداد زیادی از جوانان، راز عیسی مسیح را درک کرده و در جماعت مسیحیان نوایمان، فعالانه در مأموریت کلیسا سهیم شدند.

پاپ پل ششم و پاپ ژان پل دوم، در این حرکت امید بزرگی را برای کلیسا دیدند و آن را تأیید نمودند، علی رغم بعضی از خطرات آن مانند: تکبر، تفحص و جستجو در کارهای شگفت و عجیب، اهمیت زیاد به احساسات و یا فعالیت های گروهی بدون توجه به زندگی روحانی و شخصی و سکوت و تعمق درونی به اندازه کافی.

این مبحث شامل پنج قسمت می باشد:

ابتدا پیشگفتار، طرز تفکر قوم یهود در زمان عیسی، همان گونه که در متن و تفسیر مراسم عید پنطیکاست مشخص می شود و همچنین به انتظار ایشان در مورد چگونگی بازگشت روح القدس اشاره خواهیم کرد، سپس موضوع گسترده و وسیع روح القدس را در کتاب مقدس و همچنین در تعلیمات رسمی کلیسای کاتولیک و در آیین کلیساهای شرق همراه با سرودها و شمایل مربوطه به آن بحث خواهیم کرد.

* * *

فهرست

مقدمه	۳
پیشگفتار	۴
بخش اول: تعلیم کتاب مقدس	۱۴
بخش دوم: تعلیم کلیسای کاتولیک	۵۸
بخش سوم: عبادت کلیساها	۸۰

یادآوری از عهد خداوند در کوه سینا

مدت زیادی بعد از رسیدن قوم برگزیده به فلسطین و یا به احتمال قوی بعد از بازگشت از تبعید بابل این عید معنای دیگری در ارتباط با دین یهود و تجربه ایشان با موسی در کوه سینا پیدانمود.

با در نظر گرفتن متن خروج (۱:۱۹) که طبق آن، قوم بنی اسرائیل بعد از سه ماه خروج از مصر به کوه سینا رسیدند، این عید هفته‌ها را جهت یادآوری از عهد خداوند تغییر دادند. برای فرقه قمران که خود را جمعیت عهدجدید نامیده بودند این عید بسیار با اهمیت بود و در آن عهد خود را تجدید می‌کردند، اما برای یهودیان عادی این عید این اندازه اهمیت نداشت و تنها در متون کتب برحق متأخر روایت شده است (دوم مک ۱۲:۳۱-۳۳؛ طو ۲:۱).

ترگوم عید هفته‌ها:

از آغاز کلیسا، عید پنطیکاست معنی کاملاً جدیدی به خود گرفت همان‌گونه که در باب دوم کتاب اعمال رسولان روایت می‌کند روز نزول روح القدس و دعوت کلیسای نوین به جنبه جهانی مأموریتش می‌باشد.

مصادف شدن عید مسیحیان با عید هفته‌های یهودیان نشان می‌دهد که آیین قدیم یهود باطل شده زیرا وعده‌هایی که عید یهودیان اعلام می‌کرد به تحقق رسیده است. هرچند در ظاهر متن اعمال رسولان در ارتباط با عید هفته‌ها ارتباط مستقیمی ندارد، اما اگر با دقت ملاحظه شود در خواهیم یافت که ترگوم عید یهود، روشنایی بسیار جالبی به ما می‌دهد تا بتوانیم معنی متن لوقا را عمیق‌تر درک کنیم.

در زمان عیسی و همچنین بعد از تبعید، مردمان عوام از درک متون عهدقدیم به زبان عبری عاجز بودند، بنابراین وقتی هر روز شنبه در کنیسه متونی از عهدقدیم را به زبان عبری می‌خواندند می‌بایست به زبان آرامی ترجمه و تفسیر می‌کردند.

یهودیان، جهت تعلیم کتاب مقدس، این ترگومیم را به صورت منظم، مرتب و جمع‌آوری می‌کردند و این جمع‌آوری را به نام «میدراش» به معنی تفسیر و تعمق نامیدند.

پیشگفتار

آیین عید پنطیکاست در قوم یهود آن زمان، و انتظار بازگشت روح القدس

۱- آیین یهودی عید پنطیکاست

برای درک درست بزرگترین اعیاد مسیحی، بهتر است به اصل و مبداء آن در آیین یهود و معنی آن در عهدقدیم اشاره‌ای داشته باشیم.

پنطیکاست به معنی پنجاهه می‌باشد، بنابراین همان‌گونه که اسم این عید اشاره می‌کند یعنی پنجاه روز بعد از عیدگذر برپای می‌شود و هدف آن تکمیل و تاجگذاری می‌بود.

این عید به زبان عبری، عید هفته‌ها نامیده می‌شود که هفت هفته بعلاوه یک روز بعد از عیدگذر برپای می‌کردند.

البته عدد هفت نشانه تکامل است، در نتیجه این اعداد یعنی هفت ضربدر هفت بعلاوه یک به کمال مطلق اشاره می‌کند.

عید هفته‌ها

این آیین، در آغاز عیدکشاورزان بود که بعد از تقدیم نوبر جو، حال نوبت نوبر محصول گندم می‌بود (خروج ۳۴:۲۲؛ تث ۱۶:۹ و ۱۰)، محصولی که در زندگی کشاورزان اهمیت بسزائی داشته زیرا نان غذای اصلی آنان بود. این عیدسرخار از شادی و شغف بود «تا فردای بعد از سبت هفتم، پنجاه روز بشمارید و هدیه آردی تازه برای خداوند بگذرانید، از مسکن‌های خود دو نان جنبانیدنی از دو عشر بیاورید از آرد نرم باشد، و با خمیر مایه پخته شود تا نوبر برای خداوند باشد» (لاو ۲۳:۱۶-۱۷).

بنابراین دو قرص نان پخته شده از آرد تازه گندم تقدیم می‌شد ولی خمیر این نان تخمیر شده بود اما در شروع مراسم محصول جو از نان فطیر برای نشان دادن شروع سال نو می‌خوردند.

در نتیجه عید پنجاهه مخصوص کشاورزان و خانه‌نشینان بوده و یهودیان بعد از وارد شدن در کشور فلسطین آن را از آن خود ساختند.

چون آوازش شنیده شد آن‌ها را تأخیر نمی‌نماید.» واقعاً این آواز عجیب است که همه می‌شنیدند و هر یک می‌توانست با «قوت» که به او داده می‌شد بفهمد (خروج ۱۹:۱۹؛ مز ۲۹:۴).

۲) سخنی که داوری می‌کند

اما این سخن آتشین خطرناک می‌شود زیرا ترگومیم آن را در ارتباط با اشعیا تفسیر می‌کند که گفته بود: «... شعله آتش گاه را می‌خورد...» با این طوفان و بارش شدید و رعد و برق و همچنین زلزله این ظهور خدا بر کوه سینا وجود خلقت را زیر سؤال می‌برد توسط یک داوری همچون زمان نوح.

طبق تفسیر ترگومیم این شعله آتش تمام کسانی که سخن را رد می‌کنند از بین می‌برد ولی مردگانی را که از این سخن تشنه بودند زنده می‌کند تا بتوانند آن را بشنوند، در تفسیر خروج (۱۸:۲۰) آمده: «تمام قوم صداها و شعله آتش را و همچنین صدای کرنا را می‌دیدند که چگونه مردگان را برمی‌خیزانیدند». بت‌پرستانی که تورات را رد می‌کنند با شنیدن این سخن می‌میرند ولی برعکس عبرانیان زندگی را می‌پذیرند.

در نتیجه، مگر ما از سمبل‌های که عهدجدید درباره روز آخر و داوری مطلق استفاده می‌کند نزدیک نشده‌ایم؟ (لو ۲۱:۲۶؛ ۱ تس ۴:۱۶-۱۷؛ ۱ قرن ۱۵:۲۵). علاوه بر این، اگر عید پنتیکاست برای مسیحیان، شکوفایی آن خلقت نوین که عیسی و رستاخیزش افتتاح کرده است تعجب‌آور نیست پس چگونه انجیل متی این رستاخیز مسیح را همراه با پیروزی بر دشمنان و رستاخیز عادلان قدیم با اصطلاحات نزدیک از این ترگومیم درباره ظهور خدا در کوه سینا تشریح می‌کند. (متی ۲۷:۵۱-۵۳، ۲۸:۲-۴).

۳) سخنی برای همه پیامبران آینده

در این تفسیر، ترگومیم شنیدن این سخن عجیب را گسترده در نظر می‌گیرد و متن تثنیه (۲۹:۱۴-۱۵) را می‌آورد: «و من این عهد و این قسم را با شما تنها استوار نمی‌نمایم و من (خدا) بلکه با آنانی که امروز با ما به حضور پیهو خدای ما در این جا حاضرند و هم با آنانی که امروز در اینجا با ما حاضر نیستند».

خوشبختانه بعضی از این متون به زبان آرامی به دست ما رسیده است که می‌توان درک نمود که این متون در آیین مذهبی روزهای شنبه مورد استفاده قرار می‌گرفته که خود بیانگر طرز یادگیری و درک متون عهدقدیم بوده است، در نتیجه می‌بینیم که چگونه خود عیسی و مخصوصاً شاگردانش متون عهدقدیم را درک کرده و در زندگی خود آن را پیاده می‌کردند. بنابراین، روش اعلام کردن راز مسیح را می‌توان با این متون درک کرد.

در نتیجه، ترگومیم در قرون اولیه میلادی، گنجینه مشترک کنیسه و کلیسا و حلقه زنجیری بسیار مهم و مفید مابین عهدجدید و عهدقدیم بوده است و با استفاده از آن می‌توان بسیاری از متون انجیل را بهتر درک نمود.

اگر به متن خروج باب‌های ۱۹ و ۲۰ در ارتباط با ترگومیم تعمق کنیم بهتر می‌توانیم نزول روح القدس طبق متن اعمال رسولان باب دوم را درک می‌کنیم.^(۱)

۱) سخنی عجیب

برای همه ایمانداران بالانحصار یهودیان، آن ده فرمان که خدا به موسی داد دارای اهمیت به‌سزایی می‌باشد و تعجب‌آور نیست که این قسمت از تورات، تفاسیر متعددی به زبان آرامی داشته و انعکاس زیادی از آن در «ترگومیم» و «میدراش» می‌یابیم. این تفسیر ابتدا بر خروج باب‌های ۱۸ و ۲۰ تکیه کرده درست بعد از منتقل ساختن این ده سخن متن اضافه می‌کند: «و جمیع قوم رعدها و زبانه‌های آتش و صدای کرنا و کوه را پر از دود بود دیدند...» در ترگومیم به نوشته یونانان (قرن اول یا دوم میلادی) درباره این آیه و این رعدها به صورت طولانی توضیح می‌دهد و متن ایوب (۳۷:۳-۴) یادآوری می‌کند: «گوش داده، صدای آواز او (خدا) را بشنوید و زمزمه‌ای را که از دهان وی صادر می‌شود. آن را در زیر تمامی آسمان‌ها می‌فرستد و برق خویش را تا کرانه‌های زمین. بعد از آن صدای غرش می‌کند و به آواز جلال خویش رعد می‌دهد و

این بحث با استفاده از دو کتاب از نویسندگان متخصص نوشته شده است:

R.LE DEAULT=" Liturgie Juive ET NOUVEAU TESTAMENT " ROME 1965

JEAN POTIN=" LA FETE juive DE LA PENTECOTE " PARIS 1971

این تفسیر تأکید می‌کند: عهد خداوند نه تنها با مردگان بلکه با تمام پیامبران که در آینده نبوتشان را از کوه سینا پذیرایی خواهند کرد و همچنین حتی همه حاکمان که در آینده حکمت خودشان را نیز از آنجا خواهند یافت. زیرا گفته شد: «و این سخنان را خداوند به تمامی جماعت شما در کوه... گفت، و بر آنها چیزی نیفزود...» (تث: ۵: ۲۲).

بنابراین، این آواز خداوند با «قوتش» قدرت تمام صداهای آینده را دارا می‌باشد و در صدای همه پیامبران آینده منعکس می‌شود همان‌طور که دانیال نبی گفت: «... و آواز کلام او مثل صدای گروه عظیمی بود» (دان: ۱۰: ۶).

و همچنین مزمو (۱۱: ۶۸) می‌گوید: «خداوند یک سخن را می‌دهد مبشرین انبوه عظیمی می‌شوند». بنابراین هر نبوت و همچنین هر تعمق بر کتاب مقدس توسط شخص حکیم تجدید ظهور خدا در کوه سینا می‌باشد یعنی بر پیامبری یا حکیمی ستون ابر می‌آید و آتش آن را منور می‌سازد.

آیا می‌توان گفتار عیسی را یادآوری کرد که گفت: «این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد» (یو: ۱۴: ۲۵ و ۲۶). (... «ولیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد» (یو: ۱۶: ۱۳).

۴) سخنی جهانی

در خروج (۱۹: ۱۹) گفته شد که: «... آواز کرنا زیاد سخت نواخته می‌شد...» و ترگوم از این جمله توضیح می‌دهد که این صدا می‌بایست تا اقصای عالم برسد تا تمام ملت‌ها را دعوت کند. علاوه بر این، ترگوم سئوالی مطرح می‌کند که چرا این سخن مانند تندر متعددی تشریح شده است؟

و جواب را در ایوب (۳: ۳۷) پیدا می‌کنند که: «آواز او را... در زیر تمامی آسمان‌ها می‌فرستد و برق خویش را تا کران‌های زمین».

متنی که این‌طور تفسیر می‌شود: «این یک صدای خدا به هفتاد صدا و هفتاد زبان

برطبق تعداد بچه‌های نوح و تعداد ملت‌ها در تمام دنیا تقسیم می‌شد» (پید: ۱۰). بنابراین، هر ملت می‌توانست معنی این صدا را بفهمد، البته ملت‌های دیگر شنیده‌اند ولی نخواستند اطاعت کنند و از بین رفتند. پس دعوت جهانی بود زیرا که خدا یکتا هست و می‌بایست همه ملل را به نجات دعوت کند بنابراین با شنیدن این صدا که در تمام دنیا پراکنده شده است تمام ملل به کوه سینا جمع شده‌اند که پیام خدا را بشنوند اما طبق ترگوم یوناتان تنها قوم برگزیده این صدا را شنیده و اطاعت کردند. علاوه بر این، یک میشنای دیگر به اسم «مل خیتا» این سؤال را مطرح می‌کند که چرا همه ملل به کوه سینا دعوت شده‌اند؟

و در جواب می‌گوید که می‌بایست همه ملل نه تنها از دور صدای دعوت را بشنوند بلکه بتوانند جمع شوند و دعوت خدا را بشنوند، وانگهی کوه سینا متعلق به هیچ ملتی خاص نیست بنابراین همه می‌توانستند در پای آن جمع شوند و متن اشعیا (۱۹: ۴۵) را یادآوری کنند: «در خفا و در جای تاریک تکلم نمودم...».

در نتیجه، این تفسیر تأکید می‌کند که «در سه چیز تورات تقدیم شده است: در صحرا، در آتش و در آب و همچنین که این سه چیز برای همه مجانی می‌باشد همچنین تورات برای تمام ملل مجانی است».

عهد جدید روح القدس

بعد از این نگاه به ترگوم درباره ظهور خدا بر کوه سینا می‌توانیم تعمق لوقا بر نزول روح القدس در روز پنطیکاست را بازخوانی کرده آن را بهتر بفهمیم و بر نکات زیر با مقایسه بر ظهور خدا در کوه سینا بیشتر و بهتر توجه کنیم:

۱- آسمان باز شده زبانه‌های آتشین بر هر کدام از رسولان نازل می‌شود (اع: ۲: ۳) شریعت محبت در قلبشان حک می‌شود. (دوم قرن: ۳: ۳).

۲- رسولان شروع می‌کنند به زبان‌های مختلف سخن گویند به نشانه‌ای از کار کلیسا در طول مأموریت جهانی‌اش (اع: ۲: ۴).

۳- با صدای بزرگ که شنیده شد همه ملل به اطراف جایگاه رسولان جمع شدند (اع: ۲: ۶ و ۹-۱۱).

۴- همه مردم هر یک به زبان مادری و عامیانه خود پیام رسولان که کارهای شگفت خدا را اعلام می کنند می فهمند (اع: ۸: ۱۱ و ۱۱).

۵- در میان این دوازده رسول پطرس ایستاده بدون ترس این اتفاق را با نبوت یوییل توضیح می دهد و اعلام می کند که با فروریزی روح القدس زمان آخر افتتاح شده است (اع: ۱۴: ۱-۱۷).

۶- اولین بار بود که راز مسیح رستاخیز شده در ارتباط با نبوت های عهد قدیم رسماً به عنوان پایه عهد جدید به همه اعلام می شود (اع: ۲۲: ۳۶-۳۷).

۷- از ملل مختلف سه هزار مرد به سوی مسیح گرویده به قوم جدید عهد نوین پیوستند، قومی که باید مژده را «از اورشلیم در تمام یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» اعلام کند (اع: ۱: ۸).

۸- پطرس توانست با الهام از روح القدس و نه از آن ستون ابر و آتش معنی وحی عهد جدید را پی برده آن را به همه اعلام کند، اما این بصیرت و قدرت تشخیص نه فقط به پطرس داده شده است بلکه به پیامبران جدیدی طبق اعلام خود پطرس: «که خدا می گوید در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهیم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد و جوانان رویاها و پیران خواب ها خواهند دید» (اع: ۱۷: ۲).

پطرس، نبوت یوییل را به کلیسای اولیه نسبت می دهد. (یول: ۳: ۱-۵) و مانند ترگویم ظهور خدا در سینا یک صدا یک روح داده شده است که از این به بعد در طول تاریخ کلیسا باعث به وجود آمدن پیامبران و حکیمان که پر از همین روح، وحی خدا را تعمق کرده به اعماق آن پی برده و اعلام می کند. و در واقع همان طور که عیسی وعده داده بود (مت: ۲۳: ۳۴) پیامبران نوینی خواهند آمد که مأموریت رسولان را کمک کنند (اول قرن ۱۲: ۲۸، ۱۴: ۳۷؛ افس: ۴: ۱۱؛ اع: ۱۳: ۱؛ مکا: ۱۸: ۲۰) و در طول تاریخ کلیسا حکیمان با قدرت روح القدس بر حفظ سنت و روایات رسولی و عمیق تر درک کردن آن و منتقل ساختن آن توجه خواهند کرد تا روزی که همه با هم به حقیقت کاملی که عیسی به ما داد برسیم (یو: ۱۴: ۲۶، ۱۶: ۱۳-۱۵؛ اول قرن ۱۲: ۲۸؛ اع: ۱۳: ۱، ۴: ۳۶، ۱۱: ۲۲-۳۰، ۱۸: ۲۴-۲۸، ...) بدون اینکه کلیسا از اشتباهات خود لغزش بخورد (مت: ۲۸: ۲۰).

۲- یهودیان در انتظار برگشتن روح القدس می بودند

به صورت قاطعانه و تعجب آوری انجیل یوحنا تأکید می کند که: «... هنوز روح القدس نبود زیرا عیسی هنوز جلال نیافته بود» (یو: ۷: ۳۹). لابد این جمله بدین خاطر گفته شده است که یوحنا بر پهلوی نیزه خورده عیسی تعمق کرده آن را به عنوان تنها سرچشمه آب زنده و روح القدس می دید طبق نبوت حزقیال (۴۷: ۱-۱۲).

اما باید از خود پرسید که آیا با این جمله، یوحنا انکار می کرد که روح القدس از ازل وجود داشته و در پیامبران و مخصوصاً در حضرت مریم کار می کرد؟

نوری در پولس رسول می توان یافت که می گوید: «روح القدس را خاموش نکنید» (اول تسال: ۵: ۱۹)، بنابراین انسان می تواند روح را خاموش کند و همان طور یهودیان فکر می کردند: «در قدیم گناه بت پرستی باعث شده نه تنها تبعید قوم بلکه سکوت روح القدس و ناپدید شدن پیامبران را».

به خاطر گناه قوم برگزیده بعد از تبعید به بابل روح القدس خاموش شده است. و این عقیده را در متون آخر عهد عتیق کاملاً آشکار است. مثلاً در مزمو ۹: ۷۴ که می گفت: «آیات تو را نمی بینم و دیگر هیچ نبی نیست و در میان ما کسی نیست که بداند تا به کی خواهد بود». و هم چنین به صورت روشن تر در کتاب اول مکابیان نوشته شده است: «قربانگاه را کوبیدند و سنگ هایش را بر کوه معبد در جای مناسبی قرار دادند و به انتظار پیامبری بودند که در مورد آنها پاسخی به ایشان بدهند» (۱- مک: ۴: ۴۶). «چون یونانیان معبد قربانی ها را ناپاک ساخته بودند، آن را برداشته، ولی نمی دانستند که با سنگ های مقدس چه بکنند و پیامبری نبود که به ایشان جواب دهد. ولی بعد باز جفای شدیدتری بر قوم برگزیده آمد: «در اسرائیل مصیبتی بزرگ روی نمود، چنان که هرگز پس از آن روزهایی که دیگر نبی به خود ندیده بودند، پیش نیامده بود» (۲۷: ۹). و هم چنین «یهودیان و کاهنان تصمیم گرفته بودند که شمعون رهبر و کاهن اعظم ابدی ایشان گردد تا زمانی که یک نبی در خود ایمان برخیزد».

عقیده یهودیان در زمان عیسی این طور بوده: در زمان ابراهیم، اسحاق، یعقوب همه اشخاصی که باتقوا و عادل بودند روح خدا را داشتند اما چون در زمان موسی قوم برگزیده با گوساله طلایی بت پرستی کردند (خروج ۳۲: ۱-۶). خدا عطای روح القدس را فقط به افراد خاص یعنی پیامبران، کاهنان بزرگ و پادشاهان محدود کرده، اما بعد از تبعید و مرگ آخرین پیامبر زکریا و مرثی به خاطر گناه قوم برگزیده مطلقاً روح «خاموش شده» و عقیده داشتند که دیگر بعد از آن خدا فقط با «بازتاب صدای خود» صحبت می کرد، یعنی یک وسیله جایگزین بی ارزش.

در عهد قدیم نیز می توان این عقیده را دید اول در یحیی تعمید دهنده و جماعت او (مر ۱: ۸) و شاگردانش در افسس به پولس می گویند: «ما شنیده ایم که روح القدس باز دوباره وجود دارد» (اع ۱۹: ۲) و پطرس رسول روز نزول روح القدس علناً به این موضوع اشاره می کند چون با تکرار نبوت یوئیل نبی چند کلمه اضافه می کند: «در این ایام آخر» و یهودیان به خوبی می دانستند که در زمان حال چون روح القدس «خاموش شده» زمان محکومیت است و خدا ساکت می ماند و به عقیده آنها خدا در روزهای آخر، این زمان تمام شده، زمان فیض و برکت خواهد آمد و روح القدس که مشتاقانه در انتظارش بودند بر خواهد گشت. به این عقیده در متون مختلف عهد جدید اشاره شده است (روم ۸: ۲۳، ۲-قرن ۱: ۲۲؛ ۵: ۵؛ یو ۷: ۳۹).

۳. وحی و مکاشفه کامل

عیسی اعلام کرد که یحیی پیامبر بوده حتی برتر از پیامبر (مت ۱۱: ۹) و هم چنین درباره خود اعلام کرد که در اینجا برتر از یونس وجود دارد (مت ۱۲: ۴۱). و برای یهودیان، این اظهار نشان می دهد که زمان خشکی و محکومیت به اتمام رسیده روح بر می گردد و خدا دوباره سخن می گوید، اما نه تنها مثل زمان پیامبران چون این سخن پیش تر از یونس اشاره می کند که زمان دیگری افتتاح شده در رابطه با آخرت و ساعت رسیده است که خدا برای

آخرین بار و مطلق سخن می گوید و دیگر همیشه با قوم خود می ماند تا کار نجات را به اتمام رساند. زمان آخر افتتاح می شود با حضور نوین روح القدس که خلقت نوین را شروع می کند (یو ۶: ۳۱).

عیسی، ملکوت خدا را افتتاح می کند و خود را بالاتر از موسی می داند «گمان مبرید که آمده ام تا صحف انبیا را باطل سازم، نیامده ام باطل نمایم بلکه تا تمام کنم» (مت ۵: ۱۷) و این فعل «تمام کنم» به معنی تکمیل نمایم. بنابراین به اتمام رساندن کار موسی بدین معناست که به آخرت نزدیک شده، عیسی خود را به عنوان موسای نوین اعلام می کند که مکاشفه راز خدا به کمال می رسد و باید مطلقاً از او اطاعت کرد (مت ۱۵: ۱۸-۱۸).

نتیجه

حضور نوین روح القدس، نشانگر افتتاح زمان نجات و فیض می باشد، چون خدا به سوی قوم خود باز می گردد عیسی پر از روح القدس نه تنها یکی از پیامبران پیشین می باشد بلکه فرستاده آخر و مطلق خدا، که روح القدس را منتقل خواهد ساخت و حقیقت کامل را به ما آشکار می سازد. بنابراین، ممکن نیست که بعد از او پیامبری بیاید که حقیقت کامل تری به ما دهد. در عیسی مسیح خدا، آخرین کلام خود را می گوید. و عیسی با گفتار خود، این سخن خدا را اظهار می کند و با اعمال مقتدرانه خود پیروزی بر شیطان را نشان می دهد، همان طور که پطرس رسول به افسر رومی می گوید: «خدا او را به روح القدس و قوت مسلح نموده که او سیر کرده اعمال نیکو به جا آورد و همه مقهورین ابلیس را شفا بخشند چون خدا با او می بود» (اع ۱۰: ۳۸).

* * *

این بحث درباره «روح خاموش شده» اقتباس شده است از مؤلف متخصص:

ب) پنطیکاست مسیحی

۱- **ظهور الهی:** عطای روح، با نشانه‌های همراه آن که عبارتند از باد و آتش، از نظر خصوصیات با ظهور مکرر الهی در عهدعتیق شبیه است. دو معجزه‌ای که در پنطیکاست مسیحی صورت می‌گیرد، بر معنی آن تأکید می‌گذارد: اول از همه، اینکه رسولان تمجید عجایب خدا را به «زبانها» ابراز می‌نمودند (اع ۲:۳). تکلم به زبانها یک عطیه الهی در دعا کردن است که در جوامع مسیحیان یافت می‌شد. دیگر آنکه این تکلم به زبانها با اینکه در خودش قابل فهم نبود (۱-قرن ۱۴:۱-۲۵)، اما به وسیله تمام حاضران فهمیده می‌شد. معجزه شنیدن این زبانها نشانه دعوت جهانی کلیسا می‌باشد، زیرا حاضران از گوناگون‌ترین مناطق زمین آمده بودند (اع ۲:۵-۱۱).

۲- معنی این واقعه:

a) **افاضه آخرتی روح.** پطرس در نقل از یوئیل نبی (یول ۳:۱-۵)، نشان داد که پنطیکاست به انجام رساننده وعده‌های خداست، زیرا روح بایستی در کمال زمان به همه داده می‌شد (حزق ۳۶:۲۷). ندا کننده (یحیی تعمید دهنده) حضور آن کس را که به روح القدس تعمید می‌داد، اعلام کرده بود (مر ۱:۸) و عیسی پس از رستاخیز خود آن وعده‌ها را تأیید نمود: «بعد از چند روز شما در روح القدس تعمید خواهید یافت» (اع ۱:۵).

b) **کمال گذر مسیح.** طبق تعالیم مذهبی اولیه، مسیح که مرد، برخاست و بر دست راست پدر متعال گشته است، مأموریت خود را با فرستادن روح القدس بر جامعه رسولی تکمیل نمود (اع ۲:۲۳-۳۳). پنطیکاست، اوج رستاخیز است.

c) **گردآمدن جامعه مسیحایی.** انبیا اعلام می‌کردند که پراکندگان برکوه صهیون گردهم می‌آیند و به این طریق جماعت اسرائیل گرد یهوه متحد خواهد شد. پنطیکاست در اورشلیم اتحاد روحانی یهودیان و گروندگان از تمام ملل (جدیدان، اع ۲:۱۰) را به یک واقعیت تبدیل می‌کند. آنان تعلیم رسولان را پذیرا بودند و بر سر

تعلیم کتاب مقدس

پنطیکاست

جشنی که پنجاه روز پس از عیدگذر برگزار می‌گردد، پنطیکاست (پنجاهه) نام دارد. هدفی که در پشت برگزاری جشن مزبور نهفته است، یک خط سیر تکاملی را پیموده. به این ترتیب در آغاز، یک جشن کشاورزی بود، لیکن بعدها به صورت جشنی درآمد که در آن واقعیت تاریخی عهد یادآوری می‌شد، و سرانجام به عنوان جشن عطای روح القدس که ابتدای عهد نوین بر زمین می‌باشد برگزار گردید.

الف) عهد قدیم و یهودیت

پنطیکاست به همراه اعیاد گذر و خیمه‌ها، جشنی بود که در آن اسرائیل باید خود را در حضور یهوه در جایی حاضر می‌ساخت که او برگزیده بود تا نام خویش را در آن ساکن گرداند (تث ۱۶:۱۶).

۱- پنطیکاست آغازگر جشن درو بود و در آن روز به شادی و شکرگزاری می‌پرداختند (خروج ۲۳:۱۶؛ اعد ۲۸:۲۶؛ لاو ۲۳:۱۶-۱۸). نوبر محصولات زمین باید در آن زمان تقدیم می‌شد (خروج ۲۲:۳۴) که در آن به جشن مزبور جشن هفته‌ها اطلاق شده. این اسم نشان دهنده قرار گرفتن آن عید هفت هفته پس از گذر و تقدیم اولین بافه می‌باشد: لاویان ۲۳:۱۵).

۲- بعدها این جشن به صورت یک سالگرد در آمد. عهد، پنجاه روز (خروج ۱۹:۱-۱۶) پس از خروج از مصر که در گذر جشن گرفته می‌شد، بسته شده بود. بی تردید در قرن دوم پیش از میلاد مسیح، پنطیکاست طبیعتاً به صورت **سالگرد عهد** درآمد، و به این ترتیب طبق نوشته‌های ربانها و نگاشته‌های تاریخی قمران، عمدتاً در دوران حاضر است که جشن مزبور حالتی این چنین به خود گرفته است.

خون قربانی مقدس در محبتی برادرانه با یکدیگر مشارکت داشتند (اع ۲: ۴۲-۴۴).

d) جامعه‌ای که به روی همه قومها گشوده شده است. روح جهت شهادتی عطا شد که باید تا اقصی نقاط زمین داده شود (اع ۸: ۱). معجزه شنیدن زبانها مؤید این واقعیت است که نخستین جامعه مسیحایی دربرگیرنده تمام قومها بود (اع ۲: ۵-۱۱). «پنطیکاست امته» (اع ۱۰: ۴۴-۴۸) با نشان دادن این امر به اوج خود رسید. تفرقه‌ای که در بابل بوجود آمده بود (پید ۱: ۱۱-۹) در اینجا خنثی می‌شود و به پایان خود می‌رسد.

e) آغاز رسالت. پنطیکاست که جامعه مسیحایی را گرد آورد، همچنین آغاز رسالت آن جامعه بود. سخنرانی پطرس که «با آن یازده برخاست» (اع ۲: ۱۴)، نخستین حرکت در آن رسالتی بود که توسط عیسی به آنان داده شد: «اما شما قوتی که روح القدس است خواهید یافت ... سپس در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دور افتاده‌ترین نقاط زمین شاهدان من خواهید بود» (اع ۸: ۱).

پدران کلیسا این «تعمید در روح القدس» را که یک نوع اعطای امتیاز رسولی به کلیسا می‌باشد، با تعمید عیسی که ظهور تمام عیار الهی در آغاز رسالت علنی وی به حساب می‌آید مقایسه نموده‌اند. آنان اظهار می‌دارند که در پنطیکاست، شریعت نوین به کلیسا عطا می‌شود (ار ۳۱: ۳۳؛ حزق ۳۶: ۲۷) و همچنین آفرینش جدید اهدا می‌گردد (پید ۱: ۲). این موضوعات در باب دوم اعمال رسولان بیان نشده‌اند، لیکن به واقعیت مربوطند (فعالیت درونی روح و نتیجه آن یعنی بازآفرینی).

۳. پنطیکاست، راز نجات. اگرچه سیمای ظاهری آن ظهور الهی گذرا بود، اما این هدیه‌ای که به کلیسا داده شد پایدار بود. پنطیکاست آغازگر زمان کلیسا بود، که در طی آن کلیسا در سفر خود به سوی دیدار با خداوند، روح را بطور مداوم از مسیح دریافت می‌دارد، روحی که کلیسا را در ایمان و محبت گردآورده و آن را تقدیس می‌نماید و روانه رسالتش می‌کند. کتاب اعمال رسولان یا «انجیل روح القدس»، با نشان دادن نقش این عطیه در هدایت و فعالیت رسالتی کلیسا (اع ۴: ۸، ۱۳: ۲، ۱۵: ۲۸، ۱۶: ۶)، و همچنین آشکار شدن ملموس تر روح (۴: ۳۱، ۱۰: ۴۴-۴۶)، تداوم این والاترین عطیه را مکشوف می‌سازد. عطای روح نشان دهنده «ایام آخر» یعنی دورانی است که با صعود مسیح آغاز گشت و در روز آخر یعنی روز بازگشت خداوند، به اتمام می‌رسد.

* * *

روح خدا

روح خدا را نمی‌توان از پدر و پسر جدا کرد. او خود را با آنها در عیسی مسیح مکشوف می‌سازد و در عین حال، برای مکشوف ساختن خود، روشی خاص دارد، زیرا دارای شخصیتی مخصوص بخود است. پسر در انسانیتی یکسان با ما، در یک لحظه به ما مکشوف می‌کند که کیست و به چه کسی (پدر) همواره متکی است. ما قادریم که صورت پدر و پسر را به طریقی پیش خود ترسیم نماییم. ولی روح القدس نه سیما و نه حتی اسمی دارد که تصویری انسانی از خود در ما ایجاد کند. اسم او در هر زبانی (عبرانی "رواح"، یونانی "پنوما"، لاتین "اسپیریتوس")، نامی است کلی و عمومی که از پدیده طبیعی باد و نفس گرفته شده است، بطوریکه در متنی مانند مزمو ۱۰۴: ۳۰ چنین آورده می‌شود: «چون روح خود را می‌فرستی (حیوانات) آفریده می‌شوند و روی زمین را تازه می‌گردانی.» نویسنده به راحتی و در عین حال با همان صحت به دو امر اشاره می‌کند: اول تصویر جهانی دم الهی که با قدرت هم آهنگی اش تغییر فصل‌ها را موجب می‌شود و دوم نزول روح القدس که احیاگر قلب انسانهاست.

مجال است بتوان بر روح القدس دست گذارد. تو «صدای آن را می‌شنوی» یا اینکه بوسیله نشانه‌هایی که اغلب قابل ملاحظه و روشن هستند، گذر او را در می‌یابی، «لیکن نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود» (یو ۳: ۸). او همیشه از درون شخصی دیگر عمل می‌کند و این هنگامی است که روح، او را تسخیر و تبدیل نموده باشد. بدون شک اعمال او خارق العاده است که «روی زمین را تازه می‌گرداند (مز ۱۰۴: ۳۰)، اما حرکت او همیشه از درون جریان پیدا می‌کند و از درون است که ما قادر به شناخت او می‌شویم: «شما او را می‌شناسید، زیرا او ... در شما می‌ماند» (یو ۱۴: ۱۷). نمادهای بزرگ روح القدس (آب، آتش، هوا و باد) به دنیای طبیعت متعلقند و دارای قالب خاصی نیستند. آنها در نهایت، باعث حس یک حضور تسخیرکننده و انبساط و گسترشی غیرقابل مقاومت می‌شوند. روح نه بیشتر از پدر و پسر و نه کمتر از آنها اسرارآمیز است، بلکه با قدرت بیشتری به ما یادآوری می‌کند که خدا یک راز است و نمی‌گذارد که از یاد ببریم

عهدعتیق

در اینجا روح خدا هنوز به عنوان یک شخص مکشوف نگردیده است، بلکه به صورت نیرویی الهی است که شخصیت انسانها را به گونه ای تبدیل می نماید که آنها قادر به انجام اعمالی خارق العاده می شوند. این اعمال همیشه به منظور تقویت انسانها جهت دعوت الهی است تا خادمان و همکاران خدای قدوس باشند. از آنجایی که این روح از خدا آمده و به خدا منتهی می گردد، روحی قدوس است. روحی که از خدای اسرائیل صادر شده است و اسرائیل را برای خدای عهد تقدیس نموده، روحی تقدیس کننده است. بر این عمل و مکاشفه بطور مخصوص و به سه روش تأکید شده است: روش مسیحایی برای نجات، روش پیامبرانه در کلام و شهادت، و روش قربانی در خدمت و تقدیس. با توجه به این سه روش است که قوم اسرائیل خوانده شده است تا بطور کامل روح را دریافت نماید.

الف) روح و نجات

۱- داوران

داوران اسرائیل توسط روح خدا به پا خاسته اند. شمشون، جدعون و شائول پسران ساده دهقان، ناگهان و بدون هیچ گونه آمادگی قبلی و قدرت، کاملاً متبدل می گردند. آنان نه تنها قادر به انجام اعمال قهرمانانه و پر از قدرت و شجاعت می شوند بلکه از شخصیتی تازه که به روح القدس اجازه اعمال نقشی مخصوص و مأموریت آزاد ساختن قوم خود را می دهد، برخوردار می گردند. روح خدا، به دست آنها و توسط روح آنان، حماسه خروج و بیابان را ادامه می دهد، اسرائیل را از وحدت و نجات برخوردار می سازد و بدین ترتیب منشأ قوم مقدس می گردد. عمل او یک جهش درونی است، با اینکه بوسیله تصاویری که گویای تسلط ناگهانی و غریب است بیان می شود: «روح خدا بر عتئیل و یفتاح قرار داشت» (داور ۳: ۱۰، ۱۱: ۲۹). او مانند پرنده ای که بر شکارش فرود می آید ناگهان «نازل می شود» (داور ۱۴: ۶: ۱-سمو ۱۱: ۶) و مانند کسی که سلاح می پوشد، «ملبس می سازد» (داور ۶: ۳۴).

۲- پادشاهان

داوران رهایی دهندگانی موقتی هستند و پس از انجام مأموریتشان روح خدا آنان را ترک می کند. جانشینان آنها، پادشاهان هستند که مأموریتی دائمی دارند. رسم مسح کردن که آنها را تقدیس می کند، نشان دهنده حک شدن روح برای همیشه و اعطا شدن عظمتی مقدس به ایشان است (۱-سمو ۱۰: ۱، ۱۶: ۱۳).

۳- مسیح

رسم مسح برای تبدیل پادشاهان به خادمانی صدیق برای خدا که بتوانند اسرائیل را از نجات، عدالت و صلح مطمئن سازند، کافی نیست. لازم بود که روح خدا برای تکمیل این مأموریت، نفوذی مؤثرتر داشته باشد که عبارتست از مسح و تعیین مسیح مستقیماً از طرف خدا. روح نه تنها بر او فرود خواهد آمد، بلکه بر او خواهد ماند (اش ۲: ۱۱) و تمام قوتش را اعم از «حکمت و علم»، مانند بصلئیل (خروج ۳۵: ۳۱) یا در سلیمان، «تدبیر و قدرت»، مانند داود، «دانش و ترس از خدا» و بطور خلاصه مجموعه ای از روح های بزرگ مذهبی اسرائیل در او قرار خواهد داد. این عطایا راه را برای شادمانی و تقدس، در سرزمین تحت سلطه او باز می کند (اش ۹: ۱۱).

ب) روح و شهادت

۱- نبیئیم

این پیشروان پیامبران، که دائماً به حمد و ستایش مشغول بودند، فرقی مابین انجام اعمال انسانی که آنها را در حالت خلسه قرار می داد و عمل خدا برای این منظور نمی دیدند. اما با این وجود آنها یکی از نیروهای زنده اسرائیل هستند زیرا به قدرت یهوه شهادت می دهند. شخص می تواند حضور روح خدا را در نیرویی که آنان را به سخن گفتن به اسم خدای حقیقی واداشته است، ببیند (خروج ۱۵: ۲۰؛ اعد ۱۱: ۲۵-۲۷، ۱-سمو ۱۰: ۶؛ ۱-پاد ۱۸: ۲۲).

۲- پیامبران

دلیل اینکه پیامبران بزرگ، بخصوص پیامبران قدیمی تر از روح خدا صحبتی به میان نمی آورند و بیشتر ترجیح می دهند نیرویی که آنان را در دست خود دارد «دست خدا» بنامند (اش ۸: ۱۱؛ ار ۱: ۹، ۱۵: ۱۷؛ حزق ۳: ۱۴)، این نیست که فکرمی کنند

روح از آن ایشان نیست بلکه معتقدند که آن را به گونه ای غیر از انبیا قبل از آنها دارا هستند. آنان بطور مخصوصی خوانده شده اند تا وظیفه خاصی را انجام دهند و از این وظیفه که اغلب برضد تمام وجودشان در طغیان است، آگاهی کامل دارند و همین طور از قدرتی که آنان را وادار به سخن گفتن می کند (عا ۸:۳، ۷:۱۴-۱۵؛ ار ۷:۲۰-۲۱). کلماتی که اعلام می دارند، از آنها بیرون می تراود و به خوبی می دانند که این به چه قیمتی برایشان تمام می شود. اما این کلام در آنها بوجود نیامده است بلکه کلام خود خداست که بر آنها فرستاده شده است. به این طریق ارتباط کلام خدا، با روحش نشان داده می شود که از روزگار ایلیا (۱-۱۹:۱۲-۱۳) ظاهر می گردد و آن را انتهایی نیست. بنابراین روح خدا دیگر خود را به برخیزاندن شخصیتی جدید برای انجام اراده خود محدود نمی سازد بلکه به نبی اجازه شناخت معنی و راز عمل خود را می دهد. روح خدا دیگر «حکمت و قوت» نیست بلکه مبدل به «معرفت خدا» و راهپیش می شود (اش ۱۱:۳). در عین حال همانطور که خدا راه پیامبران را به کلام خود و به نقطه مکاشفه جلال الهی اش باز می کند (حزق ۳:۱۲، ۸:۳)، آنها را همچنین «بربا نگاه می دارد» (حزق ۲:۱، ۳:۲۴) تا آنکه با قوم صحبت کنند (حزق ۱۱:۵) و آمدن داوری را اعلام نمایند. بدین ترتیب آنان را شاهدان خود می سازد و باین کار خود نیز به خدا شهادت می دهد (نج ۹:۳۰؛ زک ۷:۱۲).

ج) روح و تقدیس

خادم یهوه

قرابت بین نقش مسیحایی و نقش رهاننده روح القدس و نقش پیامبرانه در اعلام کلام و داوری که در مسیح اشعیا نشان داده شده، کاملاً در «خادم یهوه» تأیید گردیده است، زیرا خدا «روح خود را بر او نهاده است». این خادم، «عدالت را به همه ملل اعلام خواهد نمود» (اش ۴۲:۱، ۶۱:۳-۱). کار پیامبر این است که عدالت را اعلام نماید و کار پادشاه استقرار عدالت می باشد. اما خادم «به رنج خود بسیاری را عادل خواهد گردانید» (اش ۵۳:۱۱) به این معنا که آنها را در عدالت ساکن خواهد نمود. بنابراین مأموریت او حاوی جنبه سلطنتی است. وظیفه پیامبری و مسیحایی به یکدیگر تقرب جسته و در یک روح تحقق می یابند. از طرف دیگر «خادم» کسی است که

«جان خدا از او خشنود است» (اش ۴۲:۱)، خشنودی ای که او از گذراندگان قربانی انتظار دارد. در نظر خدا، کل زندگی و مرگ بنده اش که به معنی کفاره برای گناهکاران و نجات بسیاری می باشد، مقدس است. بدین ترتیب روح القدس پاک کننده است.

د) قرار گرفتن روح بر مردم

فعالیت روح خدا در پیامبران و خادمانش، بخودی خود حرکتی نبوی و اعلامگر نزول بر تمامی مردم است، مانند بارانی که به زمین تشنه، حیات هدیه می کند (اش ۳۲:۱۵، ۴۴:۳؛ حزق ۳۶:۲۵؛ یول ۳:۱-۲)، و یا مانند دم حیات بخشی که استخوانهای خشکیده را جان می بخشد (حزق ۳۷). این تراوش روح مثل یک خلقت تازه است که بدین گونه انصاف و عدالت بر زمینی که تازه شده است قرار می گیرد (اش ۳۲:۱۶) و بر قلبهایی که به پذیرش ندای خدا، با ظرافت متبدل شده اند و عمقاً به کلام (اش ۵۹:۲۱؛ مز ۱۴۳:۱۰) و عهدش وفادارند (حزق ۳۶:۲۷)، همراه با حس تضرع (زک ۱۲:۱۰) و ستایش و تمجید (مز ۵۱:۱۷) ریخته می شود. اسرائیل با تولد تازه از روح خدا قادر به شناختن خدای خود خواهد شد و خدا نیز قوم خود را باز خواهد یافت: «من بار دیگر روی خود را از ایشان نخواهم پوشانید زیرا که روح خویش را بر خاندان اسرائیل خواهم ریخت» (حزق ۳۹:۲۹).

اما هنوز این رؤیا فقط یک امید است. در عهدعتیق، روح خدا نمی تواند باقی بماند زیرا «روح القدس هنوز عطا نشده است» (یو ۷:۳۹). بدون شک می توان دید که از همان آغاز، روح القدس، در زمان دریای سرخ و ابر بوسیله موسی، اسرائیل را به مکان آرامش خود رهبری نمود (اش ۶۳:۹-۱۴). اما شخص متوجه می شود که قوم همیشه قادر است «روح قدوس او را محزون سازد» (اش ۶۳:۱۰) و عمل او را متوقف نماید. برای آنکه این عطیه حالتی کلی و نهایی داشته باشد، خدا باید با نشانه ای بی سابقه، نشان دهد که شخصاً تمایل به مداخله دارد: «تو ای یهوه، پدر ما و ولی ما هستی ... ای خداوند ما را از طریقهای خود چرا گمراه ساختی؟ ... کاشکی آسمانها را منشق ساخته نازل می شدی» (اش ۶۳:۱۵-۱۹). آسمانهای گشاده شده، خدای پدر، خدایی که بر زمین نزول می کند و قلوب متبدل شده انسانها، همه و همه نتیجه فعالیت روح القدس است، روح القدسی که بطور کامل خود را در عیسی مسیح ظاهر خواهد ساخت.

هد) نتیجه: روح و کلام

در تمام عهدعتیق روح القدس و کلام خدا با هم عمل می کنند. دلیل اینکه مسیح قادر به نگه داشتن کلام شریعت فرستاده شده از خدا به موسی است و می تواند عدالت آن را مستقر سازد، این است که دارای روح القدس است. اگر پیامبر به کلام شهادت می دهد، دلیلش این است که روح القدس، او را در اختیار خود دارد. اگر خادم قادر است که کلام نجات را برای ملتها به ارمغان آورد، به این دلیل است که روح القدس بر او قرار گرفته است و اگر اسرائیل روزی قادر خواهد بود که این کلام را در قلب خود نگاه دارد، چنین چیزی فقط در روح القدس امکان خواهد داشت. این دو نیرو با آنکه غیرقابل تفکیکند، با این وجود مشخصات کاملاً متفاوتی دارند. کلام از خارج نفوذ می کند، مانند شمشیری که گوشت را می درد، روح القدس سیال است و بطوری غیر محسوس رخنه می کند. کلام شنیده شده شناخته می شود، اما روح القدس نادیده باقی می ماند. کلام یک مکاشفه است و روح القدس یک تبدیل درونی. کلام، محکم و استوار می ایستد، روح القدس می افتد، خود را می گسترده و فرو می رود. چنین تفاوتی در عملکرد و در عین حال ارتباط ضروری میان آنها، در عهدجدید یافت می شود. کلمه ای که توسط عمل روح القدس جسم گردیده است، بدون آن هیچ کاری نمی کند و در عطا روح است که عمل او کامل می گردد.

عهدجدید

الف) روح در عیسی

۱- تعمید عیسی

یحیی تعمید دهنده همزمان با انتظار برای مسیح، منتظر نزول روح با تمام قوتش بود، زیرا روح القدس عمل مقاومت ناپذیر خدا را جانشین عمل انسان می ساخت: «من شما را با آب به جهت توبه تعمید می دهم، لکن ... او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد» (مت ۳: ۱۱). یحیی از تمام نمادهای سنتی دست نیافتنی ترین آنها یعنی آتش را برمی گزیند. عیسی این را رد نمی کند، بلکه به طریقی که باعث تعجب یحیی است آن را به اتمام می رساند. او تعمید می گیرد و روح القدس بر او به گونه ای بسیار ساده و در عین حال الهی، همراه با آب و باد درحالیکه آسمان

گشوده می شود نزول می کند. تعمید آب که در نظر یحیی باید برچیده می شد، در عمل عیسی مبدل به تعمید روح می گردد. روح القدس، در مردی که با گناهکاران درآمیخته است، مسیح موعود (لو ۳: ۲۲؛ مز ۷: ۲)، بره ای که برای قربانی شدن در راه گناه جهان تقدیم می شود (یو ۱: ۲۹) و پسر محبوب (مر ۱: ۱۱) را مکشوف می کند. اما این مکاشفه توأم با راز و به گونه ای نامحسوس اعمال می گردد. پسر عمل می کند و تعمید می یابد و پدر با او سخن می گوید. اما روح القدس نه صحبت می کند و نه عمل می نماید، لیکن به هر حال حضور او برای رابطه بین پدر و پسر لازم است. روح القدس با اینکه وجودش ضروری است، خاموش و ظاهراً راکد می ماند. او به ندای پدر صدایش را نمی افزایشد و به عمل عیسی عملی اضافه نمی کند! پس چه می کند؟ او ملاقات را ممکن می سازد و کلام تأیید افتخار و محبتی که از جانب پدر به عیسی می رسد را با او در میان می گذارد و او را در موقعیت پسری خود قرار می دهد. روح القدس تقدیس شدن مسیح را نزد پدر برمی افرازد، نوبر قربانی پسر محبوب او.

۲- لقاح یافتن عیسی از روح القدس

حضور روح در عیسی که تنها در تعمید آشکار می شود، به زمان آغاز موجودیت او باز می گردد. تعمید عیسی صحنه خوانده شدن نیست، بلکه به منزله اعطای مقام مسیح و معرفی پسر از طرف خداست، معرفی همان خادمی که خدا درباره او توسط پیامبر خود با واژه خاص «اینک» خبر می دهد (اش ۴۲: ۱، ۵۲: ۱۳). داوران، پیامبران و پادشاهان روزی خود را در اختیار روح القدس می یابند و یحیی تعمید دهنده سه ماه قبل از تولد، تحت سلطه او قرار می گیرد. اما روح القدس در عیسی شخصیت تازه ای را بوجود نمی آورد. از بدو وجود وی، روح القدس در او ساکن است و به او حیات می بخشد و از درون رحم مادر، عیسی را «پسر خدا» تعیین می کند. اناجیل مرقس و لوقا، هر دو در توضیح کودکی عیسی بر این عمل بنیادی تأکید می نمایند (مت ۱: ۲۰؛ لو ۱: ۳۵). لوقا با مقایسه اعلام مژده به مریم با اعلانهای قبل از او، به وضوح روشن می سازد که این عمل چیزی بیشتر از یک تقدیس است. شمشون (داور ۱۳: ۵)، سموئیل (۱ سمو ۱: ۱۱) و یحیی تعمیددهنده (لو ۱: ۱۵) هر سه از آغاز حیات در رحم مادر به طریقی کم و بیش کامل و مستقیم وقف خدا شدند. اما عیسی بدون هیچگونه واسطه سنتی یا دخالت انسان، بلکه تنها با عمل روح القدس در مریم، دیگر تنها برای خدا تقدیس شده نبود، بلکه در وجود و خویشن خویش مقدس بود (لو ۱: ۳۵).

۳- عیسی در روح عمل می کند

عیسی در تمام اعمالش عمل روح القدس را در درون خود ظاهر می سازد (لو: ۴: ۱۴). او در روح، با شیطان مواجه می شود (مت: ۴: ۱) و قربانیان او را آزاد می سازد (۲۸: ۱۲) و برای مسکینان، خبر خوش و کلام خدا را به ارمغان می آورد (لو: ۴: ۱۸). او در روح القدس، به پدر بسیار نزدیک است (لو: ۱۰: ۲۱). معجزات او که باعث شکست شرارت و مرگ می شود، حقیقت و قدرت کلامش و آشنایی مستقیم او با خدا، همه و همه نشانه این است که روح القدس بر اوست (اش: ۶۱: ۱) و در عین حال او همان مسیح نجات دهنده، همان پیامبر که همه انتظارش را می کشیدند و همان خادم محبوب است.

نشانه های روح در افراد ملهم اسرائیل، همواره آنی و ناپایدار بوده، لکن در عیسی پایدار است. او کلام خدا را دریافت نمی کند، بلکه آن را اعلام و ابراز می دارد. او برای اعمال یک معجزه، منتظر فرصت نمی شود، بلکه معجزات مانند حرکات بسیار ساده و طبیعی ما، از او صادر می شوند. اسرار الهی از جای دیگر به او نمی رسد، بلکه همواره و بدون هیچ مانعی در اتحاد کامل با او زیست می نماید. هیچکس به اندازه او آکنده از روح نبوده است، «که خارج از هر حد و حصری است» (یو: ۳: ۳۴).

هرگز احدی مانند او از روح پر نبوده است. افراد الهام یافته در عهدعتیق با اینکه عنان خود را در اختیار دارند، می دانند که قدرتی عظیم تر آنان را در دست خود دارد. در عیسی ما چنین حالت تسخیرشدگی را نمی بینیم. شخص به این نتیجه می رسد که او برای انجام کارهای خدا به روح القدس احتیاج ندارد. نه آنکه می تواند بدون روح زندگی کند، همانطور که بدون پدر هم نمی تواند، اما چون «پدر همیشه با اوست» (یو: ۸: ۲۹)، پس روح نیز هرگز از او جدا نمی شود. عدم وجود انعکاسهای معمولی روح القدس در عیسی نشانه الوهیت اوست. روح در او به عنوان یک نیروی اشغالگر خارجی عمل نمی نماید، بلکه او در روح است و روح در او. این روح در حقیقت روح خود اوست (یو: ۱۶: ۱۴-۱۵).

ب) عیسی آمدن روح را وعده می دهد

عیسی با وجود اینکه از روح پر است و تنها در اوست که عمل می کند، به ندرت از

او صحبتی به میان می آورد. او در تمام اعمالش روح را آشکار می سازد، اما تا زمانیکه در میان ماست بر او به عنوان وجودی جدا از خود انگشت نمی گذارد. برای آنکه روح ریخته شود و شناسانیده گردد، عیسی اول باید جهان را ترک نماید (یو: ۷: ۳۹، ۷: ۱۶)، آن موقع انسانها روح را خواهند شناخت و خواهند دانست که از عیسی می آید. از این گذشته، عیسی غیر از هنگامی که خود را بطور واضح و موقت (مت: ۱۰: ۲۰) و یا کاملاً قطعی (یو: ۱۳: ۱۳-۱۵ و ۱۴: ۱۶-۱۷ و ۲۶) از متعلقانش جدا می کند، از روح صحبتی نمی نماید.

در اناجیل نظیر (متی، مرقس و لوقا) به نظر می رسد که روح القدس خود را تنها در وضعیت های مهم، در میان هجوم دشمنان پیروز، یا در برابر دادگاهها و محاکم نشان می دهد (مر: ۱۱: ۱۳). اما سخنان صمیمانه ای که عیسی پس از شام آخر بر لبانش جاری می سازد، دقیق تر است: دشمنی جهان نسبت به عیسی یک پدیده تصادفی نیست و اگر هر روز خود را در جفاهای خشن نشان نمی دهد، به هر حال شاگردان سنگینی تهدیدات آن را هرروز حس خواهند نمود (یو: ۱۵: ۱۵-۱۸-۲۱) و به همین دلیل روح القدس هر روزه با آنها خواهد بود (یو: ۱۴: ۱۶-۱۷).

همانطور که عیسی با زندگی خود بر پدرش اقرار کرد (یو: ۵: ۴۱، ۸: ۵۰، ۱۲: ۴۹) شاگردان نیز می باید به خداوند شهادت دهند (مر: ۱۳: ۹، یو: ۱۵: ۲۷). تا هنگامیکه عیسی با آنها بود، از هیچ چیز واهمه نداشتند. او مدافع آنان و همیشه آماده دفاع و بیرون کشیدن ایشان از مشکلات بود (یو: ۱۷: ۱۲). پس از آنکه عیسی جهان را ترک می کند، این روح القدس است که جای او را به عنوان مدافع (پاراکلتوس) می گیرد (یو: ۱۴: ۱۶، ۷: ۱۶). برخلاف عیسی او به اسم خود صحبت نمی کند، بلکه به اسم همان عیسی که از او جدانشدنی است و جلالش خواهد داد (یو: ۱۳: ۱۴-۱۶). او اعمال و گفتار عیسی را به یاد شاگردان خواهد آورد و به آنها حکمت درک این مطالب را خواهد بخشید (۲۶: ۱۴). او به آنها نیرویی عطا خواهد کرد که به نام عیسی با دنیا مواجه شوند تا اینکه معنی مرگ او را کشف کنند و به راز الهی که در چنین واقعه تکان دهنده ای تحقق یافته است شهادت دهند: محکوم شدن گناه، شکست شیطان، و پیروزی عدالت خدا (۱۶: ۸-۱۱).

ج) عیسی روح را می فرستد

عیسی با مرگ و قیامش، روح القدس را به عنوان هدیه ای به کلیسا می بخشد.

شخصی که می‌میرد، هر چند در زندگی روحش بزرگ و نفوذش بی‌ظنیر و گسترده بوده باشد، محکوم است که جزئی از گذشته شود. ممکن است کارهایش باعث زنده ماندن نام او شود، اما دیگر مستقیماً به او مربوط نیستند. او دیگر نمی‌تواند خط مشی کارهایش را تعیین نماید و باید آن را به عهده انتخاب مردم بگذارد. اما وقتی عیسی هنگام مرگ «روح خود را به خدا تسلیم می‌کند»، در همان عمل روحش را به کلیسا می‌دهد (یو ۱۹:۳۰). تا قبل از مرگ عیسی زمینه فعالیت‌های روح القدس به وسیله محدودیت‌های طبیعی و انسانی عیسی محدود شده بود، اکنون که پسر انسان در جلال و به دست راست پدر نشسته است (یو ۱۲:۲۳)، قادر است که انسانیت نجات یافته را به اتحاد درآورده (یو ۱۲:۳۲) و روح القدس را بر آن بریزد (یو ۷:۳۹، ۲۰:۲۲-۲۳، اع ۳۳:۲).

د) کلیسا روح را دریافت می‌کند

کلیسا، این خلقت تازه، تنها می‌تواند از روحی که منشا تمام تولد یافتگان خداست بوجود آید (یو ۵:۶). در واقع کتاب اعمال رسولان را می‌توان «انجیل روح القدس» نامید. این فعالیت روح القدس در اعمال رسولان دارای دو خصیصه است که در عهدعتیق نیز به چشم می‌خورد. از طرفی، اعمال عجیب و غیر معمول افرادی ملهم را در حالت وجد (اع ۲:۴-۵ و ۱۱)، شفا را در بیماران و رهایی تسخیرشدگان بوسیله شیطان (اع ۷:۳، ۱۲:۵ و ۱۵...) و شجاعت قهرمانانه را در شاگردان (اع ۴:۱۳ و ۳۱، ۵:۲۰، ۱۰:۲۰) می‌بینیم. از طرف دیگر، این عجایب و نشانه‌های نجات قطعی نشانگر آنند که بازگشت بسوی خدا امکان پذیر است، گناهان آمرزیده می‌شوند و ساعت آن فرا رسیده است که خدا روح خود را به کلیسا فروریزد. (اع ۲:۳۸، ۳:۲۶، ۴:۱۲، ۵:۳۲، ۱۰:۴۳).

این روح، همان روح عیسی است که باعث تکرار اعمال او، اعلام کلامش (اع ۴:۳۰، ۵:۴۲، ۶:۷، ۹:۲۰، ۱۸:۵، ۱۹:۱۰ و ۲۰). زنده شدن دعاهای وی (اع ۷:۵۹-۶۰؛ لو ۲۳:۳۴ و ۴۶؛ اع ۲۱:۱۴؛ لو ۲۲:۴۲)، و ابدی شدن شکرگزاری عیسی در تقسیم نان می‌شود. روح القدس در میان برادران، اتحاد را نگاه می‌دارد (اع ۲:۴۲ و ۴:۳۲)، همان اتحادی که شاگردان را به دور عیسی جمع نمود. ممکن نیست که شاگردان مسیح بتوانند به میل خود آن عاداتی را که در تماس با مسیح

به دست آورده بودند نگاه دارند و همچنان به زندگی مسیحی خود ادامه دهند. عیسی حتی هنگام زندگی با شاگردانش، برای نزدیک نگاه داشتن آنها به خود می‌بایست تمام نیروی شخصیتش را بکار می‌گرفت. اکنون که آنها دیگر او را نمی‌بینند و با اینکه می‌دانند در صورت پیروی از وی در معرض چه خطری قرار خواهند گرفت، اعجاب‌انگیز است که آنها بخودی خود او را دنبال می‌کنند. البته نباید از نظر دور داشت که این اعمال زاییده روح عیسی در آنهاست.

روح القدس نیرویی است که کلیسای نوپا را حتی تا «اقصی نقاط جهان» به پیش می‌برد (اع ۸:۱). او گاهی مستقیماً «به سوی امتهای می‌شتابد» (اع ۱۰:۴۴) و به این طریق ثابت می‌کند که «بر تمام بشریت ریخته شده» (اع ۱۷:۲) و گاهی افرادی را که انتخاب کرده است، به مأموریت می‌فرستد مانند فیلیپس (اع ۸:۲۶-۲۹ و ۳۰)، پطرس (اع ۱۰:۲۰)، پولس و برنابا (اع ۱۳:۴ و ۲۰). اما حضور روح القدس تنها در ابتدای مأموریت نیست، بلکه اعمال رسولان را هدایت و همراهی می‌نماید (اع ۶:۶-۷) و اقتدار خود را در تصمیمات آنان قرار می‌دهد (اع ۱۵:۲۸). اگر به کلمه ایمان آورده شد و کلمه باز هم انتشار یافت به این دلیل است که سرچشمه باطنی این ذوق و گرایش روح القدس است (اع ۶:۷، ۱۲:۲۴، ۱۳:۵۲).

هـ) تجربه روح در پولس رسول

۱- روح القدس، جلال عیسی، در ما

او که با نیروی روح قدوسش (روم ۱:۴) عیسی را از میان مردگان برخیزانید (روم ۸:۱۱) و او را «روح حیات بخش» ساخت (۱-قرن ۱۵:۴۵) در آن واحد، روح القدس را «جلال خداوند» برخاسته ساخته است (۲-قرن ۳:۱۸). هدیه روح القدس، حضور جلال خداوند در ماست که ما را بصورت خود تبدیل می‌نماید. پس پولس «مسیح و روح القدس» یا «حیات در مسیح» و «حیات در روح القدس» را از هم جدا نمی‌کند. همانطور که «زیستن مسیح است» (غلا ۲:۲۰) «زیستن روح» نیز هست (روم ۸:۲۰ و ۱۰). «بودن در مسیح عیسی» (روم ۸:۱) یعنی زندگی «در روح» (۸:۵...).

۲- نشانه‌های روح

زیستن در روح القدس هنوز به معنای تسلط مستقیم و کامل بر آن نیست، بلکه

زندگی در ایمان است. لکن تجربه ای است حقیقی و اطمینانی استوار، زیرا توسط این نشانه ها حضور خدا تجربه می شود. این نشانه ها با یکدیگر تفاوت های زیادی دارند. اما همه آنها، از عطایای نسبتاً ظاهری مانند تکلم به زبانها یا شفا (۱-قرن ۱۲: ۲۸-۲۹)، گرفته تا عطایای افضل تر (۱-قرن ۱۲: ۳۱) مانند ایمان، امید، و محبت در خدمت انجیلی هستند که بر آن شهادت می دهند (۱-تسا ۱: ۵-۶؛ ۱-قرن ۱: ۵-۶) و در خدمت بدن مسیح که آن را تشکیل داده اند، می باشند (۱-قرن ۱۲: ۴-۳۰).

همچنین تمام نشانه ها بوسیله اعمال و حالات در انسان و همینطور «آنچه خدا به ما عطا فرموده است» (۱-قرن ۲: ۱۲)، به ما احساس حضور شخصی و سکونت کسی (روم ۸: ۱۱) را در درونمان می دهد که شهادت دهنده (روم ۸: ۱۶)، شفاعت کننده (روم ۸: ۲۶)، پیوند دهنده خود به روح ما (روم ۸: ۱۶)، و ندا کننده در قلبهای ماست (غلا ۴: ۶).

۳- روح القدس، منشا حیات نوین

تجربه روح با آنکه دارای اشکال گوناگون است، در اصل یکی است: حیات جای موجودیتی را گرفته است که محکوم و آماده مرگ گشته بود. شریعتی که ما را بندگان کهنگی حرف شریعت خود ساخته بود، جای خود را به «تازگی روح» می دهد (روم ۷: ۶)؛ و برکت ابراهیم در وعده روح (غلا ۳: ۱۳-۱۴) به عوض لعنت شریعت قرار می گیرد و عهد حرف شریعت که کشنده است، عرصه را برای روح که زنده می کند، باز می نماید (۲-قرن ۳: ۶). شریعت روح و عدالت جای گناهی که شریعت جسم را وضع کرده بود می گیرد (روم ۷: ۱۸ و ۲۵، ۸: ۲ و ۴). اعمال جسم، جای خود را به ثمرات روح می دهند (غلا ۵: ۱۹-۲۳). لعنتی که به صورت «عذاب و مصیبت» (روم ۲: ۹) به واسطه غضب الهی بر انسان گناهکار سنگینی می کرد، اکنون به آرامش و شادی روح القدس تغییر یافته است (۱-تسا ۱: ۶؛ غلا ۵: ۲۲...).

این حیات به ما داده شده است و در روح کمبود هیچ عطیه دیگری نیست (۱-قرن ۷: ۱)؛ اما این عطیه در مبارزه به ما داده می شود، زیرا در این زندگی تا حال تنها «بیعانه» (۱-قرن ۱: ۲۲، ۵: ۵؛ افس ۱: ۱۴) و «نوبر» روح را (روم ۸: ۲۳) داریم. روح القدس ما را به منازعه علیه جسم می خواند، علائمی که مؤید حضور او هستند همواره با اعلان احکام او همراهند: «اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار کنیم»

(غلا ۵: ۲۵، ر.ک غلا ۶: ۹؛ روم ۸: ۹ و ۱۳؛ افس ۴: ۳۰) و به این ترتیب، روح القدس «جسمانیان» و «اطفال در مسیح» را به «روحانیان» مبدل می سازد (۱-قرن ۳: ۱).

۴- روح و کلیسا

خلقت تازه ای که از روح القدس تولد یافته، کلیساست. کلیسا و روح غیرقابل تفکیک اند: روح در کلیسا تجربه می شود و راه را برای راز کلیسا روشن می سازد. عطایای روح هرچه بیشتر باعث بنای کلیسا (۱-قرن ۲: ۷، ۴: ۱۴...) و تقدیس معبد خدا شوند (۱-قرن ۳: ۱۶؛ افس ۲: ۲۲) با ارزش ترند. روح القدس همواره اعمال و عطایای خود را احیا می کند. او پیوسته برای اتحاد بدن مسیح کار می کند (۱-قرن ۱۲: ۱۳). روح مشارکت (افس ۳: ۴؛ فی ۲: ۱)، عطای بزرگ محبت را در قلبها می ریزد (۱-قرن ۱۳: ۲-۶؛ غلا ۵: ۲۲؛ روم ۵: ۵) و همه را در اتحاد خویش به هم می پیوندد (افس ۴: ۴).

۵- روح خدا

«فقط یک بدن و یک روح ... یک خداوند ... و یک خدا» (افس ۴: ۴...).

روح القدس متحد می سازد زیرا روح خداست، مقدس یا مهر می کند (۲-قرن ۱: ۲۲) زیرا روح خدا قدوس است. تمام فعالیت های روح القدس به ما داده شده است تا اینکه در نزدیک شدن ما به خدا یاری مان دهد و با ما و او رابطه ای زنده برقرار سازد تا ما را در اعماق مقدس داخل کند و «اسرار خدا» را به ما بسپارد (۱-قرن ۲: ۱۰-۱۱).

ما فقط در روح القدس مسیح را می شناسیم و به «خداوندی عیسی» اقرار می کنیم (۳: ۱۲) و به درگاه خدا دعا می کنیم (روم ۸: ۲۶) و او را به اسمش «ابا» پدر می خوانیم (روم ۸: ۱۵؛ غلا ۴: ۶). از لحظه ای که روح القدس را دریافت می داریم هیچ چیز قادر به از بین بردن ما نیست زیرا خدا خودش را به ما داده است و در اوست که زندگی می کنیم.

* * *

آب

آب بیش و پیش از هر چیز منبع نیرو و حیات است: زمین بدون آب بیابانی لم یزرع بیش نیست. بیابانی که در آن گرسنگی و تشنگی بیداد می کند و انسان و حیوان هر دو محکوم به فنا هستند. اما آب در عین حال مرگ آور نیز هست: سیل خروشان و مخرب زمین را درمینوردد و هر موجود زنده ای را به کام می کشد. و بالاخره آب از دیرباز کیفیتی تطهیرکننده داشته و بطور سنتی برای غسل و طهارت بکار می رفته است: آب، اشیا و آدمیان را از نجاساتی که طی روز به آن آلوده شده اند پاک و مطهر می سازد. بدین ترتیب آب-خواه حیات بخش، خواه مخرب و خطرآفرین-پیوسته پاک کننده است و از این رو با حیات آدمی و نیز با تاریخ قوم خدا پیوندی تنگاتنگ دارد.

آب در مفاهیم مربوط به آخر زمان

۱- مضمون آب از دیدگاه احیای قوم خدا دارای جایگاه ویژه ای است. خدا پس از جمع کردن قوم پراکنده، آبهای تطهیرکننده را به وفور اعطا می نماید تا قلوب آدمیان پاک شده بتوانند احکام و فرامین یهوه را بطور کامل به انجام رسانند (حزق ۳۶: ۲۴-۲۷). در آن صورت لعنت و خشکسالی پایان می یابد و خدا « باران را در موسمش خواهد بارانید » (حزق ۳۴: ۲۶). بارانی که ضامن فراوانی و خرمی است (حزق ۳۶: ۲۹ و ۳۰). بذر زمین شکوفا شده محصولی نیکو به بار می آورد و دشتهای سرسبز خواهند شد (اش ۳۰: ۲۳ و ۲۴). قوم خدا به جانب نهادهای جوشان هدایت می شوند و دیگر هیچگاه از گرسنگی و تشنگی خبری نخواهد بود (ار ۳۱: ۹؛ اش ۴۹: ۱۰).

در پایان دوران تبعید قوم اسرائیل در سرزمین بابل، خاطره خروج به کرات با اندیشه احیایی مجدد درهم می آمیزد. بازگشت از اسارت در واقع خروجی است نوین که با معجزاتی بس شگفت انگیزتر همراه می باشد. خدا پیشتر به توسط موسی از دل سنگ آب جاری ساخته بود تا عطش قومش را فرونشاند (خروج ۱۷: ۱-۷؛

اعد ۲۰: ۱-۱۳؛ مز ۷۸: ۱۶ و ۲۰، ۱۱۴: ۸؛ اش ۴۸: ۲۱). اکنون نیز این معجزه را مجدداً انجام خواهد داد (اش ۴۳: ۲۰) منتهی با چنان عظمتی که بیابان برهوت به باغی خرم و سرسبز بدل خواهد شد (اش ۴۱: ۱۷-۲۰) و از دل سرزمین های خشک، نهرهای آب روان جاری خواهد گردید (اش ۳۵: ۷ و ۶).

در اورشلیم که همانا مقصد نهایی است چشمه ای جاودان جاری خواهد بود و از هیکل رودخانه ای جاری گشته به « دریای مرده » سرازیر خواهد شد و از هر جا که عبور کند، حیات و سلامتی به ارمغان خواهد آورد. درختان شکوفه خواهند داد و ثمرات زیاد به بار خواهند آورد؛ سعادت بهشت مجدداً باز خواهد گشت (حزق ۴۷: ۱-۱۲؛ پید ۲: ۱۰-۱۴). قوم خدا در این آبها طهارت (زک ۱۳: ۱)، حیات (یول ۴: ۱۸؛ زک ۱۴: ۸) و قدوسیت خواهد یافت (مز ۴۶: ۵).

۲- بدین ترتیب آب از این دیدگاه کیفیتی سمبولیک می یابد. قوم اسرائیل صرفاً به ثروت دنیوی و سعادت و کامیابی زمینی چشم ندارد. آبی که حزقیال می بیند از هیکل جاری است سمبول قدرت حیات بخش خداست، قدرتی که تجلی آن را به هنگام ظهور مسیح می بینیم و آدمیان را قادر می سازد میوه بسیار بیاورند (حزق ۴۷: ۱۲؛ ار ۱۷: ۸؛ مز ۱: ۳؛ حزق ۱۹: ۱۰ و ۱۱). آب در اشعیا (۳۴: ۴-۵) سمبول روح خداست، روحی که بیابان برهوت را به باغی سرسبز و قومی بی وفا را به قوم « اسرائیل » تبدیل می کند. در جای دیگر « کلام خدا » به بارانی تشبیه شده است که زمین را سرسبز می سازد (اش ۵۵: ۱۰ و ۱۱؛ عا ۱۱: ۸ و ۱۲) و کلام « معرفت » به آب حیات تشبیه گردیده است (اش ۵۵: ۱؛ بنسی ۱۵: ۳، ۲۴: ۲۵-۳۱). خلاصه آن که منبع حیات انسان خداست و اوست که به انسان قدرت می دهد تا در ایمان و محبت رشد نماید (ار ۲: ۱۳، ۱۷: ۸). انسان دور از خدا جز سرزمینی خشک و بی حاصل نیست، سرزمینی که دیر یا زود نابود می شود و محکوم به فناست (مز ۱۴۳: ۶). به همین خاطر مانند آهو که برای آب روان اشتیاق می کشد، تشنه و مشتاق خداست (مز ۴۲: ۳ و ۲). اما آنگاه که خدا با او باشد به باغی می ماند که منبع حیات را در درون خود دارد (اش ۵۸: ۱۱).

عهد جدید

آبهای حیات بخش. مسیح به این جهان آمد تا آب حیات بخشی را که انبیا وعده داده بودند به آدمیان ارزانی دارد. او صخره ای است که وقتی بر آن ضربه زنند (یو:۱۹:۳۴) از پهلویش آبی جاری می شود که عطش انسان مسافر سرزمین موعود واقعی را فرو می نشاند (اول قرن ۱۰:۴؛ یو:۷:۳۸؛ خروج ۱۷:۱-۷). همچنین مسیح هییکلی است (یو:۲:۱۹-۲۱) که از بطن آن رودخانه ای جاری می گردد که اورشلیم جدید را آبیاری کرده در کالسبد آن حیاتی دوباره می دمد (یو:۷:۳۷ و ۳۸؛ مکا:۱۷ و ۱۱:۲۲؛ حزق ۴۷:۱-۱۲)، اورشلیمی که حقیقتاً همان «بهشت» جدید است. این آبها در واقع همان روح القدس یعنی قدرت حیات بخش خدای خالق می باشد (یو:۷:۳۹). با این حال در یوحنا (۴:۱۰-۱۴)، آب ظاهراً سمبول تعلیم حیات بخشی است که در حکمت مسیح نهفته است (یو:۴:۲۵). به هر حال بعد از آن که همه چیز سوخت و از بین رفت، آب حیات همچنان سمبول سعادت جاودانه برگزیدگان می باشد- برگزیدگانی که «بره» آنان را به سوی مرتعهای خرم و سرسبز هدایت می کند (مکا:۱۷، ۲۱:۶؛ اش ۲۵:۸، ۴۹:۱۰).

* * *

آتش

با آمدن مسیح، دوران آخر آغاز می شود هر چند که تا فرارسیدن زمان های آخر هنوز مدت زیادی باقی است. در عهد جدید نیز آتش همان مفهوم سنتی مربوط به آخر زمان را داراست. منتهی واقعیت مذهبی که این آتش نمودی از آن است از هم اکنون در دوران حکومت «کلیسا» تحقق یافته است.

آتش در دوران کلیسا

کلیسا از آن هنگام تاکنون به برکت قربانی مسیح در این آتشی که جهان را شعله ور می سازد زیسته است. این آتش در قلوب دو مسافر راه عموآس که خبر قیام مسیح را شنیدند شعله ور شد (لو:۲۴:۳۲) و در روز پنطیکاست نیز بر حواریون نازل گشت (اع:۲:۳). این آتش که از آسمان نازل می شود دیگر آتش غضب و داوری نیست بلکه آتش حضور خداست که تعمید به روح و آتش را به ارمغان می آورد (اع:۱:۵). آتش اکنون سمبول روح خداست، و اگر به وضوح نمی خوانیم که خود محبت است، واقعه پنطیکاست نشان می دهد که مأموریت آن همانا تبدیل کسانی بوده است که می بایست دقیقاً همین پیام، یعنی پیام محبت را به گوش جهانیان برسانند.

به همین ترتیب زندگی مسیحایی نیز زیر مُهر آتشی است مقدس. اما این آتش دیگر آن آتش کوه سینا نیست (عبر: ۱۲:۱۸) بلکه آتشی است که زندگی ما را در عبادتی مقبول و مورد پسند خدا می سوزاند (عبر: ۱۲:۲۹). این آتش همچنان که در قلوب مؤمنین پیوسته بدر غیرت الهی می کارد، تا به ابد آتشی سوزنده خواهد بود. آنان که آتش روح وجودشان را فراگرفته است دیگر از خدا دور نیستند بلکه خود خدا در اعماق وجود ایشان ساکن شده شخصاً این فاصله را پرمی کند. شاید معنای این سخنان مبهم که انسان آنگاه که «به آتش نمکین گردد» ایماندار نیکوخواهد بود (مر: ۹:۴۸ و ۴۹) نیز همین باشد، آتشی که آتش داوری و آتش روح خداست. اوريجن از قول عیسی چنین روایت می کند که «هرکس به من نزدیک است، به آتش نزدیک است و آنکه از من دور است از ملکوت دور است».

* * *

روغن

۱- روغن به عنوان عطیه‌ای از طرف خدا. روغن-در کنار گندم و شراب-یکی از حیاتی‌ترین مواد غذایی است که خدا در سرزمین مملو از درختان زیتون (تث ۱:۶، ۸:۸) برای قوم خاص خود تدارک دیده است (تث ۱۱:۱۴). روغن در کتاب مقدس برکنی است الهی (تث ۱۳:۷ و ۱۴:۱۴) و فقدان آن، مجازات کسانی است که نسبت به خدا بی وفا بوده‌اند (میک ۶:۱۵؛ حب ۳:۱۷) اما وفور آن نشانه نجات (یول ۲:۱۹) و سمبول سعادت ایام آخر است (هو ۲:۲۴). از این گذشته، روغن نه تنها به وقت تنگی غذایی است حیاتی (اول پاد ۱۷:۱۴ و ۱۵:۱۴؛ دوم پاد ۱-۷) بلکه در مواقع عادی نیز وسیله تدهین است؛ با آن بدن را معطر می‌سازند (عا ۶:۶؛ استر ۲:۱۲)، اعضای بدن را نیرومند می‌کنند (حزق ۱۶:۹) و زخم‌ها را التیام می‌بخشند (اش ۱:۶؛ لو ۱۰:۳۴). و بالاخره روغن در چراغ منشأ نور و روشنایی است (خروج ۲۷:۲۰ و ۲۱:۲۱؛ مت ۲۵:۳-۸). از این روغن نباید در پرستش بعل استفاده کرد زیرا حاصلخیزی زمین از او نیست. برای انعقاد پیمان با بت پرستان نیز نباید به کار رود زیرا نجات قوم تنها از جانب خدا و در گرو وفاداری آن به عهد و پیمان‌ش با خدا می‌باشد (هو ۲:۷ و ۱۰:۱۲). و اما شرط وفاداری به عهد و پیمان الهی صرفاً آن نیست که بهترین روغن را به کاهن دهیم (اعد ۱۸:۱۲) یا بنا به سنت قدری روغن بر قربانی هدیه آردی بریزیم (لاو ۲:۱، اعد ۱۵:۴، ۲۸-۲۹) و یا حتی مقادیر زیادی روغن بر مذبح پیشیم، بلکه چنین کارهایی تنها هنگامی مقبول خدا خواهد بود که شخص طریق عدالت و محبت پیش گیرد و با خدا گام بردارد (میک ۶:۷ و ۸).

۲- جنبه نمادین روغن. همانطور که روغن نشانه برکت الهی است، درخت زیتون نیز سمبول مرد عادل است که خدا او را برکت داده است (مز ۵۲:۱۰، ۱۲۸:۳؛ بنسی ۵۰:۱۰). همچنین سمبول حکمت الهی است که در قالب شریعت، راه عدالت و سعادت را به انسان نشان می‌دهد (بنسی ۲۴:۱۴ و ۱۹-۲۳). دو درخت زیتونی که روغن آن هفت چراغ شمعدان طلایی را تامین می‌کنند (زک ۴:۱۱-۱۴) نمایانگر «دو پسر روغن»، یعنی دو مسح شده خدا هستند که همانا پادشاه و کاهن اعظم

می‌باشند و ماموریت دارند قوم را آگاه کرده آنان را به سوی نجات رهنمون سازند. از این گذشته، اگر کیفیت دل‌ریا و اغواکننده روغن را در نظر بگیریم (امث ۳:۵؛ مز ۱۰۹:۱۸؛ امث ۲۷:۱۶) به وضوح آن را عطری دل‌انگیز خواهیم یافت که شادی بخش دلهاست و سمبول عشق (غزل ۱:۳)، دوستی (امث ۲۷:۹) و سعادت و خوشی اتحاد برادرانه می‌باشد (مز ۱۳۳:۲). همچنین سمبول خوشی و شادمانی است چرا که صورت را درخشان می‌سازد (مز ۱۰۴:۱۵). سر کسی را به روغن تدهین کردن (مز ۲۳:۵، ۹۲:۱۱؛ لو ۷:۴۶؛ مت ۲۶:۷) نشان آن است که او را دوست خود دانسته برایش سعادت و شادی آرزو می‌کنیم و احترامی عمیق قائلیم.

عبارت «روغن شادمانی» (مز ۴۵:۸) بیش از هر چیز مصداق روغنی است که برای تدهین پادشاه بکار می‌رود. این کار نشان ظاهری برگزیدگی الهی است و طی آن روح خدا بر فرد برگزیده قرار گرفته وجود او را مسح می‌کند (اش ۱۰:۱-۶، ۱۶:۱۳). این ارتباط میان تدهین و نزول روح خدا، پایه و اساس کیفیت نمادین روغن در مراسم و آیین‌های رازگونه مسیحی است و نمونه آن را به ویژه در آیین تدهین بیماران می‌بینیم که در رساله یعقوب نیز بدان اشاره شده است (بع ۵:۱۴؛ مر ۶:۱۳). روغن مقدس، فیض مضاعف روح القدس را برای فرد مسیحی به ارمغان می‌آورد-همان روحی که عیسی را مسح شده خداوند و پسر خدا گرداند (رک عبر ۱:۹ که مز ۴۵:۸ را در مورد مسیح بکار می‌برد تا الوهیت او را اعلام دارد).

* * *

ساخت و بدین ترتیب به آنان اطمینان داد که خدای پدرانشان، با آنان نیز خواهد بود - درست همان طور که پیشتر با پدرانشان بود. در واقع خدا خود را بیهوه می نامد و این گونه خود را معرفی می کند: «هستم آن که هستم»، یعنی من خدایی ازلی، زوال ناپذیر و وفادار هستم. و یا «هستم آن که هست»، یعنی خدایی که در همه جا و هر زمان پیوسته با قوم خود است و همراه آنان، می خرامد (خروج ۳: ۱۳-۱۵، ۳۳: ۱۶). وعده این حضور پر قوت که به هنگام عهد و پیمان خدا با قوم به آنان داده شد (خروج ۳۴: ۹ و ۱۰) مجدداً خطاب به فرستادگان بیهوه که بیهوه از طریق آنان قوم خود را هدایت می کند، تکرار می شود: فرستادگانی چون یوشع و داوران (یوشع ۵: ۱؛ داوری ۶: ۱۶؛ اول سمو ۳: ۱۹)، پادشاهان و انبیا (دوم سمو ۷: ۹؛ دوم پاد ۱۸: ۷؛ ارا ۸: ۱۹). در این رابطه، نام طفلی که اشعیا تولدش را اعلام می دارد و باعث نجات قوم خواهد شد نیز بسیار حائز اهمیت است: نام او عمانوئیل یعنی «خدا با ماست» می باشد (اش ۷: ۱۴؛ مز ۴۶: ۸).

خدا حتی هنگامی که برای نجات قوم آنها را به تبعید می فرستد، همچنان با آنهاست و رهایشان نمی کند. او کماکان شبان (حزق ۳۴: ۱۵ و ۱۶ و ۳۱؛ اش ۴۰: ۱۰ و ۱۱)، پادشاه (اش ۵۲: ۷)، داماد، و رهاننده قومی است که همچنان او را بندگی می کنند و شاهان اویند (اش ۴۱: ۸-۱۰، ۴۳: ۱۰-۱۲، ۵۴: ۵ و ۶، ۶۰: ۱۶). او اعلام می دارد که به وعده های خود وفا کرده این قوم را به رایگان نجات خواهد داد (اش ۵۲: ۳ و ۶) و جلال او به شهر مقدس که نام آن از این پس «بیهوه این جاست» خواهد بود، باز خواهد گشت (حزق ۴۸: ۳۵). بدین ترتیب بیهوه حضور خود را بر تمامی ملل آشکار خواهد ساخت (اش ۴۵: ۱۴ و ۱۵) و همه آنها را در نور خود در اورشلم گردهم خواهد آورد (اش ۶۰). و بالاخره او در روز آخر به عنوان داور و پادشاه تمام جهانیان، بر همگی حاضر و نمایان خواهد شد (ملا ۳: ۱؛ زک ۱۴: ۵ و ۹)

ب) علائم حضور خدا

خدا از طریق علائم مختلف حضور خود را نمایان می سازد. تجلی حضور او در کوه سینا با طوفان و باد و رعد و آتش همراه بود (خروج ۲۰: ۱۸-۲۰) و ترسی مقدس

حضور خدا

خدای کتاب مقدس صرفاً خدایی عظیم، متعال، دست نیافتنی و بلند مرتبه نیست، بلکه خدایی است نزدیک (مز ۱۱۹: ۱۵۱). او وجودی متعال در آن دور دستها نیست که به واسطه کمالات هیچ کاری با عالم پایین نداشته باشد بلکه برعکس واقعیتی است مربوط و مرتبط با جهان هستی. او خدای خالقی است که پیوسته در خلقت خود حاضر است (حک ۱: ۲۵؛ روم ۱: ۲۰): خدای نجات دهنده ای که همواره همراه قوم خود می باشد (خروج ۱۹: ۴-۶)، و بالاخره خدای پدر است که با پسرش (یو ۸: ۲۹) و نیز با تمام کسانی است که به واسطه روح پسر وی حیات یافته اند و در مقام فرزندان، او را دوست می دارند (روم ۸: ۱۴ و ۲۸). او که اول و آخر است، پیوسته در هر زمان حاضر می باشد زیرا که بر زمان احاطه تام دارد (اش ۴۴: ۶، ۴۸: ۱۲؛ مکا ۸: ۱۷، ۲۲: ۱۳). با این حال واقعی بودن حضور خدا به معنای مادی بودن آن نیست. درست است که این حضور گاه در قالب آیات و نشانه هایی محسوس متجلی می شود اما ذات آن کماکان روحانی است: حضوری روحانی که تمامی مخلوقاتش را در محبت خود دارد (حک ۱: ۲۴؛ مز ۱۳۹) و حیات بخش آنهاست (ع ۱۷: ۲۵-۲۸): حضوری که می خواهد محبت خود را بر انسانها نمایان سازد تا آنان بتوانند شاهدان زنده این «حضور» باشند (یو ۱۷: ۲۱).

عهد عتیق

خدایی که انسان را آفرید می خواهد با او باشد و اگر انسان به واسطه گناه خود از حضور او می گریزد، فریاد الهی در پس وقایع تاریخ مدام بر او بانگ می زند که «آدم، کجایی؟» (پید ۳: ۹ و ۸).

الف) وعده حضور خدا

خدا خود را نخست بر معدود برگزیدگان آشکار نمود و آنان را از حضور دائم خود مطمئن ساخت: این برگزیدگان عبارت بودند از پدرانی که خدا با آنان پیمان بست (پید ۱۷: ۷، ۲۶: ۲۴، ۲۸: ۱۵)، و نیز موسی که ماموریت یافت قوم خدا را از بردگی برهاند (خروج ۳: ۱۲). خدا نام خود، و معنای این نام را، بر این قوم آشکار

در دل موسی افکند. نظیر چنین حالانی را در دیگر موارد تجلی حضور خدا نیز شاهدیم (مز ۲۹: ۱۸-۸؛ اش ۶۶: ۱۵؛ اع ۱-۳؛ دوم پطرس ۳: ۱۰؛ مکا ۱۱: ۱۹).
با این حال تجلی حضور خدا را در فضایی کاملاً متفاوت نیز شاهدیم: حضور او در قالب نسیم ملایم باغ عدن (پید ۳: ۸) بر کسانی چون ابراهیم (پید ۱۸: ۲۳-۳۳)، موسی (خروج ۳۳: ۱۱) و ایلیا (اول پاد ۱۹: ۱۱-۱۳) که جملگی دوستان اویند ظاهر می شود. گرچه علائم حضور خدا گاه بطور واضح و ملموس قابل تشخیص اند، خود خدا پیوسته در هاله ای از رمز و راز پوشیده است (مز ۱۰۴: ۲). او را می بینیم که در ستون ابر با آتش قوم خود را در بیابان هدایت می کند (خروج ۱۳: ۲۱) و در میان نشان ساکن است: جلال او در قالب ستون ابر یا آتش است که در خیمه تابوت عهد (خروج ۴۰: ۳۴)، و بعدها در قدس الاقداس (اول پاد ۱۰-۱۲) حاضر می شود.

ج) شرایط لازم برای حضور خدا

شرفیاب شدن به این حضور مقدس و رازگونه شرایطی دارد که بدین قرارند:
۱- **در طلب خدا بودن.** انسان باید به علائمی که از طرف خدا می بیند پاسخ دهد. به همین جهت در مکان هایی چون بئر شمع یا بیت ئیل که زمانی تجلی گاه حضور الهی بوده است (پید ۲۳: ۲۶-۲۵، ۲۸-۱۶: ۱۹) خدا را می پرستند و نیایش می کند. اما خدا به هیچ جا و مکان مشخصی محدود نیست و خانه ای زمینی ندارد. حضور او که تابوت عهد علامت آن است مدام همراه قوم می باشد و آنها را از میان بیابان رهبری می نماید. حضور الهی می خواهد در میان قوم ساکن شود و جایگاه مقدس خود را در میان ایشان برپا کند (خروج ۱۹: ۵؛ دوم سمو ۷: ۵ و ۱۱-۱۶). خدا می خواهد در خاندان داود ساکن شود و با کسانی که از نسل اویند زندگی کند. او اجازه می دهد سلیمان هیکلی برایش بسازد، اما این را نیز یادآور می شود که هیکل قادر نیست او را در خود جای دهد (اول پاد ۸: ۲۷؛ اش ۶۶: ۱). این که می خوانیم او را می توان در هیکل یافت و نام او را به راستی خواند (اول پاد ۸: ۲۹ و ۳۰ و ۴۱-۴۳؛ مز ۱۴۵: ۱۸) بدین معناست که اگر کسی خدا را بطور حقیقی یعنی از جان و دل و با ایمان پرستش نماید خواهد توانست حضور او را در هیکل احساس نماید.

به خاطر همین پرستش واقعی است که در کتاب تشبیه می خوانیم افراد باید سه مرتبه در سال به زیارت اورشلیم روند حق ندارند در جایی جز اورشلیم قربانی بگذرانند (تث ۱۲: ۵، ۱۶: ۱۶). این بدان معنا نیست که هرکس می خواهد خدا را بیابد کافی است به اورشلیم برود، بلکه عبادتی که قوم در آن جا انجام می داد حتماً می بایست با احترام به خدایی که انسان را می بیند، و وفاداری نسبت به او بی که با آدمی سخن می گوید همراه می بود (مز ۱۵: ۲۴)؛ چه در غیر این صورت دل آدمی از خدا دور می بود (ار ۱۲: ۲). این گونه است که وقتی قوم هیکل مقدس را به جایگاه دزدان تبدیل می کنند حضور خدا آن جا را ترک می کند و از نابودی قریب الوقوع آن خبر داده می شود (ار ۷: ۱-۱۵؛ حزق ۱۰-۱۱).

از سوی دیگر خدا نزدیک کسانی است که با او راه می روند (نظیر پاتریارک ها که همواره با خدا راه می رفتند: پید ۵: ۲۲، ۹: ۶، ۱۵: ۴۸)، و همچون ایلیا در حضور او می ایستند (اول پاد ۱۷: ۱)؛ با کسانی است که به او توکل دارند و تحت نظر او زیست می کنند (مز ۱۶: ۸، ۲۳: ۴، ۱۱۹: ۱۶۸)، و آن گاه که در آزمایش قرار می گیرند او را می خوانند (مز ۳۴: ۱۸-۲۰)؛ با کسانی است که نیکویی را می طلبند (عا ۴: ۵ و ۱۴)؛ با دلی فروتن و پشیمان در پی نیکویی اند (اش ۵۷: ۱۵) و به یاری مسکینان می شتابند (اش ۵۸: ۹). اینان آن مومنینی هستند که تا به ابد در حضور خدا زیست خواهند نمود و زوال نخواهند یافت (حک ۳: ۹، ۱۹: ۶).

۲- **عطیه خدا.** اما آیا چنین وفاداری نسبت به خدا در قدرت انسان می باشد؟ انسان در حضور خدای مقدس به گناهکار بودن خود پی می برد (اش ۶: ۱-۵) و از فساد و تباهی ذاتی خویش آگاه می شود - تباهی که تنها خدا قادر است آن را شفا بخشد (ار ۱۷: ۱ و ۱۴). این گونه است که انسان با آه و ناله از خدا می خواهد نزد او آمده قلبی نو به وی ببخشد و روح و شریعت خود را بر آن حک نماید (ار ۳۱: ۳۳؛ حزق ۳۶: ۲۶-۲۸)؛ انبیا پیشاپیش این دگرگونی تازه را اعلام می دارند - دگرگونی و تغییر و تحول درونی که ثمره عهد و پیمان جدیدی است که به موجب آن قوم تقدیس شده خدا، خود مسکن خداوند خواهند بود (حزق ۳۷: ۲۶-۲۸). نویسنندگان کتاب

حکمی کتاب مقدس نیز اعلام می‌دارند که خدا «حکمت» و «روح» قدوس خود را به میان آدمیان خواهد فرستاد تا انسان از این طریق به اراده الهی پی ببرد و با پذیرفتن این «حکمت» - که نهایت شادمانی اش ساکن شدن در میان آدمیان است (امت ۸: ۳۱؛ حک ۹: ۱۷-۱۹؛ ۷: ۲۷ و ۲۸) - دوست خدا گردد.

برای عیسی نیز باد نشانه‌ای از روح القدس می‌باشد (یو ۳: ۸) زیرا باد مثل آب و آتش و روغن قابل لمس نمی‌باشد، از وزش باد نمی‌توان جلوگیری کرد زیرا برای انسان خاکیجهت حرکتش غیرقابل تشخیص و ندیدنی می‌باشد.

* * *

کبوتر

۱- فاخته، قمری، کبوتر و کبوتر صحرائی عمده پرندگانی هستند که در کتاب مقدس تحت عنوان کلی «کبوتر» (در عبری یونا Yonah) ذکر گردیده‌اند. تنها پرندۀ ای که در هیکل قربانی می‌شود همین کبوتر است که قربانی فقر است و بیشتر در مراسم طهارت ذبح می‌گردد (لاو ۱: ۱۴، ۵: ۷ و ۱۱؛ اعد ۶: ۱۰؛ لو ۲: ۲۴؛ لاو ۱۲: ۸) و حضور کبوتر فروشان در هیکل نیز به همین خاطر است (مت ۲۱: ۱۲؛ یو ۲: ۱۴ و ۱۶).

۲- یهودیان از آن جا که با طبیعت کبوتر آشنا بودند به کرات از این پرندۀ در تشبیهات خود استفاده می‌کردند. ناله قوم اسرائیل که در انتظار رسیدن نجات و رهایی است به ناله کبوتر تشبیه می‌شود (اش ۳۸: ۱۴، ۵۹: ۱۱؛ نا ۲: ۸) و آنگاه که سرخورده و نومید می‌شوند می‌خواهند همچون کبوتر پرواز کرده سر به بیابان بگذارند (مز ۷۵: ۷ و ۸). مهاجرت فصلی کبوتران از شناخت و آگاهی غریزی ایشان حکایت دارد - همان شناخت و معرفتی که قوم اسرائیل در رابطه با خدا از آن بی بهره است (ار ۷: ۸). مهاجرت کبوتران گاه سمبول رفتن قوم به تبعید (حزق ۷: ۱۶) و زمانی دیگر مظهر تجمع آنان در مسکنی آرام است (هو ۱۱: ۱۱؛ اش ۶۰: ۸). از طرف دیگر «افرایم مانند کبوتر ساده دل، بی فهم است» (هو ۷: ۱۱) و از خطرات هراسان شده می‌گریزد. با این حال عیسی مسیح هیچ گاه مستقیماً از این گونه استعارات استفاده نمی‌کند بلکه بیشتر آنها را در تقابل با موارد دیگر به کار می‌برد - چنان که به عنوان مثال به شاگردان خود می‌گوید «مانند مار هوشیار و همچون کبوتر ساده و بی آزار باشند» (مت ۱۰: ۱۶).

۲- و بالاخره کبوتر در کتاب مقدس نیز همچون تعبیر شاعرانه به عنوان سمبول عشق به کار می‌رود. معشوق در نظر عاشق «کبوتر من» است (غزل ۲: ۱۴، ۵: ۲...). اسرائیل نیز خود را به این نام می‌خواند: «جان فاخته خود را به جانور وحشی مسپار» (مز ۷۴: ۱۹). به هنگام تعمید عیسی، روح خدا به صورت کبوتر بر او نازل می‌شود (مت ۳: ۱۶). البته تفسیر دقیق این سمبول کار آسانی نیست. بعید است که اشاره به

بازگشت کبوتر به کشتی نوح باشد (پید۸:۸-۱۲). برخی منتقدین با استناد به سنن یهودی کبوتر را سمبول اسرائیل می‌دانند اما آیا درست تر آن نیست که بگوییم کبوتر سمبولی است از نازل شدن محبت الهی بر زمین؟ و بالاخره برخی منتقدین با اشاره به این نکته که بنا به پاره‌ای سنن یهودی روح خدا همچون کبوتر در سطح آب‌ها در حرکت است (پید۱:۲) اظهار می‌دارند که نزول کبوتر بر عیسی احتمالاً نمودی است از خلقت جدیدی که به هنگام تعمید عیسی در شرف شکل‌گیری است.

* * *

شراب

شراب، گندم و روغن در سرزمین مقدس، قوت روزانه قوم است (تث۸:۸، ۱۱:۱۴؛ اول تو۱۲:۴۱). ویژگی شراب این است که «دل آدمی را شاد می‌سازد» (مز۱۰۴:۱۵؛ داو۹:۱۳) و به همین جهت یکی از عناصر ضیافت آسمانی را تشکیل می‌دهد. در ضیافت قربانی مقدس نیز فرد ایماندار از طریق سمبول شراب با منبع شادی که همانا محبت مسیح است پیوند می‌یابد.

الف) شراب در زندگی روزمره

۱- در زندگی بی‌ایمانی. سنت یهوه‌ای آغاز فرهنگ شرابخواری را به نوح نسبت می‌دهد که از مشاهده تاثیر شراب در شگفت شد (پید۹:۲۰ و ۲۱) و بدین ترتیب هم‌زمان هم به فوائد شراب اشاره می‌کند و هم به مضرات آن. شراب چنانچه بع اعتدال مصرف شود نشانه برکت است (پید۱۱:۴۹ و ۱۲:۱۰؛ امث۳:۱۰) و زندگی را دلپذیر می‌سازد (بنسی۳۲:۶، ۴۰:۲۰). منتهی اعتدال و میانه‌روی در مصرف آن پیوسته مورد تاکید بوده و مخصوصاً در نوشته‌های فرزانشان کتاب مقدس به این امر توجه خاصی شده است. بارزترین نمونه آن (دوم مک۱۵:۳۹) این گفته بن سیراخ است که: «شراب-چنانچه به اعتدال نوشیده شود- برای آدمی مایه حیات است» (بنسی۳۱:۲۷). در رسالات شبانی نیز پیوسته به اعتدال و میانه‌روی در مصرف شراب توصیه شده است (اول تیمو۳:۸ و ۳:۳؛ تبط۲:۳؛ اول تیمو۵:۲۳). حتی خود مسیح‌گاه شراب می‌نوشید و برخی حتی به این سبب به ملاقات او می‌رفتند (مت۱۱:۱۹). اما کسی که در نوشیدن آن جانب اعتدال از کف دهد با انواع خطرات مواجه است. انبیا مدام رهبرانی را که در شرابخواری افراط می‌کنند مورد ملامت و سرزنش قرار می‌دهند چراکه این کار آنان باعث می‌شود هم خدا را فراموش کنند و هم مسئولیت‌های واقعی خویش را در قبال امتی استثمار شده از یاد ببرند و سبب تباهی قوم گردند (عا۲:۸؛ هو۷:۵؛ اش۵:۱۱ و ۱۲، ۲۸:۱، ۵۶:۱۲). و اما حکیمان و فرزانشان کتاب مقدس بیشتر به پیامدهای فردی افراط در شرابخواری اشاره می‌کنند: فرد میگسار عاقبت دچار فقر می‌گردد (امث۲۱:۱۷) و به‌خسونت (بنسی۳۱:۳۰ و ۳۱)، فسق و فجور (۲:۱۹)

و دشنام و فحاشی کشیده می شود (امث ۲۲:۳۰-۳۵). پولس نیز بدین نکته اشاره دارد که مستی و میگساری زندگی روحانی فرد مسیحی را مختل کرده موجب تباهی و بی بندوباری او می شود (افس ۵:۱۸).

۲- در زندگی پرستشی. شراب در مراسم قربانی جایگاهی ویژه دارد زیرا آن نیز همچون دیگر محصولات زمین عطیه ای از جانب خداست. در عهدعتیق می خوانیم که بر مذبح شیلهو شراب تقدیم می شود (اول سمو ۱:۲۴) و باید به هنگام گذراندن قربانی، بر مذبح پاشیده شود (هو ۹:۴؛ خروج ۲۹:۴۰؛ اعد ۱۵:۱۰ و ۱۰). همچنین بخشی از هدایای تقدیمی نوبر محصول است که به کاهن اهدا می شود (تث ۱۸:۴؛ اعد ۱۸:۱۲؛ دوم تو ۳:۵). و بالاخره در قربانی عهد و پیمان جدید جایگاهی ویژه دارد و بدین ترتیب جایگزین مراسم کهنه تقدیم نوبر محصول می گردد.

و اما از سوی دیگر برخی مومنین به دلایل مذهبی از نوشیدن شراب اجتناب می ورزند. بر کاهنان است که به هنگام اجرای وظائف خود از نوشیدن شراب بپرهیزند زیرا ممکن است مانع از آن شود که در اجرای وظائف کهنانی مهمی چون تعلیم و قضاوت دقت کافی مبذول دارند (حزق ۴۲:۲۱-۲۳؛ لاو ۹:۱۰ و ۱۰). همچنین پرهیز از شراب می تواند یادآور دورانی باشد که قوم اسرائیل در بیابان سرگردان بود و به شراب دسترسی نداشت و تنها تسلی آن همانا یهوه خدا بود (تث ۲۹:۵). همچنین قبیله رکابیان را می بینیم که مدتها پس از ساکن شدن در سرزمین کنعان، به منظور حفظ سنت های دوران بادیه نشینی خود از نوشیدن شراب پرهیز می کردند (ار ۳۵:۶-۱۱)، و گروه «نذیره ها» را نیز که به نشانه وقف کامل به خدا از نوشیدن مسکرات اجتناب می کردند و بدین ترتیب شرط زهد و تقوی به جا آوردند (عا ۲:۱۲). شمشون نیز پیش از تولد به دستور خداوند به همین ترتیب برای او وقف گردید (داو ۱۳:۴ و ۵) و همین امر را در مورد سموئیل (اول سمو ۱:۱۱) و یحیی تعمید دهنده نیز شاهدیم (لو ۱:۱۵؛ ۳۳:۷). مطابق قوانین کهناتی، شخص می توانست از طریق ایراد سوگندی موقت نیز «نذیره» شود (اعد ۳:۶-۲۰)، کاری که هنوز هم در جوامع یهودی-مسیحی رایج است (اع ۲۳:۲۱ و ۲۴). به مومنین نیز گاه توصیه می شد از نوشیدن شراب بپرهیزند تا مبادا با مظاهر بت پرستی که در آیین یهود پس از تبعید مرسوم شده بود دمساز شوند

(دان ۸:۱؛ یهودیه ۱۰:۵). و اما اجتناب برخی مسیحیان از شراب که ظاهراً به دلایل زاهدانه صورت می گرفت (اول تیمو ۵:۲۳) از نظر پولس حتماً می بایست با آگاهی و محبت توأم باشد (روم ۱۴:۲۱؛ اول قرن ۱۰:۳۱).

ب) جنبه نمادین شراب

۱- شراب از دیدگاه غیرمذهبی سمبول تمام چیزهای دلپذیر زندگی است: دوستی (بنسی ۹:۱۰)، عشق انسانی (غزل ۱:۴، ۴:۱۰) و به طور کلی تمام خوشی های زمینی (جا ۱۰:۱۹؛ زک ۱۰:۷؛ یهودیه ۱۲:۱۳؛ ایوب ۱:۱۸). شراب ممکن است تداعی گر مستی نامبارک قبایل بت پرست (ار ۵:۷؛ مکا ۱۸:۳) و یا برعکس سمبول سعادت باشد که در انتظار دوستداران حکمت است (امث ۹:۲).

۲- جنبه نمادین شراب از دیدگاه مذهبی، در چارچوب وقایع مربوط به ایام آخرمعنا می یابد.

a: در عهدعتیق، خدا اعلام می دارد که به عنوان مجازات قوم سرکش آنان را از شراب محروم خواهد کرد (عا ۵:۱۱؛ میک ۶:۱۵؛ صف ۱:۱۳؛ تث ۲۸:۳۹). تنها شراب قوم همانا شراب غضب الهی خواهد بود که جامی است نابودکننده (اش ۵۱:۱۷؛ مکا ۱۴:۸، ۱۶:۱۹). و اما خوشی و سعادت که خدا به محبان خود وعده می دهد اغلب به صورت وعده و فور شراب متجلی است - چنان که در پیشگویی های تسلی بخش انبیا شاهدیم (عا ۹:۱۴؛ هو ۲۴:۲۴؛ ار ۳۱:۱۲؛ اش ۲۵:۶؛ یول ۲:۱۹؛ زک ۹:۱۷).

b: در عهدجدید، «شراب نو» سمبول دوران مسیح است. عیسی اعلام می دارد که عهد و پیمان جدید که در وجود خود او میان خدا و انسان منعقد شده است همانند شراب تازه ای است که مشک شراب کهنه را پاره می کند (مر ۲:۲۲). همین نکته را در شرح معجزه مسیح در قانا نیز شاهدیم: بر طبق انجیل یوحنا، شراب عروسی - یعنی شراب نیکو که «تاکون» نگاه داشته شده بود - عطیه محبت مسیح و نمودی است از خوشی که با آمدن مسیح کامل می شود (یو ۲:۱۰، ۴:۲۳، ۵:۲۵). اصطلاح «شراب نو» مجدداً در متی ۲۶:۲۹ نیز تکرار می شود و این بار سمبول ضیافت باشکوهی است که عیسی در ملکوت پدر برای ایمانداران به خود مهیا کرده است. این

شراب همانا تحقق دوران مسیح است. با این حال این اشاره به شراب صرفاً جنبه نمادین ندارد زیرا وجود آن را در قالب آیین قربانی مقدس شاهدیم. فرد مسیحی پیش از آن که شراب نور را در ملکوت پدر بنوشد، در دوران حیات زمینی خود شرابی را می نوشد که به خون مسیح که در راه ما ریخته شد تبدیل گردیده است. (اول قرن ۱۰:۱۶).

بنابراین نوشیدن شراب برای فرد مسیحی نه تنها مایه شکرگزاری به درگاه خداست (کول ۳:۱۷؛ ۲:۲۰-۲۲) بلکه فرصتی است که از طریق آن، قربانی را که منشأ نجات و سعادت جاوید است به یادآوریم (اول قرن ۱۱:۲۵ و ۲۶).

* * *

مستی

در کتاب مقدس مکرر به خطرات مستی و میگساری اشاره شده است. میگساری فرد را اسیر شهوات، یا گرفتار دشمنان خویش می سازد. انبیا اغلب میگساری را با مراسم زشت و ناپسند (عا ۸:۲؛ هو ۴:۱۱؛ مکا ۱۷:۲) و یا وضع اسفناک و رو به ابتذال جامعه برابر و مترادف دانسته اند و اما میگساری می تواند جنبه نمادین نیز داشته باشد.

مستی و روح. مستی و میگساری باعث محرومیت فرد از ملکوت خدا می شود (۱-قرن ۵:۱۱، ۶:۱۰؛ روم ۱۳:۱۳؛ غلا ۵:۲۱؛ ۱-پطرس ۴:۳). اما میگساری و مستی اغلب با قلمرو مقدسین محشور است. بطور مثال مسیحیان قرن نهم در حال مستی به ضیافت شام خداوند می رفتند (۱-قرن ۱۱:۲۱). در میان کسانی که در روز پنطیکاست در اورشلیم شاهد نزول روح القدس بودند نیز برخی آنچه را می دیدند به مسکرات و شراب نسبت می دادند (اع ۲:۱۳-۱۵). با این حال آنچه باعث تمسخر آن جماعت حاضر در واقعه پنطیکاست بود در واقع نه مصیبت و فلاکت، بلکه حضور رهایی بخش و آزادکننده روح القدس بود. پولس نیز آنگاه که از مسیحیان می خواهد بجای مستی میگساری، مست روح شوند، به همین ارتباط اشاره دارد (افس ۵:۱۸). انسان از آن رو به باده و می رومی آورد که می خواهد از خویشتن خویش آگاه شود و از قید آنچه او را در بند دارد و مانع آزادی او است رها گردد. در این حالت، یعنی در حالت مستی شور و شعفی می جوید که در کتاب غزل غزلها به شور عشق تشبیه شده است (غزل ۵:۱). مع الوصف تنها روح است که می تواند در واقع او را از چنین شعف و خوشی و معرفتی بهره مند سازد.

* * *

عطایای الهی

کلمه موهبت/عطیه (charism)، معادل انگلیسی (charisma) یونانی است که به معنی «عطیه رایگان» است و هم ریشه با کلمه charis به معنای «فیض» است. در عهد جدید، کلمه همیشه مفهوم تکنیکی ندارد و ممکن است به تمام عطایای خدا دلالت داشته باشد که او بدون تغییر فکر خود آنها را ارزانی می‌دارد (روم ۱۱:۲۹). به خصوص این «عطیه فیض» را از طریق مسیح به ما می‌رسد (روم ۵:۱۵) و به حیات جاودانی منجر می‌شود (روم ۶:۲۳). در واقع خدا در مسیح «ما را با فیض پر کرده» است (افس ۱:۶؛ charitoo) و «هر نوع عطیه را بر ما ارزانی خواهد داشت» (روم ۸:۳۲؛ charizo). اما اولین عطیاییش، خود روح القدس است که درون قلب ما ریخته شده و در آن محبت ایجاد می‌کند (روم ۵:۵؛ ۸:۱۵). کاربرد فنی charisma اساساً از دیدگاه این حضور روح درک می‌شود، که با هر قسم «عطایای رایگان» شناخته می‌شود (۱-قرن ۱۲:۱-۴). استفاده از این عطایا، مسائلی را مطرح می‌سازد که بخصوص در رسالات پولس رسول مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

الف) تجربه عطایای روح

در عهد عتیق حضور روح خدا، خود را در اشخاص الهام یافته از عطایای شگفت‌انگیزی نشان می‌دهد که دامنه آنها از بصیرت نبوتی (۱-پاد ۲۲:۲۸) گرفته تا جذب و از خود بی خود شدن (حزق ۳:۱۲) و نقل مکانهای اسرارآمیز (۱-پاد ۱۸:۱۲) را در برمی‌گیرد. به شیوه‌ای کلی، اشعیا عطایای وعده داده شده به مسیح را نیز به روح نسبت می‌دهد (اش ۱۱:۲) و حزقیال تبدیل قلب انسانها (حزق ۳۶:۲۶) درحالیکه یوئیل از جهانی بودن ریزش آن بر آدمیان خبر می‌دهد (یوئیل ۱:۳). این وعده‌های مربوط به آخرت را باید در ذهن خود نگاهداشت تا تجربه عطایای روح را در کلیسای اولیه درک نماییم، زیرا کلیسا تکمیل این وعده هاست.

۱. در اعمال رسولان، روح القدس خود را از همان روز پنتیکاست نشان می‌دهد که در آن روز بر طبق کتب مقدس (اع ۲:۱۵-۲۱) رسولان به زبانهای مختلف کارهای عجیب خدا را اعلام می‌دارند (اع ۴:۲، ۸، ۱۱). این یک نشانه است که مسیح به

دست راست خدا بالا رفته و از پدر آن روح موعود را دریافت داشته و بر نوع بشر نازل نموده است (اع ۲:۳۳). پس از آن حضور روح خود را به طرق مختلف نشان می‌دهد: با تکرار نشانه‌های پنتیکاست (اع ۴:۳۱؛ ۱۰:۴۴) بخصوص بعد از تعمید و دستگذاری (اع ۸:۱۷؛ ۱۹:۶)؛ با عمل انبیا (اع ۱۱:۲۷؛ ۱۵:۳۲؛ ۲۱:۱۰) معلمین (اع ۱۳:۱)، واعظین انجیل (اع ۸:۶)؛ با معجزات (اع ۵:۸؛ ۸:۵) و رویاها (اع ۷:۵۵). این عطایای ویژه در وهله اول بر رسولان عطا می‌شوند اما اطرافیان آنان را نیز دربر می‌گیرند، گاهی در ارتباط با اجرای برخی اعمال رسمی (استیفان، فیلیپس، برنابا) و همیشه در جهت خیریت جماعتی قرار می‌گیرند که تحت تاثیر روح القدس رشد می‌کند.

۲. در کلیساهای پولس، همان عطایای روح، بخشی از تجربه معمول و رایج را شکل می‌دهند. موعظه رسولان بوسیله روح و کارهای قدرت همراهی می‌شوند (۱-تسا ۵:۱؛ ۱-قرن ۲:۴)؛ خود او به زبانها سخن می‌گوید (۱-قرن ۱۴:۱۸) و رویاهایی را می‌بیند (۲-قرن ۱۲:۱-۴). این جماعتها می‌دانند که روح القدس همراه با عجایی به آنها داده شده که در میان ایشان به انجام می‌رساند (غلا ۳:۲-۵) و با عطایای مختلفی که روح به ایشان ارزانی می‌دارد (۱-قرن ۷:۷). پولس از ابتدای عمل رسالتی خود، احترام زیادی برای این عطایای روح قائل بود؛ توجه او فقط معطوف به این بود که عطایای واقعی را تشخیص دهد. «روح را اظفا مکنید، نبوتها را خوار م شمارید؛ همه چیز را تحقیق کنید، و به آنچه نیکوست متمسک باشد و از هر نوع بدی احتراز نمایید» (۱-تسا ۵:۱۹-۲۲). این نصیحت بیشتر توسعه خواهد یافت آنگاه که پولس به مسئله شبانی می‌پردازد، مسئله‌ای که عطایای الهی مطرح می‌سازند.

ب) عطایای الهی در کلیسا

مسئله در جماعت قرن‌تس با اهمیت ندادن به «صحبت به زبانها» روی می‌دهد (۱-قرن ۱۲-۱۴). اشتیاق مذهبی که خود را در سخنرانی‌ها «به زبانهای مختلف» نشان می‌دهد (اع ۴:۲) با ابهام همراه است. مستی ناشی از روح، خطر اشتباه بینندگان را در پی دارد که تصور کردند از شراب مست هستند (اع ۲:۱۳) یا اینکه کاملاً دیوانه شده‌اند (۱-قرن ۱۴:۲۳). به خاطر تشابه ظاهری آن با نقل و انتقال اشتیاق به عمل آمده از سوی مشرکین در برخی آیین‌ها و فرقه‌های Orgiastic، همچنین

خطر انحراف برخی از ایمانداران که تفاوت اثر روح الهی را از موارد جعلی و ساختگی تشخیص نمی‌دهند به سوی عدم مسئولیت‌پذیری وجود دارد (۱-قرن ۱۲-۱). اما پولس در رفع این موضوع عملی، بحث را به جای باریک‌کشانده و آموزه‌ای ارائه می‌دهد که بسیار جامع است.

۱. وحدت و کثرت عطایای الهی. عطایای روح به اندازه مأموریتها در کلیسا و اعمال مردم متنوع است. وحدت عمیق میان آنان در این حقیقت نهفته است که از یک روح سرچشمه می‌گیرند همانطور که مأموریتها را یک خداوند صادر می‌کند و شکل کارها را یک خدا تعیین می‌کند (۱-قرن ۱۲: ۴). مردم در حالیکه هرکس در پی موهبت آسمانی خود روان است، مجریان فیض الهی هستند که واحد و در عین حال کثیر است (۱-پطرس ۴: ۱۰). مقایسه با بدن انسان به ما کمک می‌کند به سهولت دریابیم چگونه تمام عطایای الهی یک هدف را دنبال می‌کنند، آنها با توجه خیریت عامه اعطا می‌شوند (۱-قرن ۱۲: ۷)؛ آنها با هم جمع می‌شوند، برای منفعت کلیسا که بدن مسیح است، به همان طریق که تمام اعضا برای خیریت بدن انسان همکاری می‌کنند، هرکدام با اجرای نقش خود (۱-قرن ۱۲: ۱۲-۲۷). توزیع عطایا برعهده روح است (۱-قرن ۱۲: ۱۱) و در عین حال، عمل مسیح است که فیض الهی را در صورت مناسب بودن اعطا می‌کند (افس ۴: ۷-۱۰). اما در استفاده از این عطایا، هرکس باید در وهله اول به فکر خیریت عامه باشد.

۲. طبقه بندی عطایای الهی. به پولس ارتباطی نداشت که یک طبقه بندی منطقی از موهبت‌های الهی را به ما ارائه دهد، گرچه او چندین بار آنها را برمی‌شمارد (۱-قرن ۱۲: ۲۸، ۸: ۱۲؛ روم ۱۲: ۶؛ افس ۴: ۱۱؛ ۱-پطرس ۴: ۱۱). اما می‌توانیم محیط‌های مختلف اجرایی که در آنها عطایای روح جای می‌گیرند را تشخیص دهیم. در نمونه اول، برخی عطایا به عملکردهای خدمت روحانی مربوط می‌شوند (افس ۴: ۱۲)؛ آنها که به رسولان، انبیا، معلمین، واعظین و شبانان مربوط می‌شوند (۱-قرن ۱۲: ۲۸؛ افس ۴: ۱۱). دیگر عطایا به فعالیت‌های مختلفی مربوط می‌شوند که برای جماعت مفید می‌باشند: خدمت، تعلیم، نصیحت، رحمت کردن (روم ۱۲: ۷)، سخنان حکمت یا معرفت، ایمان بارز، عطیه شفا یا انجام معجزات، صحبت به زبانها و تشخیص روحها (۱-قرن ۱۲: ۸)...

روشن است که این اعمال مربوط به موهبت‌های الهی که حضور فعال روح القدس را آشکار می‌سازند اعمال خاص کلیسایی را تشکیل نمی‌دهند؛ و می‌توان آنها را در افرادی که عملکردهای دیگری دارند مشاهده نمود. از این رو پولس که یک رسول است، به زبانها سخن گفته و معجزاتی را به عمل می‌آورد. اغلب نبوت را به عنوان عملی که برای همه آزاد است ذکر می‌کنند (۱-قرن ۱۴: ۲۹، ۳۹) در مواقع دیگر به عنوان یک عمل خاص معرفی می‌شود (۱-قرن ۱۲: ۲۸؛ افس ۴: ۱۱). وظایف مشخص مسیحیان نیز بر عطایای الهی بنا نهاده می‌شوند، از یک نفر دعوت می‌شود تا مجرد بماند، و به یک نفر عطیه ای دیگر داده می‌شود (۱-قرن ۱۲: ۳۱، ۱۴: ۱). همانطور که مشخص است، عطایای الهی یک سری چیزهای استثنایی نیستند گرچه برخی از آنها همچون انجام معجزات، خارج از رویه طبیعی هستند. کل زندگی مسیحیان و کل عملکرد نهادهای کلیسا، کاملاً به آنها بستگی دارد. از طریق آنهاست که روح خدا، قوم جدید را اداره می‌کند و بر آن به فراوانی نازل می‌شود. به برخی قدرت و فیض عطا می‌کند تا وظایف خود را به انجام رسانند و به دیگران قدرت و فیض می‌بخشد تا به نقش الهی خود پاسخ دهند و برای جماعت مفید باشند تا بدن مسیح بنا شود (افس ۴: ۱۲).

۳. قوانینی برای بکارگیری آنها. اگر قرار باشد کسی «روح را اطفا» ننماید، باید اصالت عطایای الهی را مورد آزمایش قرار دهد (۱-تسا ۵: ۱۹) و «روحها را بیازماید» (۱-یو ۴: ۱). این شناختن که خود ثمره ای از فیض است (۱-قرن ۱۴: ۱۰) امری ضروری است. پولس و یوحنا یک اصل اساسی بر این مبنا پایه گذاری کردند که معیار مطلق را ایجاد می‌کند: عطایای واقعی روح را به فوراً می‌توان شناخت- هر که به عیسی اقرار نماید که خداوند است (۱-قرن ۱۲: ۳) که عیسی مسیح در جسم آمده و از خداست (۱-یو ۴: ۱). این قانون اجازه می‌دهد هر نبی کاذب را شناخته و اخراج نمایند که روح ضد مسیح در او باشد (۱-یو ۴: ۳؛ ۱-قرن ۱۲: ۳)، بعلاوه، استفاده از عطایای الهی باید در رتبه بعد از خیریت عامه باشد؛ و باید سلسله مراتب روحانی را حرمت دارد وظایف و اعمال کلیسایی بنا بر اهمیتشان، طبقه بندی می‌شوند که در رأس آنها رسولان قرار دارند (۱-قرن ۱۲: ۲۸؛ افس ۴: ۱۱). فعالیت‌هایی که تمام ایمانداران آرزوی آنها را دارند باید مورد قدردانی قرار گیرند نه برحسب خصلت ظاهرشان بلکه برطبق کاربرد موثرشان. همه باید اول در پی محبت باشند و سپس

عطایای روحانی دیگر را بطلبند. از آن جمله، نبوت رتبه اول را دارد (۱-قرن ۱۴:۱). پولس بطور قابل ملاحظه‌ای در نشان دادن برتری آن نسبت به صحبت به زبان‌ها درنگ می‌کند؛ زیرا مادامی که اشتیاق مذهبی، خود را به چنین شیوه غیرقابل درکی آشکار نماید، جامعه بواسطه آن تهذیب نمی‌شود و تهذیب همگان به عنوان امری واجب باقی می‌ماند (۱-قرن ۱۴:۲-۲۵:۱-۱-پطرس ۴:۱۰). حتی عطایای واقعی باید تابع برخی قوانین عملی باشند تا نظام درستی بر جوامع مذهبی حاکم باشد (۱-قرن ۱۴:۳۳). پولس به جماعت قرن‌تس دستورالعملهایی ارائه می‌دهد که باید دقیقاً رعایت شوند (۱-قرن ۱۴:۲۶-۳۸).

۴. عطایای الهی و اقتدار کلیسا. این تجاوز رسولان به حیطه فعالیت روح القدس است نشان می‌دهد که در تمام موارد عطایای الهی تابع اقتدار کلیسا باقی می‌مانند (۱-یو ۴:۶). تا هنگامیکه رسولان زنده هستند، قدرتشان در این زمینه از این حقیقت ناشی می‌شود که عمل رسالتی، نخستین عطیه است. بعد از آنها نمایندگانشان نیز در همان اقتدار سهیم می‌شوند همانطور که تعالیم جمع‌آوری شده از رسالات نشان می‌دهند (۱-تیمو ۱:۱۸، ۴:۱۶). زیرا خود این نمایندگان عطیه ویژه‌ای را از روح القدس بواسطه دست‌گذاری دریافت داشته‌اند (۱-تیمو ۴:۱۴، ۲-تیمو ۱:۶). اگر نتوانند همان عطیه رسولان را به دست آورند، با این حال عطیه اداره کردن را دارند که به آنان حق مقرر نمودن امری و حق تعلیم را می‌دهد (۱-تیمو ۴:۱۱) و هیچکس نباید به چشم تحقیر به آن نگاه کند (۱-تیمو ۴:۱۲). همه چیز در کلیسا تابع سلسله مراتب حکومتی است که خود از مراتب عطایای الهی است.

* * *

زبان

انسان از زبان برای برقراری ارتباط با دیگران یا بیان مکنونات قلبی خود به خدا استفاده می‌کند. محروم شدن از نعمت زبان می‌تواند مجازاتی از طرف خدا باشد. (لو ۱: ۲۰؛ مز ۱۳۷: ۶). کار مسیح این است که افراد لال را شفا داده قدرت تکلم را به آنها بازگرداند (اش ۳۵: ۶؛ مر ۷: ۳۳-۳۷) تا بتوانند خدا را حمد گویند (لو ۱: ۶۴).

تنوع زبانها. ملل مختلف دنیا، «از هر زبانی» هستند. این امر در کتاب مقدس نمودی است از تنوع و گوناگونی فرهنگ‌ها. اما این تنوع فرهنگ‌ها صرفاً نمایانگر غنای فکری نوع بشر نیست بلکه در کنار آن، مایه اغتشاش و هرج و مرج در میان آدمیان، و جلوه‌ای از راز گناه نیز هست. ماجرای برج بابل (پیدایش ۱۱) در این میان بیانگر واقعیت مذهبی مهمی است: غرور، خودسری و گستاخی انسانها که آنان را وامی‌دارد بدون خدا شهری بنا کنند، منجر به اغتشاش زبان‌ها می‌گردد. تنها با واقعه پنتیکاست است که این شکاف و چنددستگی میان ابنای بشر پایان می‌یابد (اع ۲: ۱-۱۳). روح القدس به صورت زبانه‌های آتش بر رسولان قرار می‌گیرد تا بدین ترتیب تمام ملل جهان، از هر زبانی که هستند انجیل را بفهمند. چرا که با نزول روح القدس، زبان «روح» که همانا محبت است تمام ابنای بشر را با یکدیگر مصالحه می‌دهد. این عطای زبانها در بین رسولان، همزمان هم دعای غیورانه حمد خداست (اع ۲: ۴، ۱۰: ۴۶) و هم نوعی نبوت است که کارهای عجیب خدا را به مردم اعلام می‌کند (اع ۲: ۶ و ۱۱، ۱۹: ۶) پولس بمنظور روشن ساختن واقعیت تکلم به زبانها و نحوه صحیح استفاده از این عطیه، در عین حال که دعای غیورانه به روح را می‌ستاید بر نبوت به زبان‌ها تأکید بیشتری می‌کند زیرا از دعای در روح مفیدتر است (۱-قرن ۱۴: ۵). تجلیات مختلف واقعه پنتیکاست خود گواه آن است که کلیسای مسیح از همان بدو شکل‌گیری پدیده‌ای فراگیر و جهان‌شمول بوده است و روی سخن آن با تمام ابنای بشر از هر زبان و ملت می‌باشد و هدف آن همانا متحدساختن انسانهاست تا همگی یکصدا کارهای عجیب خدا را تسبیح بخوانند (اش ۶۶: ۱۸؛ مکا: ۵: ۹، ۷: ۹...) این گونه است که «هر زبانی اقرار می‌کند به اینکه عیسی خداوند است. برای جلال خدای پدر» (فی ۲: ۱۱).

* * *

مدافع

واژه مدافع (پاراکتوس *parakletos* به زبان یونانی) از اصطلاحات ادبی مختص یوحنا می باشد و بیشتر بیان دارنده یک وظیفه است تا ذات کسی، شخصی که «خوانده شده تا در کنار شخص باشد» (پارا- کالو^۳ *para-kaleo* اد- ووکاتوس *ad-vocatus*) نقش فعال مددکار، شفیع و حامی (حالت تسلی دهنده، که برداشتی از یک ریشه یابی نادرست است، در عهدجدید مورد تأیید نمی باشد) را ایفا می کند. این وظیفه همچنین توسط عیسی مسیح اعمال می شود که در آسمان «نزد پدر شفیع ماست» و برای گناهکاران وساطت می کند (۱- یو ۲:۱). این وظیفه به وسیله روح القدس نیز انجام می پذیرد که حضور عیسی را بر زمین امکان پذیر می سازد، چه برای ایمانداران مکشوف سازنده و دفاع کننده عیسی است (یو ۱۴:۱۶-۱۷ و ۲۶-۲۷، ۲۷-۲۶:۱۵، ۱۶:۷-۱۱ و ۱۳-۱۵).

در اینجا جهت درک بهتر نقش روح القدس به عنوان وکیل مدافع، به بحثی با عنوان «محاكمه» می پردازیم. به این طریق اهمیت محاکمه ای که دنیا علیه عیسی و کلیسا برپا می دارد روشن خواهد شد. در پایان این بحث، به موضوع اصلی بازخواهیم گشت.

۱- روح القدس، حضور عیسی. آمدن مدافع (پاراکلیت) با رفتن عیسی (یو ۱۶:۷) بستگی تام دارد، و مرحله ای جدید در تاریخ حضور خدا در میان انسانها به جا می گذارد. عیسی در سخنرانی بعد از شام آخر، اعلام می دارد که باز خواهد آمد، البته نه فقط در انتهای زمان (یو ۱۴:۳)، بلکه همچنین در زمان ظاهر شدن های پس از رستاخیز (یو ۱۴:۱۸-۲۰، ۱۶:۱۶-۱۹). دیدن آن که برخاسته است، شاگردان را از شادی مملو خواهد ساخت (یو ۱۶:۲۲). با این حال حضور وی در میان پیروانش دیگر قابل لمس نخواهد بود، بلکه تنها جنبه ای «روحانی» خواهد داشت. تا آن زمان او در «میان» پیروانش

«ساکن» بود (یو ۱۴:۲۵)، حال آن که اکنون پدر با دعای عیسی و به اسم او (یو ۱۴:۲۶) ایشان را «مدافعی دیگر» (یو ۱۴:۱۶) خواهد بخشید، که فرستنده اش خود عیسی خواهد بود (یو ۱۵:۲۶، ۱۶:۷). روح با آنکه از عیسی «متمایز» است، با این حال حضور وی را به کمال می رساند. او همچون عیسی، «در» آنهاست (یو ۱۴:۱۷، ۱۷:۲۳)، و مانند او، «با» ایمانداران ساکن می باشد (یو ۱۷:۲۵)، لیکن این امری است «همیشگی» (یو ۱۴:۱۶، مت ۲۸:۲۰)، زیرا مکانهایی را که عیسی رفته است تا در مسکن پدر آماده سازد از پیش تحقق می بخشد (یو ۱۴:۲-۳). اوست روح راستی (یو ۱۴:۱۷، ۱۶:۳)، راستی ای که همان عیسی (یو ۱۴:۶) در مقابل پدر دروغها (یو ۸:۴۴) می باشد، راستی ای که از این پس مشخص کننده تمجید پدر است (یو ۲۳-۲۴). اوست آن روح قدوس (یو ۱۴:۲۶) که عیسیای قدوس (یو ۶:۶۹) به وسیله تقدیس خویش (یو ۱۷:۱۹)، شایستگی بخشیدن وی را به شاگردان خود (یو ۲۰:۲۲، ۳۹:۷) پیدا کرده است. او آنان را «تقدیس می نماید» (یو ۱۷:۱۷)، تا دیگر به جهان متعلق نباشند (یو ۱۷:۱۶). همچنان که عیسی خود را به جهان که از او نفرت دارد (یو ۷:۷، ۱۵:۱۸-۱۹) آشکار نمی سازد (یو ۱۴:۲۱-۲۲)، روح نیز مورد استقبال جهان قرار نمی گیرد (یو ۱۴:۱۷).

۲- روح راستی، «حافظه» زنده کلیسا. مدافع (پاراکلیت) در جامعه شاگردان دارای حضوری فعال می باشد. او باید عیسی را قبل از هر چیز، در عملی ساختن تعلیم وی جلال دهد (یو ۱۴:۱۶) «او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد، و آنچه به شما گفتم به یادتان خواهد آورد» (یو ۱۴:۲۶). این تعلیم و یادآوری («حافظه») در پیوندی نزدیک با عیسی انجام گرفته است، درست همان طور که عیسی رسالت خویش را همیشه در اتحاد با پدرش انجام می داد. همان گونه که عیسی بخشنده عطایای پدر می باشد (یو ۱۶:۱۵،

روح نیز «از آنچه آن من است می گیرد و به شما خبر خواهد داد» (یو ۱۶: ۱۴-۱۵). او آنچه را که عیسی گفته است به یاد ما خواهد آورد، زیرا «از خود تکلم نمی کند، بلکه به آنچه که شنیده است سخن خواهد گفت». به این طریق عیسی همه چیز را از پدر خود گرفت (یو ۵: ۳۰، ۸: ۴۰، ۱۵: ۱۵) و تعلیمش «از آن خودش» نبود (یو ۸: ۲۸، ۱۲: ۴۹-۵۰، ۱۴: ۱۰). همان طور که شخص با دیدن عیسی، پدر را دید (یو ۹: ۹)، آن مسیح (کریسما) نیز درباره همه چیز تعلیم می دهد (۱-۲: ۲۷)، یعنی اینکه روح «به کل راستی هدایت می کند» (یو ۱۶: ۱۳): او اتفاقات گذشته را در نور رستاخیز «از نو معرفی می کند» (یو ۲۲: ۷، ۳۹: ۱۱، ۵۱: ۵۲، ۱۲: ۱۶، ۱۳: ۷). او بدین وسیله به مسیح شهادت می دهد (یو ۱۵: ۲۶) و شاگردان را قادر به شهادت دادن با وی و در وی می نماید (یو ۱۵: ۲۷).

۳- روح راستی، دفاع کننده عیسی. مدافع (پاراکلیت) نه تنها آن راستی را مکشوف می سازد که در مقابل خطا قرار دارد، بلکه راستی را به ضد دروغ جهان تشبیه می نماید. او «روح راستی» است و در محاکمه ای که جهان بر ضد عیسی در قلب شاگردان وی ایجاد می کند، به مسیح شهادت می دهد. روح در سنت اناجیل نظیر از شاگردانی که در مقابل محاکم پادشاهان قرار می گرفتند دفاع می کرد (مر ۱۳: ۱۱)، حال آن که در یوحنا وی از عیسی دفاع می نماید. شاگردان با این که متهم شده اند، قاضی کسانی می شوند که به قضاوت آنان نشسته اند، همان طور که عیسی در زندگی زمینی خویش چنین بود (یو ۵: ۱۹-۴۷). مدافع (پاراکلیت) جهان را در سه مورد محکوم می سازد (یو ۸: ۱۱-۱۶): گناه، زیرا گناه عبارت است از ناباوری نسبت به عیسی؛ عدالت، زیرا عدالت متعلق به عیسی می باشد که در خدمت خود به پدرش جلال یافته است؛ داوری، زیرا فتوای محکومیت بر علیه رئیس این جهان اعلام شده است. در نتیجه ایماندار به خاطر وجود این مدافعی که وی دریافتش

می دارد و به او گوش فرا می دهد، دارای یک اطمینان قلبی می شود، یعنی اینکه حق با عیسی است و نه با جهان. بنابراین بجاست که ایماندار نیز نه تنها به استاد خود ایمان داشته باشد، بلکه به خاطر وی رنج بیند. او از هم اکنون با مسیح فاتح جهان و شریک است (یو ۱۶: ۳۳).

* * *

خدا «روح است» (یو ۴: ۲۴) و همچنین خداوند روح است (۲. قرن ۳: ۱۷).
تعلیم کلیسای کاتولیک

قسمت اول

«من ایمان دارم به روح القدس»

۶۸۳ «احدی جز به روح القدس عیسی را خداوند نمی تواند گفت»^۱. «خدا روح پسر خود را در دل های ما فرستاد، که ندا می کند، یا ابا ای پدر!»^۲ این شناخت توسط ایمان تنها به روح القدس ممکن است: برای ارتباط داشتن با مسیح، ابتدا باید از روح القدس لمس شده باشیم. او برای دیدار ما می آید و ایمان را در ما برمی انگیزد. و فضیلت تعمیدمان، یعنی اولین راز ایمان، آن زندگی که از پدر سرچشمه می گیرد و توسط پسر به ما عطا می شود به صورت صمیمی و شخصی در کلیسا توسط روح القدس به ما منتقل می گردد.

تعمید، فیض تولد تازه را در خدای پدر، از طریق پسر او و در روح القدس به ما عطا می کند. زیرا آنانی که روح خدا را دارند به سوی سخن یعنی پسر، هدایت می شوند و پسر ایشان را به پدر معرفی می نماید و پدر نیز زندگی ابدی را بر ایشان ارزانی می دارد. بنابراین دیدن پسر خدا بدون روح القدس ممکن نیست و هیچ کس نمی تواند بدون پسر به پدر نزدیک شود، زیرا معرفت پدر، پسر است و شناخت پسر خدا، از طریق روح القدس بدست می آید^۳.

۶۸۴ روح القدس از طریق فیض خود، اولین در بیداری ایمان و اولین در انتقال حیات تازه به ما که همانا شناخت «خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستاد» می باشد^۴. اما روح القدس آخرین اقنوم تثلیث اقدس می باشد که به ما آشکار می گردد. قدیس گریگور الهی دان اهل نازیانزس، این پیشرفت را با توجه به آموزش «تمکین» الهی چنین شرح می دهد:

عهد عتیق، پدر را بطور روشنی اعلام می نمود، اما پسر را بطور مبهم تری. عهد جدید، پسر را آشکار نمود و نگاهی اجمالی از الوهیت روح القدس را به ما

نشان داد. اینک روح القدس در میان ما ساکن است و دیدگاهی روشن تر از خود به ما نشان می دهد مصلحت نبود زمانی که الوهیت پدر هنوز آشکار نشده آشکارا پسر اعلام شود و زمانیکه الوهیت پسر هنوز پذیرفته نشده بود اگر بتوان بطور جسورانه گفت که روح القدس را بعنوان باری اضافی تحمیل نمود با پیشروی و گذر «از جلال تا جلال»، نور تثلیث اقدس در حد اعلائی روشنائی خود خواهد درخشید^۵.

۶۸۵ ایمان داشتن به روح القدس یعنی اقرار به اینکه روح القدس یکی از اقنوم تثلیث اقدس می باشد، و هم سرشت با پدر و پسر است: «و همان پرستش و ستایش که پدر و پسر دارند از آن وی است»^۶. به این دلیل، راز الهی روح القدس، قبلاً در بخش «الهیات» (Theologia) تثلیثی بحث شد. اما در اینجا باید با روح القدس تنها در «نقشه» (economia) الهی سر و کار داشته باشیم.

۶۸۶ روح القدس، با پدر و پسر از ابتدا تا به اتمام رساندن نقشه نجات ما همکاری می کند. اما در این «زمانهای آخر» که با تن یافت نجات بخش پسر آغاز شد، روح القدس مکشوف و عطا شده، و همچنین به عنوان یک اقنوم اقدس شناخته، مورد پذیرش قرار می گیرد. آن وقت این نقشه الهی، که در مسیح به عنوان نخست زاده و سرخلقت تازه به کمال رسیده توسط روح القدس در بشریت می تواند تحقق یابد: این نقشه الهی که شامل کلیسا، شراکت مقدسین، بخشایش گناهان، رستاخیز جسم و حیات جاودانی است.

«ما به روح القدس ایمان داریم»

۶۸۷ «هیچ کس افکار خدا را درک نمی کند بجز روح خدا»^۷. اکنون روح خدا که خدا را آشکار می سازد، مسیح یعنی کلام و سخن زنده او را به ما می شناساند، اما روح درباره خودش سخن نمی گوید. روح القدسی که «از طریق انبیا سخن گفته است»، کلام پدر را به ما می شنواند، اما ما خود روح

۵- قدیس گریگوری اهل نازیانزس، Oratio theol./5,26: Pg 36/161-163

۷- اول قرن ۲: ۱۱

۶- اعتقاد نامه نیقیه، Par. 465

۱- اول قرن ۱۲: ۳-۲-غلا ۴: ۶-۳-قدیس ایرنیوس، Dem.ap./7: Sch 6/41-42

۴- یو ۱۷: ۳

را نمی‌شنویم. ما او را تنها در اقدام وی می‌شناسیم که بواسطه آن، سخن را بر ما آشکار می‌سازد و ما را مستعد می‌کند که در ایمان سخن را بپذیریم روح راستی که مسیح را بر ما «مکشوف می‌سازد»، «از خود سخن نمی‌گوید»^۸. چنین فروتنی که مختص خداست توضیح می‌دهد که چرا «جهان نمی‌تواند او [روح راستی] را قبول کند، زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد»، در حالیکه ایمانداران مسیح، روح را می‌شناسند، زیرا در آنان ساکن است^۹.

۶۸۸ کلیسا، به عنوان مشارکت زنده در ایمان رسولی که آن را منتقل می‌سازد مکانی است که در آنجا روح القدس را می‌شناسیم:

- در کتب مقدس که او الهام کرده؛
- در سنتی که پدران کلیسا همیشه و به موقع شاهدان آن می‌باشند؛
- در تعالیم رسمی کلیسا، جایی که او یاری می‌کند؛
- در مقامات رسمی کلیسا جایی که او کمک می‌کند؛
- در عبارات و سمبل‌های آیین عبادی و رازهای مقدس، که در آنها روح القدس ما را در مشارکت با مسیح قرار می‌دهد؛
- در نیایش، جایی که او شفاعت ما را می‌کند؛
- در عطایای روحانی و خدمات رسمی که کلیسا توسط آنها بنا می‌گردد؛
- در نشانه‌هایی که زندگی رسولی و رسالتی است؛
- در شهادت قدیسین که از طریق آن روح القدس، قدوسیت خود را جلوه‌گر می‌سازد و نقشه نجات را تداوم می‌بخشد.

الف) مأموریت مشترک پسر و روح القدس

۶۸۹ کسی را که پدر در دل‌های ما فرستاده است، یعنی روح پسر، واقعاً خداست^{۱۰}. هم سرشت با پدر و پسر است، تفکیک ناپذیر از ایشان هم در حیات درونی راز تثلیث اقدس و هم در عطیه محبتش به جهان. ولی با پرستش تثلیث اقدس، حیات بخش، هم سرشت و تفکیک ناپذیر، ایمان کلیسا در مورد تمایز اقانیم نیز اعتراف می‌کند. وقتی پدر سخن خود را می‌فرستد، همیشه دم خود را نیز

۸- یو ۱۶:۱۳ ۹- یو ۱۴:۱۷ ۱۰- غلا ۴:۶

می‌فرستد. پسر و روح القدس در مأموریت مشترک خویش، متمایز اما جدائی ناپذیرند، بطور قطع مسیح کسی است که دیده می‌شود، یعنی صورت دیدنی خدای نادیدنی، اما این روح است که او را آشکار می‌سازد.

۶۹۰ عیسی، مسیح است، یعنی «مسح شده»، زیرا روح القدس مسح کننده اوست و هر چه که از زمان تن یافت به بعد روی می‌دهد، از این پری ناشی می‌شود^{۱۱}. بالاخره وقتی مسیح جلال می‌یابد^{۱۲}، او نیز به نوبه خود می‌تواند روح القدس را از نزد پدر، برای کسانی که به او ایمان دارند بفرستد: او جلال خویش را به ایشان منتقل می‌سازد^{۱۳}. یعنی روح القدس که او را جلال می‌دهد^{۱۴}. از آن به بعد، این مأموریت مشترک، در فرزندان که پدر در جسم پسر خود، تقبل کرده گسترش می‌یابد: مأموریت روح فرزندخواندگی، متحد ساختن ایشان با مسیح است و قادر ساختن آنان برای زیستن در او.

موضوع مسح شدن، چنین متصور می‌گردد... که هیچ فاصله‌ای بین پسر و روح القدس وجود ندارد. در حقیقت، همچنان که بین پوست بدن و مسح شده با روغن، نه منطق و نه احساس قادر به درک هیچ واسطه‌ای نیست، همین‌طور نیز تماس پسر با روح القدس مستقیم است، بنا براین هرکه بخواهد بوسیله ایمان با پسر ارتباط پیدا کند، اول باید روح القدس را ملاقات کند همانند تماسی با روغن که در بدن فرو می‌رود. در حقیقت هیچ بخشی از ما وجود ندارد که بوسیله روح القدس پوشیده نشده باشد. به این دلیل است که اقرار خداوندی پسر برای آنانی که او را دریافت می‌نمایند در روح القدس انجام می‌گیرد، روح از هر طرف به سوی کسانی می‌آید که در ایمان به پسر نزدیک می‌شوند^{۱۵}.

ب) نام، عناوین و نمادهای روح القدس

اسم خاص روح القدس

۶۹۱ «روح القدس»، نام خاص اوست که ما او را با پدر و پسر پرستش نموده و

۱۱- یو ۳:۲۴ ۱۲- یو ۷:۳۹ ۱۳- یو ۱۷:۲۲ ۱۴- یو ۱۶:۱۴

۱۵- قدیس گریگوری اهل نسا: Nysa: PG 45: De Spiritu Sancto/16

جلال می خوانیم. کلیسا این نام را از خداوند دریافت نموده و به آن در تعمیم فرزندان جدید خود اقرار می نماید^{۱۶}. اصطلاح «روح»، برگردان عبری کلمه ruah می باشد که در معنای اولیه آن، دم، هوا و باد است. در حقیقت عیسی از احساس وزیدن باد بعنوان تشبیه استفاده می کند تا نیکوودیوموس تازگی برتر آن شخص که خود دم یا روح خداست را درک کند^{۱۷}. از سوی دیگر، «روح» و «تقدس»، خصیصه‌های الهی مشترک بین سه اقانیم الهی هستند. اما با ترکیب این دو اصطلاح؛ در واقع کتاب مقدس و آئین‌های نیایش و زبان الهیات، اقنوم غیر قابل بیان روح القدس را مشخص ساخته ابراز می کند، بدون هیچ ابهام با کاربردهای اصطلاحات «روح» و «تقدس».

عناوین روح القدس

۶۹۲ وقتی عیسی آمدن روح القدس را وعده و بشارت می دهد، او را «پاراکلتوس» خطاب می نماید، که از دو کلمه یونانی para به معنی نزد و Kaleo دعوت کردن می باشد^{۱۸} معنای به «نزد خود خواندن» است. این واژه حقوقی کسی را مشخص می کند که «به نزدیک خوانده شده است» (یونانی: صیغه مجهول فعل Parakaleo لاتین ad-Vocatus) تا از شخص متهم دفاع کند یا به او کمک نماید. روح القدس این عمل را جهت دفاع از ایمان به عیسی در قلب شاگردان (یوحنا ۱۴:۱۶، ۲۶) مخصوصاً در زمان جفای مسیحیان (یوحنا ۱۵:۲۶، ۲۷؛ متی ۱۰:۱۸-۲۰) یا در دفاع از شاگردان توسط عیسی نزد مسند پدر به انجام می رساند.^{۱۹}

واژه مدافع سه جنبه از فعالیت روح القدس را مشخص می نماید: حضور عیسی (یو ۱۴:۱۵-۱۷) دفاع از عیسی (یو ۱۵:۲۶، ۱۶:۷) و یاد زنده کلیسا که توسط روح القدس امکان می یابد سخن عیسی را در زندگی امروزه به تحقق رساند (یو ۱۴:۲۶). یوحنا این واژه را که از خانواده Paraklesis که به معنی «تسلی» می باشد، اقتباس کرده بنابراین در نماز کلیسا بعضی از مواقع به

۱۶-مت ۲۸:۱۹ ۱۷-یو ۳:۵-۸ ۱۸-یو ۱۴:۱۶، ۱۵:۲۶ و ۱۶:۷ ۱۹-۱-یو ۲:۱۶

«تسلی دهنده» ترجمه شده است. خداوند همچنین روح القدس Parakletos را «روح راستی» می نامید^{۲۰}.

کلمه یونانی «پاراکلتوس» که در اینجا «مدافع» ترجمه شده اصلاً واژه‌ای قضایی و به معنی کسی است که برای کمک به متهم و دفاع از او در دادگاه تعیین می شود. نخستین مفهوم این کلمه وکیل مدافع است و با توجه به این معنی مفاهیم تسلی بخش یا واسطه و میانجی پیدا می شود. این کلمه در عهدجدید فقط در نوشته‌های یوحنا آمده که گاهی به مفهوم روح القدس (یو ۱۴:۱۶، ۲۶:۱۶؛ ۷:۱۶) و زمانی به معنی مسیح است (۱-یو ۲:۱). بعضی از مفسران این کلمه را نزدیک به فعل (PARAKALEO) که در عهد جدید آمده (اع ۲:۴۰، ۱-قرن ۱۴:۳) دانسته‌اند که در مورد تشویق افراد مسیحی به پایداری در دشواری هاست. در انجیل یوحنا بیشتر مفهوم قضایی کلمه مطرح است بدین معنی که در محاکمه گسترده‌ای که دنیا علیه شاگردان برپا کرده و پیروی می کند روح القدس شاگردان را یاری می نماید (اع ۱۶:۴-۱۵) ولی در هر مورد که این کلمه بکار برده شده ممکن است اثری از مفاهیم دیگر که در بالا ذکر شده کمابیش وجود داشته باشد.

۶۹۳ علاوه بر «روح القدس» که نام خاص اوست و بیش از هر جای دیگری در اعمال رسولان و رساله‌ها بکار برده می شود، در رساله‌های پولس رسول همچنین عناوین: «روح وعده»^{۲۱}، «روح فرزندخواندگی»^{۲۲}، «روح مسیح»^{۲۳}، «روح خداوند»^{۲۴}، «روح خدا»^{۲۵} را می یابیم و در رساله‌های پطرس رسول عنوان «روح جلال»^{۲۶} را می بینیم.

نمادهای روح القدس

۶۹۴ آب. آب نمادی از عمل روح القدس در تعمید است، زیرا پس از طلب روح القدس، آب تبدیل به نشانه‌ای رازگونه و مؤثر تولد تازه می گردد: درست

۲۰- یو ۱۳:۱۶ ۲۱-غلا ۳:۱۴؛ افس ۱:۱۳ ۲۲-روم ۸:۱۵؛ غلا ۴:۶
 ۲۳- روم ۸:۱۶ ۲۴-۲-قرن ۳:۱۷
 ۲۵-روم ۸:۱۶ و ۹:۱۴؛ ۱۹:۱۵؛ ۱-قرن ۶:۱۱؛ ۷:۴۰
 ۲۶-۱-پطر ۴:۱۴

همانطور که قبل از تولد طبیعی، ما در آب رحم مادر خود رشد کرده ایم همینطور آب تعمید حقیقتاً حاکی از تولد نوین ما جهت زندگی الهی است که در روح القدس به ما عطا می‌گردد. اما «جمع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم...»، همچنین نیز «...از یک روح نوشانیده شدیم»^{۲۷}. بنابراین روح شخصاً، آب زنده‌ای می‌شود که از مسیح مصلوب شده همچون سرچشمه فوران می‌کند^{۲۸} و تا حیات ابدی در ما جریان می‌یابد^{۲۹}.

۶۹۵ مسح، نماد مسح نمودن با روغن نیز نشانه‌ای از روح القدس می‌باشد^{۳۰}، تا آنجا که کلمه «میرون» به معنی روغن مقدس بعضی وقتها مترادف با خود روح القدس می‌گردد. در مراسم تازه واردین به مسیحیت، در کلیسای شرق، «مسح کردن» نشانه راز تثبیت ایمان است که تدهین نامیده می‌شود. نیروی کامل آن را فقط می‌توان در ارتباط با مسح نخستین که توسط روح القدس انجام شده است، یعنی مسح خود عیسی، بدست آورد. مسیح (در عبری «ماشیح») به معنای «مسح شده» با روح خدا می‌باشد. در عهدعتیق چندین شخصیت که مسح شده خداوند هستند، وجود دارند که برجسته ترین ایشان داود پادشاه است^{۳۱}. اما عیسی، آن مسح شده خدا بطور استثنائی است: انسانیتی که پسر بر خود گرفت، تماماً بوسیله روح القدس مسح گردید. روح القدس او را بعنوان «مسیح» قرار داد^{۳۲}. مریم عذرا مسیح را بواسطه روح القدس آبستن شد، روحی که توسط فرشته در هنگام تولد طفل او را مسح اعلام نمود، و همان که شمعون را برانگیخت تا به معبد آمده و مسیح خداوند را ببیند^{۳۳}. روح، مسیح را پر نمود و قدرت روح در اعمال نجات بخش و شفا، از او ساطع می‌شد^{۳۴}. در نهایت، این روح بود که عیسی را از مردگان برخیزانید^{۳۵}. از آن پس عیسی، چون در انسانیت خود که بر مرگ پیروز است کاملاً به عنوان مسیح

۲۷-۱-قرن ۱۳: ۲۸-۱۹: ۳۴: ۱-۵: ۸-۲۹-۱۰: ۱۴-۳۸: ۷-خروج
 ۱۷-۱: ۱۷: ۶: ۱۷: ۱۴: ۱۰: ۴: ۱۰: ۲۱: ۶: ۲۲: ۱۷-۳۰-۱-۲: ۲۰: ۲۷: ۲-
 قرن ۲۱: ۱-۳۱-خروج ۳۰: ۲۲-۳۲: ۱-سمو ۱۶: ۱۳-۳۲-۴: ۱۸: ۱۹: ۱-اش ۶۱: ۱-
 ۳۳-لو ۱۱: ۲: ۲۶ و ۲۷-۳۴-لو ۱: ۴: ۱۹: ۶: ۸: ۴۶: ۳۵-روم ۱: ۴:

استوار گردید، روح القدس را به فراوانی عطا می‌نماید تا «مقدسین»- در اتحادشان با انسانیت پسر خدا- آن انسان کامل را «به اندازه قامت پر مسیح» بنا نمایند: ^{۳۶} و به گفته قدیس آگوستین آن «مسیح کامل را تشکیل بدهند». ^{۶۹۶ آتش}. در حالیکه آب تداعی کننده تولد و ثمر بخش بودن زندگی بخشیده شده در روح القدس است، آتش نمادی از نیروی تغییر شکل دهنده اعمال روح القدس است. نیایش ایلیای نبی «که همچون آتش برخاسته» و «کلامش مثل مشعلی می‌سوخت»، آتش از آسمان بر قربانی در کوه کرمل فرود آورد^{۳۷}. این رویداد «نمادی» بود از آتش روح القدس، که آنچه را لمس می‌نماید تغییر می‌دهد. یحیی تعمیددهنده، که «به روح و قوت الیاس، پیش روی [خداوند]» می‌خرامد، مسیح را بعنوان کسی که «به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد» اعلام می‌نماید^{۳۸}. عیسی در مورد روح خواهد گفت: «من آمدم تا آتش در زمین افروزم پس چقدر مایلم که هم اکنون مشتعل شده باشم»^{۳۹}.

روح القدس در شکل زبانه هائی، «مثل زبانه های آتش»، در صبح روز پنطیکاست بر شاگردان قرار می‌گیرد و ایشان را پر می‌سازد^{۴۰}. سنت روحانی آن سمبل آتش را بعنوان یکی از پرمعنی ترین نمادهای اعمال روح القدس، در خاطر نگاه داشته است^{۴۱}. «روح را اطفاء مکنید»^{۴۲}.

۶۹۷ ابر و روشنائی. این دو تشبیه در تجلیات روح القدس از یکدیگر تفکیک ناپذیر می‌باشند زمان ظهور خداوند در عهدعتیق، ابر گاهی تاریک و گاهی درخشنده، خدای زنده و نجات دهنده را آشکار می‌نماید، درحالی که برتری جلال او را می‌پوشاند- مثلاً با موسی بر روی کوه سینا^{۴۳}، در خیمه اجتماع^{۴۴}، و در مدت سرگردانی در صحرا^{۴۵}، و با سلیمان در هنگام تقدیس

۳۶-افس ۱۳: ۴: ۲: ۳۶-۲۷-آگوستین موعظه ۱، ۱۱۳۴۱ و ۱۱: ۹ و ۱-پاد ۳۸: ۳۹ و ۳۸-لو ۱: ۱۷:
 ۱۶: ۳-۳۹-لو ۱۲: ۴۹-۴۰-اع ۲: ۳ و ۴-۴۱-رک قدیس یوحنا صلیبی ۱-۴۲-۱: ۱۹: ۵:
 ۲۳-خروج ۲۴: ۱۵-۴۴-خروج ۳۳: ۱۰ و ۹-۴۵-خروج ۳۶: ۳۸-۱-قرن ۱۰: ۱ و ۱-۴۶-
 ۱-پاد ۸: ۱۰-۱۲

معبد^{۴۶}. مسیح این نمادها را در روح القدس کامل می‌نماید. روح بر مریم باکره پیش می‌آید و بر او «سایه می‌گستراند»، تا او آبستن شده و عیسی را بدنیا آورد^{۴۷}. بر روی کوه تجلی روح القدس در ابری پدیدار شده و بر ایشان سایه افکند» یعنی بر عیسی، موسی و یاس، و همچنین بر پطرس، یعقوب و یوحنا، و «ندایی از این ابر برآمد که این است پسر حبیب و برگزیده من، او را بشنوید!»^{۴۸} بالاخره ابری عیسی را از نظر شاگردان در روز صعود او پنهان ساخت و همچنین او را بعنوان پسر انسان در جلال در آن روزی که آمدن نهایی اوست، آشکار خواهد نمود^{۴۹}.

۶۹۸ **مهر**. مهر نمادی است نزدیک به نماد مسح کردن. «پدر بر [مسیح] مهر زده است» و ما را در او مهر نموده است^{۵۰}. زیرا آن مهر نشانگر اثر پاک نشدنی تدهین بوسیله روح القدس در رازهای تعمید، تثبیت ایمان و تقدیس خادمین کلیسا است، تشبیه مهر (Sphragis) در برخی سنتهای الهیاتی بکار برده شده است تا بیانگر داغ «پاک نشدنی» که این سه راز تکرار نشدنی کلیسا بر شخص می‌کنند باشد.

۶۹۹ **دست**. عیسی با دستگذاری بیماران را شفا می‌بخشد و بچه‌های کوچک آنان را برکت می‌دهد^{۵۱}. شاگردان نیز در نام او همین اعمال را انجام می‌دهند^{۵۲}. حتی بطور برجسته تری، بخشش روح القدس توسط دستگذاری رسولان صورت می‌گیرد^{۵۳}. رساله به عبرانیان، دستگذاری را «به عنوان یکی از عوامل اساسی» تعلیم خود قرار می‌دهد^{۵۴}. کلیسا این نشانه ریزش قدرت مطلق روح القدس را در زمان فراخوانی روح القدس در حین اجرای رازهای مقدس حفظ نموده است.

۱۷۰۰ **انگشت**. عیسی می‌گوید، «به انگشت خدا دیوها را بیرون می‌کنم»^{۵۵}. اگر شریعت خدا، «بوسیله انگشت خدا» بر الواح سنگی نوشته شدند، پس

۴۷- لو: ۳۵ ۴۸- لو: ۳۴ و ۳۵ ۴۹- اع: ۹: ۱ ۵۰- لو: ۲۱ و ۲۷

۵۰- یو: ۶: ۲۷- ۲- قرن: ۲: ۲۲: ۱ افس: ۱۳: ۴ ۳۰- ۵۱- مر: ۵: ۶: ۸: ۲۳: ۱۰: ۱۶- ۵۲- مر: ۱۶: ۱۸:

اع: ۱۲: ۵: ۱۴: ۳- ۵۳- اع: ۱۷: ۸: ۱۹: ۱۳: ۳: ۱۹: ۶- ۵۴- عبر: ۲: ۶- ۵۵- لو: ۱۱: ۲۰

«رساله مسیح» که به مواظبت رسولان واگذار شده «بروح خدای زنده، نه بر الواح سنگی بلکه بر الواح قلوب انسانها نوشته می‌شود»^{۵۶}. سرود کلیسای لاتین Veni Creator Spiritus روح القدس به عنوان «انگشت دست راست خدا» را طلب می‌کند^{۵۷}.

۷۰۱ **کبوتر**. در پایان طوفان سیل، که نماد تعمید می‌باشد، کبوتر رها شده توسط نوح با شاخه تازه درخت زیتون در منقار خود بر می‌گردد که نشانه ایست از اینکه زمین بار دیگر قابل سکونت است^{۵۸}. زمانی که مسیح بعد از تعمیدش از آب برمی‌آید، روح القدس، به شکل کبوتر بر او نازل شده و می‌ماند^{۵۹}. روح نازل می‌شود و بر قلب‌های پاک شده تعمید یافتگان باقی می‌ماند. در برخی کلیساها، نان مقدس باقیمانده از شام خداوند را در ظرفی آهنین که به شکل کبوتری (Columbarium) بر بالای قربانگاه آویزان شده، نگهداری می‌کنند. سنت شمایل‌های مسیحی، برای القای حضور نیایش روح القدس از نماد کبوتر استفاده می‌نمایند.

ج) روح القدس و کلام خدا در زمان وعده‌ها

۷۰۲ از ابتدا تا وقتی که «زمان به کمال» (زمان عیسی) برسد^{۶۰}، مأموریت مشترک سخن پدر و روح، مخفی باقی می‌ماند، اما در حال عمل هست. روح خدا، زمان مسیح را آماده می‌سازد. هیچکدام بطور کامل آشکار نمی‌شود بلکه ولی آن در زمان قدیم هر دو وعده داده می‌شوند، تا انتظار کشیده شده و در وقت ظهورشان مورد استقبال قرار گیرند. پس به این دلیل، زمانیکه کلیسا عهد عتیق را می‌خواند، تعمق درباره چیزی می‌کند (در قانون ایمانی نیقیه که روح): «که از طریق انبیا سخن گفته است»، می‌خواهد در مورد مسیح به ما بگوید^{۶۱}.

ایمان کلیسا معنی کلمه «انبیا» را در، تمام آنچه که روح القدس اعلام زنده مژده و در انشای کتب مقدس هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید الهام نموده

۵۶- خروج ۳۱: ۱۸- ۲- قرن ۳: ۳

۵۷- سرود شب یکشنبه نزول روح القدس درباره روح می‌گوید: "digitus paternae dexterae"

۵۸- پید: ۸: ۱۲- ۵۹- مت: ۳: ۱۶- ۶۰- غلا: ۴: ۴- ۶۱- ۲- قرن ۳: ۱۴: ۵: ۳۹ و ۴۶

است، در نظر دارد. سنت یهودی، شریعت را در مقام اول می‌داند (پنج کتاب اول یا اسفار پنجگانه)، سپس صحف انبیا (کتابهای که ما تاریخی و نبوتی می‌گوییم) و بالاخره مکتوبات (بخصوص ادبیات حکمتی، بالاحص مزامیر) ۶۲ را قرار می‌دهد.

در خلقت

۷۰۳ کلام خدا و دم مقدس او منشاء و هستی و حیات هر موجودی است: ۶۳

حکومت بر خلقت و تقدیس نمودن و حیات بخشیدن به آن در قدرت و اختیار روح القدس است، زیرا او خداست، هم سرشت با پدر و پسر می‌باشد... اقتدار داشتن بر حیات در قدرت روح است، زیرا با مقام خدائی خود، خلقت را در پدر و بوسیله پسر نگهداری می‌نماید ۶۴.

۷۰۴ «خدا با دو دست خود، [یعنی توسط پسر و روح القدس] انسان را سرشت و بر جسمی که سرشته بود، اثر صورت خود را قرارداد، به طریقی که حتی آنچه که دیدنی است صورت الهی را دانسته باشد» ۶۵.

روح القدس وعده

۷۰۵ انسان که بوسیله گناه و مرگ از هیئت خود خارج شده بود، «به صورت خدا» یعنی در صورت پسر باقی می‌ماند، اما «از جلال خدا» ۶۶ از «شبهات با او» محروم می‌گردد. به ابراهیم وعده آغاز نقشه نجات را می‌نماید، که در نتیجه کامل آن خود پسر، آن «صورت» ۶۷ را بر خود خواهد گرفت و چون آن جلال و روح القدسی را که «بخشنده حیات» است به انسان دوباره پس می‌دهد ما را در شبهات با پدر احیا خواهد کرد.

۷۰۶ در تقابل با همه امید بشری، خدا وعده نسلی را به ابراهیم می‌دهد، بعنوان ثمره ایمان و قدرت روح القدس ۶۸. همه ملت‌های روی زمین، بواسطه این نسل

۶۲- ۴۴: ۲۴-۶۳- مز: ۳۳: ۶؛ ۳۰: ۱۰۴؛ پید: ۲: ۱؛ ۷: ۲؛ جا: ۳: ۲۰ و ۲۱

۶۴- آئین بیزانترین، یکشنبه‌ها، Troparion؛ نیایش صبح

۶۵- قدیس ایرینیوس، Dem ap. 11: Sch 62.48-49 - ۶۶- روم: ۲۳: ۳ - ۶۷- یو: ۱۴: ۱؛ فی: ۷: ۲

۶۸- پید: ۱۸-۱: ۱۵؛ لو: ۱-۲۶: ۳۸، ۵۵ و ۵۴؛ یو: ۱ و ۱۲: ۱۳؛ روم: ۴-۱۶: ۲۱

ابراهیم برکت خواهند یافت. این فرزندان، فقط اسحاق نیست بلکه در آینده خود مسیح خواهد بود ۶۹، که در او نزول روح القدس، «فرزندان خدا را که متفرقند، در یکی جمع» خواهد نمود ۷۰. خود خدا توسط سوگند رسمی اش از پیش، وعده دادن فرزند محبوب خود را اعلام می‌کند و همچنین دادن «روح القدس موعود را ... [که] بیعانه میراث ماست، برای فدای آن ملک خاص او» ۷۱.

در تجلیات خداوند و در شریعت

۷۰۷ تجلیات خدا (یعنی ظهور او)، طریق وعده را روشن می‌سازد، از پیشوایان تا موسی و از یوشع تا رؤیاهائی که مأموریت انبیا معظم را افتتاح نمودند. سنت مسیحی همیشه اقرار کرده که در تجلیات، این کلام خدا از پیش اجازه می‌داد تا به عنوان هم مکشوف و هم پوشیده شده، که در آنها، در آن ابر روح القدس او را ببینند و بشنوند.

۷۰۸ این فن تعلیم الهی، بویژه در عطیه شریعت ظاهر می‌شود ۷۲. خدا، شریعت را همچون «آموزگاری» که قوم خود را به سوی مسیح هدایت کند، عطا نمود ۷۳. اما ناتوانی شریعت برای نجات بشری که از «شبهات» الهی محروم شده و درک عمیق تری را درباره گناه دارد باعث اشتیاق قوی تر به روح القدس می‌شود. ناله‌های مزامیر، شهادتی بر این حقیقت هستند.

در دوران پادشاهی و تبعید قوم

۷۰۹ شریعتی که، نشانه وعده خدا و عهد است، می‌باید قلب و نظام آن قوم ناشی از ایمان ابراهیم را هدایت کند ۷۴. «اگر آواز مرا بشنوید و عهد مرا نگاه دارید،... برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود» ۷۵ اما پس از داود، اسرائیل تسلیم وسوسه تبدیل شدن به پادشاهی همچون دیگر ملت‌ها شد. اما پادشاهی که هدف وعده داده شده به داود بود ۷۶، در واقع عمل

۶۹- پید: ۳: ۱۵؛ غلا: ۱۶: ۳ - ۷۰- یو: ۱۱: ۵۲

۷۱- افس: ۱: ۱۳ و ۱۴؛ پید: ۱۷: ۲۲-۱۹؛ لو: ۱: ۷۳؛ یو: ۳: ۱۶؛ روم: ۸: ۳۲؛ غلا: ۳: ۱۴

۷۲- خروج: ۱۹ و ۲۰؛ تث: ۱-۱۱: ۲۹-۳۰ - ۷۳- غلا: ۳: ۲۴ - ۷۴- روم: ۳: ۲۰

روح القدس خواهد بود: و از آن مسکینان در روح خواهد بود.

۷۱۰ از یاد بردن شریعت و بی وفائی کردن به عهد، منجر به مرگ می شود. در حقیقت همین تبعید است، که در ظاهر شکست وعده هاست، اما فی الواقع وفاداری اسرار آمیز خدای نجات دهنده و آغاز احیای وعده داده شده اما برطبق روح القدس است. قوم خدا می بایست این گونه تطهیر شدن را تحمل نماید^{۷۷}. در نقشه خدا، تبعید از قبل در سایه صلیب قرار دارد، و باقیمانده مسکینانی که از تبعید برمی گردند، یکی از بارزترین نشانه های کلیسا است.

در انتظار مسیح و روح او

۷۱۱ «اینک من چیز نویی بوجود می آورم»^{۷۸}. دو خط نبوت ها در حال بوجود آمدن بودند، یکی درباره انتظار مسیح و دیگری درباره آن روح نوین بود. این دو خط در آن باقیمانده کوچک، یعنی قوم مسکینان به هم می رسند، قومی که در امید انتظار «تسلی اسرائیل» و «نجات اورشلیم» هستند^{۷۹}.
پیش تر دیده ایم که عیسی چگونه نبوتهای مربوط به خود را به انجام می رساند. ما در اینجا خود را محدود به نبوتهایی می کنیم که در آنها روابط مسیح و روح او، آشکارتر ظاهر می گردد.

۷۱۲ خصوصیات مسیح موعود در «کتاب عمانوئیل» شروع به ظاهر شدن می کنند «اشعیا وقتی که جلال او را دید» و درباره جلال مسیح تکلم نمود^{۸۰}،
بوئیه در دو آیه ابتدائی اشعیا باب یازدهم:

نهالی از تنه یسی بیرون آمده

شاخه از ریشه هایش خواهد شگفت.

و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت.

یعنی روح حکمت و فهم و

روح مشورت و قوت،

۷۷- لو ۲۴: ۲۶ ۷۸- اش ۴۳: ۱۹ ۷۹- صف ۲: ۳، لو ۲۵: ۳۸ و

و روح معرفت و ترس خداوند^{۸۱}.

۷۱۳ خصوصیات مسیح بیشتر در «سرودهای خادم رنج دیده خدا»^{۸۲}، الهام می شوند، این سرودها مفهوم رنج و مرگ مسیح را اعلام می نمایند و نشان می دهند که چگونه روح القدس را برای بخشیدن حیات به انبوه انسانها جاری خواهد ساخت؛ البته نه جدا از انسانیت بلکه با دربرکردن «شکل غلام»^{۸۳}.
با به خود گرفتن مرگ ما، می تواند روح حیات خویش را به ما منتقل سازد.
۷۱۴ به این دلیل مسیح اعلام مژده را آغاز می نماید، با برخورد گرفتن این متن اشعیا: ^{۸۴}

روح خداوند بر من است،

زیرا که مرا مسح کرد

تا فقیران را بشارت دهم؛

و مرا فرستاده تا شکسته دلان را شفا بخشم،

و اسیران را به رستگاری،

و کوران را به بینائی موعظه کنم؛

و تا کوبیدگان را آزاد سازم؛

و از سال پسندیده خداوند نوید دهم.

۷۱۵ متون پیامبران که مستقیماً مربوط به فرستادن روح القدس می باشند، الهاماتی هستند که خدا بوسیله آنها با قلب قوم خود به زبان وعده و با تأکید بر «محبت و وفاداری»، سخن می گوید^{۸۵}. پطرس رسول در صبح روز نزول روح القدس (پنطیکاست)، انجام این وعده ها را بشارت می دهد^{۸۶}. بر طبق این وعده ها، روح خداوند در «زمان آخر»، قلب انسانها را تازه خواهد ساخت و شریعت تازه بر آنها حک خواهد کرد. اقوام منقسم و متلاشی شده را جمع نموده و مصالحه خواهد داد؛ خلقت اول را متغییر خواهد ساخت و خدا با آدمیان، در آنجا در صلح و آرامش ساکن خواهد بود.

۸۲- اش ۴۲: ۱-۹؛ مت ۱۲: ۱۸-۲۱؛ یو ۳۲-۳۴؛ اش ۴۹: ۱-۱۶؛ مت ۱۷: ۲؛ لو ۳۲: ۱-۴؛ اش ۵۰: ۱-۴؛ اش ۵۲: ۱-۱۵؛
۵۳: ۱۲؛ اش ۸۳: ۲؛ اش ۶۱: ۱-۲؛ لو ۴: ۱۹-۱۸؛ اش ۸۵: حرق ۱۱؛ اش ۳۶: ۲۵-۲۸؛ اش ۳۷: ۱-۱۴؛
۳۱: ۳۱-۳۴؛ یو ۱: ۳-۵؛ اش ۸۶: ۲-۱۷؛ اش ۸۷: صف ۲: ۲؛ اش ۳۴: ۳؛ اش ۴۹: ۱۳؛ اش ۶۱: ۱-۳

۷۱۶ جمع آوری قوم «مسکینان»^{۸۷} یعنی آنانی که، با فروتنی و ملایمت، فقط بر نقشه های اسرارآمیز خدایشان اعتماد می نمایند، آنانی که منتظر عدالت می باشند، نه از سوی انسانها بلکه از سوی مسیح، در نهایت کار عظیم مأموریت سرّی روح القدس می باشد. البته این کار عظیم در زمان عهد قدیم یعنی در خلال زمانی که وعده ها جهت تدارک آمدن صورت می پذیرد، این خاصیت قلب مسکینان، یعنی پاک و منور شده بوسیله روح القدس، در مزامیر بیان می شود. روح القدس در این فقرا، «قومی مستعد» برای خداوند مهیا می سازد.^{۸۸}

روح مسیح در زمان کمال

یحیی، پیشگام، نبی و تعمید دهنده

۷۱۷ «مردی ظاهر شد فرستاده از سوی خدا که اسمش یحیی بود»^{۸۹}. یحیی «از رحم مادر خود ایصابات پر از روح القدس» شد^{۹۰}، بوسیله خود مسیح، که مریم باکره او را به تازگی به واسطه روح القدس آستن شده بود. پس دیدار مریم با ایصابات تبدیل به ملاقات خدا با قوم خود شد^{۹۱}.

۷۱۸ یحیی همان «الیاس است [که] می باید بیاید» می باشد^{۹۲}. آتش روح القدس در او ساکن است و او را بر می انگیزاند تا پیش رو خداوندی که می آید باشد. در یحیی، پیشگام، روح القدس کار، «آماده سازی قومی مستعد برای خدا» را به اتمام می رساند^{۹۳}.

۷۱۹ یحیی تعمید دهنده «از هر نبی هم بزرگتر است»^{۹۴}. در او، روح القدس سخنان خود را که از طریق انبیا گفته بود به کمال می رساند. یحیی، چرخه انبیائی را که از ایلاس شروع شده بود کامل می سازد^{۹۵}. او نزدیک بودن تسلی اسرائیل را بشارت می دهد؛ او «صدای» تسلی دهنده ای است که می آید^{۹۶}. یحیی، «برای شهادت آمدن تا بر نور شهادت دهد»^{۹۷}. در دیدگاه یحیی، بدین گونه روح القدس «تفحص» انبیا و «اشتیاق» فرشتگان را بر

۸۸- لو: ۱۷، ۱۷: ۸۹- یو: ۶، ۹۰- لو: ۱۵، ۴۱- ۹۱- لو: ۶۸، ۹۲- مت: ۱۷، ۱۰- ۱۳: ۱، ۷۸: ۹۳- لو: ۱۷، ۹۴- لو: ۷، ۲۶- ۹۵- مت: ۱۱، ۱۳- ۱۴، ۹۶- یو: ۲۳: ۱، اش: ۴۰- ۱، ۳

آورده می سازد^{۹۸}. «هر کس بینی که روح نازل شده بر او قرار گرفت، و می ماند همانست او که بروح القدس تعمید می دهد... و من دیده شهادت می دهم که این است پسر خدا... اینک، بره خدا»^{۹۹}.

۷۲۰ در نهایت، روح القدس با یحیی تعمید دهنده، آنچه که با مسیح و در او به اتمام خواهد رساند پیش نمود و افتتاح می نماید، یعنی «شبهات» خدایی را به انسان دوباره می دهد. تعمید یحیی جهت توبه کردن بود؛ و آن دیگری تعمید دادن در آب و روح، تولدی تازه خواهد بود^{۱۰۰}.

«شادی نمادی نعمت رسیده»

۷۲۱ مریم، مادر همیشه باکره مقدس خدا، شاهکار مأموریت پسر و روح القدس در کمال زمان است. پدر برای اولین بار در نقشه نجات، مکانی را که پسر او و میان روح القدس بتوانند در میان انسانها بمانند را یافت چون روح القدس مریم را آماده ساخته بود. به این معنی سنت، کلیسا اغلب زیباترین متون درباره حکمت در رابطه با مریم را خوانده است^{۱۰۱}. مریم در مراسم عبادی بعنوان «مسند حکمت»، تمجید و معرفی می گردد. «کارهای شگفت خدا» که روح القدس آنها را در مسیح و کلیسا به انجام خواهد رساند، در مریم شروع به آشکار کردن آنها نموده است.

۷۲۲ روح القدس، مریم را بوسیله فیض خود آماده ساخت. شایسته بود، مادر کسی که در وی «جسماً تمامی پری الوهیت ساکن است»^{۱۰۲}، خود «پراز فیض» باشد. مریم فقط از طریق فیض همچون متواضع ترین و تواناترین مخلوقات، جهت پذیرایی موهبت وصف نکردنی آن قادر مطلق و بدون گناه در رحم مادرش قرار گرفت. راست بود که جبرائیل فرشته او را بعنوان «دختر صهیون» خطاب کرده بگوید: «شادی نما» سرودی را که مریم در روح القدس برای پدر می سراید^{۱۰۳}، در حینی که پسر جاودانی را در بطن خود دارد، شکرانه ای است از سوی تمام قوم خدا و در حقیقت از سوی کلیسا.

۹۹- یو: ۱، ۳۳- ۳۶، ۱۰۰- یو: ۵، ۱۰۱- امث: ۸، ۱ تا ۹: ۶، بنسی: ۲۴، ۱۰۲- کول: ۲، ۹۰- ۱۰۳- لو: ۱، ۴۶- ۵۵، صف: ۳، ۱۴: ۲، زک: ۱۴، ۱۰)

۷۲۳ روح القدس نقشه احسان محبت آمیز پدر را در مریم به انجام می‌رساند. بوسیله روح القدس است که آن باکره، پسر خدا را آباستن می‌شود و او را بدنیا می‌آورد. بکارت مریم بوسیله قدرت روح القدس و ایمان خود مریم، بطور بی نظیری به باروری تبدیل می‌شود^{۱۰۴}.

۷۲۴ روح القدس در مریم، فرزند پدر را که اکنون فرزند باکره شده است، آشکار می‌نماید. مریم بوتۀ فروزان ظهور کامل خدا است. مریم که با روح القدس پر شده است، کلمه خدا را در شکل تن یافته فروتن او آشکار می‌سازد. مریم طفل را به مسکینان و اولین نویر امتها معرفی می‌نماید^{۱۰۵}.

۷۲۵ بالاخره، روح القدس از طریق مریم شروع به شریک ساختن انسانهایی، که مورد محبت پر از رحمت خدا هستند^{۱۰۶}، با مسیح می‌نماید. و همیشه فروتنان و حلیمان اولین کسانی هستند که او را می‌پذیرند: شبانان، مجوسیان، شمعون و حنا و عروس و داماد در شهر قانا و اولین شاگردان.

۷۲۶ در نتیجه این مأموریت روح القدس، مریم به راستی «آن زن» «آن حوای نوین» و «آن مادر زندگان» و مادر «آن مسیح کامل»^{۱۰۷} می‌گردد. با این عناوین او با آن دوازده تن که «به یکدل در عبادت و دعا مواظب می‌بودند»^{۱۰۸}، در سپیده دم «زمان آخر» که روح می‌بایست در سحرگاه روز پنطیکاست با تجلی کلیسا آن را آغاز حاضر بود.

مسیح عیسی

۷۲۷ کل مأموریت پسر و روح القدس، در کمال زمان، در این مطلب خلاصه می‌شود: که پسر اوست که بوسیله روح پدر از زمان تن یافت، مسح شد - عیسی خود مسیح است.

هرچه در فصل دوم ایمان نامه رسولان می‌باشد باید در نور این حقیقت خوانده شود. همه کار مسیح، در حقیقت مأموریت مشترک پسر و روح القدس است. ما در اینجا فقط موضوع وعده روح القدس توسط عیسی و آمدن او از طریق خداوند جلال یافته را، متذکر می‌شویم.

۱۰۴- لو ۱: ۲۶-۳۸؛ روم ۴: ۱۸-۲۱؛ غلا ۴: ۲۶-۲۸ ۱۰۵- لو ۲: ۱۵-۱۹؛ مت ۲: ۱۱-۱۲
۱۰۶- لو ۲: ۱۴ ۱۰۷- یهو ۱۹: ۲۵-۲۶ ۱۰۸- یهو ۶: ۲۷: ۵۱، ۶۳-۶۲

۷۲۸ عیسی، تا وقتی که خود از طریق مرگ و رستاخیزش، جلال یابد روح القدس را بطور کامل آشکار نمی‌نماید حتی در هنگام تعلیم به جمعیت، وقتی اشاراتی می‌کند، که جسم او خوراکی برای حیات جهان خواهد بود^{۱۰۹} آرام آرام به روح القدس اشاره می‌کند. او همچنین در هنگام گفتگو با نیکودیموس^{۱۱۰}، به زن سامری^{۱۱۱}، به آنانی که در عید خیمه‌ها شرکت نموده‌اند روح القدس را القا می‌کند^{۱۱۲}. اما با شاگردانش از روح در رابطه با نیایش و شهادتی که خواهند داد آشکارا سخن می‌گوید^{۱۱۳}.

۷۲۹ تنها زمانی که وقت جلال یافتن او فرا رسید، عیسی وعده آمدن روح القدس را می‌داد، زیرا مرگ و رستاخیز او، به اتمام رسانیدن وعده‌ای بود که به پدران در عهد قدیم داده شده بود^{۱۱۴}. روح راستی یعنی دیگر، همان پاراکلتوس یا مدافع دیگر بوسیله پدر در پاسخ به نیایش عیسی عطا خواهد شد؛ او بوسیله پدر و در نام عیسی فرستاده می‌شود؛ و عیسی او را از سوی پدر خواهد فرستاد، زیرا از پدر صادر می‌شود. روح القدس خواهد آمد و ما باید او را بشناسیم؛ او همیشه با ما خواهد بود؛ او با ما خواهد ماند. او همه چیز را به ما می‌آموزد و هر چه را که مسیح به ما گفته بود یادآوری خواهد کرد و به او شهادت خواهد داد. او ما را به جمیع راستی هدایت خواهد نمود و مسیح را جلال خواهد داد. او جهان را در مورد گناه، راستی و داوری ملزم خواهد نمود.

۷۳۰ بالاخره ساعت عیسی فرا می‌رسد^{۱۱۵}: او روحش را به دستان پدر می‌سپارد^{۱۱۶} در همان لحظه با مرگ خود بر موت چیره می‌شود، بطوریکه، «به جلال پدر از مردگان برخاست»^{۱۱۷}، او فوراً روح القدس را با «دمیدن» بر شاگردانش عطا می‌نماید^{۱۱۸}. از این ساعت به بعد، مأموریت مسیح و روح القدس تبدیل به مأموریت کلیسا می‌شود: «همانطور که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم»^{۱۱۹}.

۱۰۹- یو ۶: ۲۷، ۵۱، ۶۲-۶۳ ۱۱۰- یو ۳: ۵-۸ ۱۱۱- یو ۴: ۱۰: ۱۴، ۲۳ و ۲۴
۱۱۲- یو ۷: ۳۷-۳۹ ۱۱۳- لو ۱۱: ۱۳؛ مت ۱۰: ۱۹-۲۰ ۱۱۴- یو ۱۴: ۱۶-۱۷، ۲۶؛
۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۷-۱۵؛ ۱۷: ۲۶ ۱۱۵- یو ۱: ۱۳؛ ۱: ۱۷ ۱۱۶- لو ۲۳: ۴۶؛ یو ۱۹: ۳۰
۱۱۷- روم ۴: ۶ ۱۱۸- یو ۲۰: ۲۲ ۱۱۹- یو ۲۰: ۲۱؛ مت ۲۸: ۱۹؛ لو ۲۴: ۴۷-۴۸؛ اع ۸:

۵) روح و کلیسا در آخرین مرحله زمان

پنطیکاست

۷۳۱ در روز پنطیکاست، وقتی هفت هفته فصح به پایان رسیده بود، گذر مسیح با نزول روح القدس کامل می شود، که آشکار می شود و به عنوان اقنوم الهی منتقل شده است. مسیح خداوند، در پری خویش، روح را به فراوانی جاری می سازد.^{۱۲۰}

۷۳۲ در آن روز، تثلیث اقدس بطور کامل مکشوف می گردد. از آن روز، درب ملکوتی که توسط مسیح اعلام شده بود، برای کسانی که به او ایمان آورند، باز می شود: ایمانداران از هم اکنون با فروتنی جسم و در ایمان، در مشارکت تثلیث اقدس سهیم می شوند. روح القدس با نزول خود که تا به ابد ادامه دارد سبب شد تا خلقت وارد «آخرین مرحله زمان» شود، یعنی زمان کلیسا، یا آن ملکوتی که از هم اکنون به ما به میراث رسیده ولی هنوز کامل نشده است.

ما تثلیث تفکیک ناپذیر را می ستائیم، که ما را نجات داده است.^{۱۲۱} ما نور حقیقی را دیده ایم، روح آسمانی را دریافت نموده ایم، ایمان واقعی را یافته ایم:

روح القدس - آن عطیه خدا

۷۳۳ «خدا محبت است»^{۱۲۲} و محبت اولین عطیه اوست، که همه عطایای دیگر را در بر می گیرد. «محبت خدا در دلهای ما بروح القدس که به ما عطا شد، ریخته شده است»^{۱۲۳}.

۷۳۴ چون ما بر حسب گناه مرده یا حداقل مجروح شده ایم، اولین اثر عطیه محبت، بخشش گناهان ما است. مشارکت روح القدس^{۱۲۴} شباهت الهی را که به دلیل گناه از دست رفته بود، در کلیسا به تعمیم یافتگان برمی گرداند.

۷۳۵ آنگاه، روح، «بیعانه» یا «نوبر» میراثمان را عطا می کند؛ یعنی آن حیات خود تثلیث اقدس، که همانا محبت کردن است همانطور که «او ما را محبت نمود»^{۱۲۵}. این محبت سرچشمه حیات تازه در مسیح است که چون ما همان

۱۲۰- ۱۲۰:۲-۳۳:۳۶ ۱۲۱- آئین بیزانتین، عید پنطیکاست، نماز شب ۱۲۲- ۱-۱۲۲- ۱۶:۴ و ۱۶:۸
۱۲۳- روم ۵:۵ ۱۲۴- ۲-۱۲۴- ۱۴:۱۳ ۱۲۵- ۱-۱۲۵- ۱۱:۴ و ۱۲:۸ روم ۲:۳-۲-۲۱:۱

قدرت روح القدس را یافته ایم، امکان پذیر گردیده است.^{۱۲۶}

۷۳۶ با این قدرت روح القدس، فرزندان خدا می توانند ثمرات آورند. کسی که ما را به تاک حقیقی پیوند زده است، سبب می گردد «ثمره روح [که] محبت و خوشی و آرامش و حلم و مهربانی و نیکوی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است»^{۱۲۷} را حاصل نمائیم. «ما به روح زیست می کنیم»: هر چه بیشتر خود را انکار نمائیم، همان قدر بیشتر روح قدرت عمل به ما می دهد.^{۱۲۸}

از راه مشارکت با روح القدس او ما را روحانی می سازد و در ما کارهای عجیبی انجام می دهد: ما به بهشت برگردانده می شویم، به ملکوت آسمان هدایت می گردیده و فرزندخواندگی را می پذیریم، اطمینان خاطر می یابیم تا خدا را «پدر» بخوانیم و در فیض مسیح سهیم گردیم، فرزندان نور خوانده شده و در جلال ابدی سهیم گردیم.^{۱۲۹}

روح القدس و کلیسا

۷۳۷ مأموریت مسیح و روح القدس در کلیسا که جسم مسیح و معبد روح القدس است به انجام می رسد. این مأموریت مشترک، ایمانداران مسیح را در مشارکت وی با پدر در روح القدس سهیم می سازد اولاً روح القدس، آدمیان را آماده می سازد و با فیض خود به سوی مسیح می کشاند بعداً روح القدس، خداوند قیام کرده را به آنان آشکار می سازد، کلام او را بیادشان می آورد و ذهن ایشان را برای درک معنی مرگ و رستاخیز او باز می نماید. روح القدس راز مسیح را اظهار می کند، بویژه در عشاء ربانی، تا آدمیان را مصالحه داده و آنان را با خدا مشارکت دهد تا «میوه های بسیار» آورند.^{۱۳۰}

۷۳۸ بدین گونه مأموریت کلیسا، به مأموریت مسیح و روح القدس اضافه نمی کند، بلکه راز مقدس آن است: کلیسا در کل موجودیت خود و در همه اعضایش فرستاده می شود تا راز مشارکت تثلیث اقدس را اعلام نموده، شهادت داده و امروز به فعل درآورده گسترش دهد.

۱۲۶- ۱:۸:۱- ۱- قرن ۱۳ □ ۱۲۷- ۵:۵-۲۲:۲۳ ۱۲۸- ۵:۵:۲۵: مت ۲۴:۱۶-۲۶

۱۲۹- قدیس باسیل، De Spiritu Sancto, 15,36: PG 74,561 ۱۳۰- یو ۱۵:۸، ۱۶

زیرا با این که تعداد ما به طور انفرادی بسیار است و علاوه بر این مسیح روح پدر و خود را در یکایک ما سکونت می دهد اما آن روح یکتا و غیرقابل تفکیک با قدرت خود آنانی را که متفرق هستند در اتحاد جمع آوری می کند... و سبب می گردد که در او همه به صورت واحد ظاهر شوند از یک دیدگاه قدرت بشریت مقدس مسیح باعث می شود که همه انسان هایی که در این بشریت مقدس سهیم هستند یک جسم را تشکیل دهند، فکر می کنم که همانطور نیز روح خدا که یکی و منقسم شده نیست و در همه ساکن است همه را به اتحاد روحانی جمع آوری کند^{۱۳۱}.

در نتیجه آن روح مدافع یعنی پاراکلتوس که عیسی او را روح راستی معرفی می کند (یو ۱۴:۱۶ و ۱۷) ایمانداران را به حقیقت کامل می رساند که عیسی است او که «آن پیامبر» یعنی موسی نوین (تث ۱۸:۱۵) می باشد. علاوه بر این امور آینده را نیز به ما می آموزد (یو ۱۶:۱۳) و مسیحی که هر روزه و در آن روز آخر باید بیاید را به ما یادآوری می کند. بدین سبب توسط روح القدس هر شخص مسیحی می تواند نبوت کند (اع ۲:۱۷) و به این حقیقت شهادت دهد و با زندگی در فقر و پاکدامنی دنیای آینده را از پیش اعلام کند. بعد از مسیح نمی تواند منتظر هیچ پیامبر نوینی بود زیرا او یکتا پسر خدا است که کاملاً راز پدرش را برای ما آشکار ساخته و بنابراین بعد از او و بدور از حقیقتش که کلیسا اعلام می کند فقط می توانند پیامبران دروغین ظاهر شوند (متی ۲۴:۱۱، ۲۴).

۷۳۹ چون روح القدس، مسح عیسی است، این خود مسیح است که بعنوان سر این جسم، روح را در میان اعضایش جاری می سازد تا ایشان را قوت بخشیده و شفا داده و آنان را در مسئولیت در متقابلشان سازمان دهد. علاوه بر این عیسی توسط روح القدس به آنان حیات می بخشد آنان را برای شهادت دادن می فرستد و ایشان را در ایثار خویش به پدر و در شفاعتش برای همه جهان سهیم می سازد. از طریق رازهای مقدس کلیسا، مسیح، روح القدس و تقدیس

۱۳۱- تقدیس سیریل اهل اسکندریه، In Jo, ev. 11,11:PG 74,561

کننده خود را به اعضای بدنش انتقال می دهد.

۷۴۰ این «کارهای شگفت خدا»، که در رازهای مقدس کلیسا به ایمانداران تقدیم می شوند، جهت زندگی نوین در مسیح بر حسب روح القدس ثمر می آورند.

۷۴۱ «روح القدس ضعف ما را امداد می کند زیرا که آنچه دعا می کنیم به طوری که می باید نمی دانیم لکن خود روح برای ما شفاعت می کند، به نالهائی که نمی شود بیان کرد»^{۱۳۲}. روح القدس، انجام دهنده اعمال خدا است، نیایشهای راستین را به ما تعلیم می دهد.

خلاصه

۷۴۲ «اما چون که فرزندان هستید، خدا روح پسر خود را در دلهای شما فرستاد که ندا می کند، یا ابا! یعنی ای پدر!» (غلا ۴:۶)

۷۴۳ از ابتدا تا انتهای زمان، هرگاه خدا فرزند خود را می فرستد، او همیشه روح خود را نیز می فرستد: مأموریت ایشان مشترک و تفکیک ناپذیر است.

۷۴۴ روح القدس در پری زمان، همه تدارکاتی را که برای آمدن مسیح به میان قوم خدا انجام داده بود، در مریم کامل نمود. بواسطه عمل روح القدس در مریم، پدر، عمانوئیل را «یعنی خدا با ما» به جهان می دهد (مت ۱:۲۳).

۷۴۵ پسر خدا در زمان راز تن یافت خود توسط مسح روح القدس (مزامیر ۲:۶-۷) بعنوان مسیح تقدیس گردید.

۷۴۶ عیسی بوسیله مرگ و رستاخیز خود، بعنوان خداوند و مسیح در جلال منصوب می گردد. (اع ۲:۳۶) او از پری خود، روح القدس را بر رسولان و بر کلیسا جاری می سازد.

۷۴۷ روح القدس که مسیح بعنوان سر کلیسا در اعضای خود او را جاری می سازد، کلیسا را بنا کرده، احیا و تقدیس می نماید. کلیسا راز مقدس مشارکت تثلیث اقدس با انسانها است.

* * *

مسیح، رهاننده ما از اسارت

- ۱- ای به تن کرده جامه ای از نور
من به پای تو ایستاده و پس
می زخم من تو را صدا از شور
کن تو روشن روان تیره من
ای مسیح،
هم رحیم و هم غفور.
- ۲- داده ای رخصت صلیب خودت
هم اجازت که تا شوی تحقیر
ای خداوند، مهربان و بزرگ،
پر شکوه و جلال و خوب و رحیم
بود میلت که بنده آرابی،
بر لباس خدائیت، ای نور.
- ۳- ای مسیح،
تو مرا از اسارت مرگ رها ساختی
تا به فنا ناپذیری ملبس شویم
آن زمانی که در تمام تنت،
مزه مرگ بود و میخ و صلیب
روز سوم، یوم رستاخیز.
- ۴- منجی ما مسیح، یار بشر
با دو دست گشوده روی صلیب
تا جهان را به برکشی از مهر
دفن جسمت به خاک، خالی کرد
دوزخ و عمق هاویه را

* * *

روح القدس هدیه ای است از قربانی عیسی ف ۱

- * ۱. حمد و سپاس بداریم خدای را،
شکر و ثنای خداوندیش را گوئیم
و سپاس بداریم روح القدس را
* ۲. از دم روح شعله ور باشد کلیسا
در بیابان فنا پیغام عیسی است
بوته سوزان باقی همچو اوست
که شنید موسی پیام یهوه دوست
۱- ای پیروان من برخیزید و به لطف خدا اعتماد کنید
شما را آرامش، مرا مبارزه
شما را جلال آسمانی که بالاتر از آن نیست
و مرا پیروزی شکست ناپذیر .
۲- شما را قدرت برتر از فرشتگان
مرا حقارت در میان تبهکاران
شما را بهبودی عاجزان
مرا دخمه در میان مردگان
۳- شما را تخت شاهی در آسمان
مرا الاغکی بر روی زمین
ترا ای شمعون کلید اوج ملکوت
مرا صلیب و مفتاح ژرف گور .
۴- شما جذامیان را طاهر کنید و لنگان را به گام بر نهید
دیوها را لگد مال و ارواح پلید را بگریزانید
با شهادت خود از انجیل سلاطین را پیروز
و داوران را جوا بگوی قاطع باشید .
۵- با حقیقت من پیروز گردید بر اشتباه و گمراهی
و با شهادت انجیل فاتح شوید بر ذکاوت انسانی
اینک افتخار و نیرومندی خود را

- به شما ای پیروان، عطا می دارم
 ۶- و در اتمام نیز از عنایت خود به شما می افزایم
 اگر ایمان دارید که من با شما هستم
 در سراسر جهان به حمایت و طرفداری از شما
 راه می پیمایم و مرارت می کشم .
 ۷- اگر مایلید که در من بمانید چون مهرمن در شما
 به محض برخاستنم به سوی پدر که نهان و پنهان است
 برای شما استغاثه می کنم
 که او نیروی خود را به شما عنایت کند
 که آن قدرت، گنجینه و ثروتی است سرقت ناپذیر .
 ۸- روح القدس از اوج آسمان چون کبوتری به سوی شما آید
 بالهای خود را بر روی شما بگسترده
 و شما را زیر سایه خود مراقبت کند
 و دهان شما را به حمد و ثنا بگشاید .
 ۹- آتش بر لبانتان می نشیند و شعله در دهانتان
 لب، اگر فشرده هم باشد، آتش را می بلعد
 زبان، اگر در سکوت هم بسر برد، مدح می سراید
 همانند بوته موسی در بیابان، شما سوزان لیک نابود نگردید .
 ۱۰- این زبان آتشین که رسولان پذیرفتند
 زبان نوینی است که به هنگام تولد با خود نداشتند
 همان طور که حضرت مریم از زبان فرشته ای بشارت یافت
 که بارداری نوین و شگرف انگیزی خواهد داشت .
 ۱۱- از روح القدس زبان های آسمانی فرود آمد
 و بر زبان های جسمانی نشست
 چون تولد ربانی در نهاد حوای نوین

(متن : از کلیسای یونانی)

" Priere Orientale des Eglises " To 4 p. 209

ف ۲

کلیسا در سایه روح القدس

- * ۱. مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید
 که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید .
 * ۲. سپاس بر تو پروردگارا، که در پیروزی مسیح
 ما را سهم گردانیدی
 تا نسیم خوش شناسائی او را به جهانیان برسانیم .
 ۱- نیروی الهی امروز به سوی ما فرود آمد
 این روح نیکوست، روح حکمت و دانائی خداوند است،
 روحی که از پدر منشاء گرفته و پسر را به مؤمنین آشکار گردانید.
 روح سخاوتمند، روح بخشاینده ای که تقدس و پاکی اش را
 به کسانی که در قلبشان جای گرفت ارزانی داشت .
 ۲- روح برتر بدون قید و شرط از سوی پدر می آید
 تا با عطای قریحه زبان و بیان
 پیروان را از راز الهی آگاه سازد
 او که قدرت پدر را داشته و در جوهر او سهم است
 او که کلام زندگی بخش مسیح را صحه می گذارد .
 ۳- کلام خداوند روان ما را از گناه شفا بخشید
 در قلب پیروان برای خود منزلی مبرا تهیه نمود
 و اکنون روشنائی روح خویش را در آن مستقر گردانید .
 ۴- پروردگارا، همانطور که وعده داده بودی
 روح خود را با کرم و بخشش بر تمام آفرینش گستردی
 تا سرشار از بصیرت تو گردد
 زیرا از پدر آسمانی است که تو پسری
 و از اوست که روح القدس منشأ گرفته است
 ۵- روان ما را که در خور زندگی است، از نو بیآرای
 به روح راستین که آرزو و آرمان درونی ماست

و در شعله آن قلب ما را به عشق خدا بیفروز
تا پاک و لایق قربانیت گردد
همان روح مقدسی که پیوست ابدی به پدر دارد
و از او منشأ گرفته است .
۶- مسیحا، به وفادارن خود روح القدس را ایثار کن
که در این حزن و دلنگی مدافع ما باشد
خود را به هنگام اندوه از ما دور مکن
و ما را همیشه حافظ باش .
۷- تو که بر همه چیز واقف و بینائی
با ما بمان و همسفر باش
چنان که رسولان را همراه بودی.
با ما که انتظار تو را داریم همدم شو،
تو که بخشنده و مهربانی
تا با تو پیوسته به تو،
روح بسیار مقدست را تحسین و تمجید کنیم .

(از کلیسای بیزاننتی)

* ۲ . اقتباس شده از رساله دوم قرن‌تینان (۲:۱۴)

" Prier Oriental des Eglises To . 4 p .165

ف ۳

روح القدس آزادی و نگهبان ماست

* ما از برای آزادی فراخوانده شده ایم
گر پندار و کردار و رفتار ما از روح القدس اشباع شود
دیگر تحت احکام قانون نیستیم
و در شفقت و مهربانی یکدیگر را خدمت می نمائیم .
۱- ای عیسی، برای باران و خدمتگزاران
حامی و پشتیبان گسیل دار
چون قلبمان را سیلاب غم و اندوه فرا گرفته
ما را به هنگام مصیبت و آزمایش ترک مگو
و به هنگام مشقت و دشواری از ما دوری مگزین .
۲- خود را به ما رسان و نزدیک ما باش،
تو که در همه جا هستی
چنان که با پیروان همراه بودی،
دوستانی را که به تو علاقه دارند به گرد خود جمع دار
تا همه در تو متحد شوند و سنایشگر روح القدس باشند .
۳- شما که در فراق و امید طلوع آفتاب الهی هستید
بر خیزید، نظر به بالا افکنده
و قلبتان را بسوی عیسی معطوف کنید
او به ما وعده کرده :
« روح القدس را برایتان می فرستم که کمال تقدس است . »
۴- جمیع ما دور هم گرد آمده که کلیسای تو باشیم
اکنون که در این راز سهیم گشته ایم
با فیض روح القدس در آن رشد و نمو نموده
و با التماس و تمنا فریاد بر آریم :
خداوندا، روح مقدست را
که کمال اتحاد و یگانگی است بما عطا فرما .

- ۵- خدایا انسانها را به دیار خویش هدایت فرما
آنجا که عدالت تو حکمرواست
برای کسانی که تو را عزت و ستایش می کنند
روح القدس را بفرست، که کمال تقدس است .
- ۶- ای سلطان فرشتگان خسروی و پادشاه انسانها
ای خالق متعال
تو که با یک تدبیر بر همه خلقت فرمانروائی
به بام تو فغان یاران برخاسته
بشتاب در اعزام روح القدس که کمال تقدس است .
- ۷- توصیف و تفسیر راز الهی امکان پذیر نیست
چشم، آن را نبیند بلکه ایمان آن را دیده و درک می کند
در هیچ نمی گنجد و روح القدس که کمال تقدس است
آن را در دل بینوایان شکوفا می سازد .
- ۸- این نیروی کلام خداوندی است نه بلاغت و فصاحت زبان
که انسان را مجذوب معرفت خدا می کند
روح القدس که کمال تقدس است
از راه صلیب مسیح که حکمت و قدرت خدا است
دنیا را حیات بخشید .

* . اقتباس شده از رساله پولس به غلاطیان (۱۳:۵-۱۸)

متن: اقتباس شده از ترانه ساز : رومانوس

Priere Orientale des Eglises To 4 P . 190

ف ۴ روح القدس بنیاد صلح و وحدت

* روح خدا مسح کند جماعت مؤمنین

تا به فقیران بدهند مژده دیدن نجات

۱- نیروی روح القدس که بر ما نازل شد

بین زبان های از هم گسیخته ما،

هماهنگی برقرار کرد .

آن نیرو، مؤمنین را به مشارکت با خدای یکتا

و پیوند به تثلیث زندگی بخش، توانا کرد .

۲- کائنات در مقابل روح القدس و پسر خدا

به سجده در می آید

و خدای یگانه را در راز تثلیث مقدس کشف می کند

چون لطف و نعمت روح القدس به مانند خورشید می تابد .

۳- در این دنیای ما

ساز و دهل برای بت های زر و قدرت و لذت در طنین اند

لیک در قلب مؤمنان،

روح القدس زمزمه حمد و سرود در وصف خدا می کند :

ای خدای واحد در اتحاد سه شخص

تو را می پرستیم و برای تو نغمه می سرائیم .

۴- در کوه سینا بوته ای که شعله ور بود و معدوم نمی گشت

موسی را به راز خدا آگاه و بیدار کرد

او که لکنت بیان داشت

گویای وصف و حقیقت خدا شد .

* بند برگردان : اقتباس شده از انجیل لوقا (۱۸:۴)

متن : اقتباس شده از سرودهای کلیساهای بیزانس در روز نزول روح القدس .

شعله روح القدس

- نیایی تولد گراز روح و آب،
به ملک خدا کی شوی راه باب؟
که از نفس مولود گردد جسد،
هم از روح، روحی به هستی رسد .
- ۱- ای مسیح به پیروان خود چنین فرمودی:
تا روزی که از نیروی آسمانی تقویت نیافته اید
در اورشلیم باقی بمانید .
به محض صعود خود به جانب پدر
برای شما حامی و حافظی که روح راستین است،
جهت تأیید و تصدیق شما خواهم فرستاد .
- ۲- هنگامی که روح القدس به سوی یاران تو نزول کرد،
آنان را که ترسان و مردد بودند
سرشار از شادی و شهادت، نیرومند ساخت .
زبان شعله وار بر هر کدام قرار گرفت
و آنها را به ژاله و شبنم الهی شاداب گردانید .
- ۳- قدرت والای تو قابل درک و فهم نیست
این نیروی شگرف، به صیادان ساده دل،
فصاحت و بلاغت داده،
با کلمه ای دهان پیغمبران کاذب را بسته
و امت های بیشماری را از ظلمت شب می رهاند .
- ۴- ای مسیح، پیغمبران وقتی به ظهور تو
در آخر زمان می اندیشیدند،
فریاد برمی آوردند، ما به قدرت تو بینا شدیم.
تو نجات دهندهٔ آنانی، که به روح خود مسح کرده ای .
- *. متن : اقتباس از سرودهای کلیسای بیزانس در روز نزول روح القدس .
*. اقتباس شده از یوحنا (۸:۳) .

ف ۵

" Priere Orientale des Eglises " To . 2 p . 70

ف ۶

عیسی، نور جهان

- * همگی با چهره ای گشوده
نور و جلال خداوند را نگریسته
و چون آئینه آن را انعکاس دهیم.
* خدائی که گفت نور از ظلمت درخشد
اوست که در قلب ما درخشید
تا نور معرفت جلال خدا
در چهره عیسای مسیح از ما بدرخشد.
- ۱- پروردگارا، قلب مرا مملو از سخنان راستین خود نما
تا بتوانم به بیان و وصف تو همت ورزم.
تو حکمت و دانش خود را به من فزونی دادی
تا چنان نهر آب، حقیقت تو را گویا باشم
و سخنان من بشارت معرفت تو را دهد.
- ۲- خداوند ما، گویای کلام حقیقی و درب روشنائی است
به دنیا کسانی را فرستاده
که وصف زیبایی او را کنند
و پیامبرانی که ذکر عظمت او را نمایند
قاصدانی که شاهد قصد و طرح او گردند
و رسولان اندیشهٔ او باشند
تا پاکدلان بتوانند به شگفتی های او پی برند.
- ۳- اوست روشنی و روشنائی بخش
اوست عشق و هماهنگی
در او جمیع مخلوقین به اتحاد و تفاهم رسیده،
از سکوت و خاموشی رهائی یافته
و به زندگی راستین دعوت شده اند
که خالق خود را شناخته و به هماهنگی در آیند

۴- کلام خدا که حقیقت و محبت است
در قلب بشر مسکن و ماوا گزید
خوشبخت کسانی که با او راز جهان را درک کرده
و حقیقت پروردگار را دریا بند.
۵- بنگر خداوند را که آئینه وجود ماست
با فراست و ایمن بینا شویم
و خود را در او بنگریم
و چهره راستین خود را از او کسب کنیم.
۶- روح القدس را تقدیس و تجلیل کنیم
که چهره مان را از فرسودگی زدوده
و به جوانی و نشاط گلگون سازد.
۷- قدوسیت او را عزیز و گرامی داریم
و از آن برخوردار گشته
تا با او در پاکی و صفا بسربریم.

* ۱ اقتباس شده از دوم قرن تیان (۱۸:۳).

* ۲ اقتباس شده از دوم قرن تیان (۶:۴).

مثن: اقتباس شده از سروهای کلیسای اولیه به اسم سرودهای حضرت سلیمان

" Priere Orientale des Eglises To . P.170

ف

روح القدس، ابر فروزان

* ۱. مسیحا، تو زنده و جاودانی
شفیع کلیسائی
پدر، روح القدس را با دعای تو عطا فرماید .
* ۲. خداوندا، ما به سوی تو آئیم
تو چشمه آب حیاتی
ما را در آب و آتش فرو بر
و از روح القدس مشعشع گردان .
۱- چشمه روح القدس چون نهری از آتش
به سوی ساکنین جهان سرازیر شد .
شینم روحانی را بر رسولان افشانند
و آنان را درخشان گردانید .
۲- نور حامی و مدافع فرا رسید و دنیا را روشن نمود
و برفراز پیروان، چون ابری فروزان قرار گرفت
که از شعله آن بینا و باصفا گشتند .
از همان پیروان است که ما به عمق آب و آتش فرورفته
و به برکت الهی نائل شدیم .
۳- ای مسیح، زبان های گوناگون
تو حواریون را غنی و توانگر ساختی
تا کلام را، که خداوند پاینده و جاودان است، اعلام دارند
خداوندی که به تمام خلق فیض و کرم خود را ارزانی دارد .
۴- روح القدس نبوت را بسان چشمه ای فوران ساخته
و رسولان را که صیاد بودند به مقام علمای دین رسانده
و امروز خادم تو را نیز برمی انگیزاند،
فروتنان و حقیران را دانا و بینا می سازد
و به محفل و کلیسای تو نیرو و جان می بخشد .
ای حامی و مدافع که با پدر و پسر فرمانروائی
شکوه و جلال بر تو باد .
* ۱. اقتباس شده از عبرانیان (۲۵:۷) و (یوحنا ۱۴:۱۶)
* ۲. اقتباس شده از یوحنا (۳۳:۱) و (۳۸:۷)

سرود کلیسای بیزانتینی P. 90 Priere des Eglises P.

Priere Orientale des Eglises to . 2 P . 66

خوشا به سعادت آنانی که آن آب حیات را تقدیم می کنند ^{۸۵}

* من از سینه آن معبد دیده ام چشمه ای آب

جوشان و خروشان همه تن را کند سیراب

۱- بسان دستی که رقصان بر تارهای چنگ نواخته

و آن را به سخن درمی آورد

همان گونه روح خداوند در تن من زمزمه نموده

و در محبت او نیز، من می سرایم .

آنچه را خصم است، او دور می سازد، همه را،

زیرا او خداوند است .

از ازل تا به ابد، او هست

و بر علیه او هیچ کس قائم نیست .

بیکران است معرفت الهی،

و در آتش، موهبت رأفت و مهربانی خود را

بر ما آشکار می سازد .

نام قدوس او الهام بخش ستایش ماست،

قلبهایمان سراینده روح جاودانی اوست .

۲- جویباری جهیده از قلب

و به سیلابی بزرگ و ژرف بدل گشته است :

این چنین طغیان می کند

که جهان را ریشه کن ساخته

و به سوی آن معبد می آورد،

هیچ چیز مانع جریانش نیست،

نه حصاری، نه سنگ چینی و نه سدی

زیرا بر صفحه زمین گسترده گشته

و اوست روح القدس که همه را پر می سازد .

تشنگان جهان از آن آشامیده اند،

سیراب گردیده و تشنگی فرو نشسته است

زیرا پروردگار است سر چشمه ای که آبیاری می کند .

۳- خوشا به سعادت آنانی که این آب حیات را تقدیم داشته

و نگاهبان آنند .

آنان لبان خشکیده را آرام می بخشند

مفلوجین را برمی خیزانند

و مشرفین به موت را از چنگال مرگ رها می سازند،

لنگان را برپا داشته و قوت می بخشند .

کاروان رهگذران به سوی سرزمین موعود را پاسداری می کنند

و دیدگان را روشن می سازند .

خداوند معرفت آنان است :

آب حیات آنها را برای همیشه احیا می کند .

هلویاه

* ۱ بند برگردان اقتباس از حزقیال (۴۷:۱-۱۲)

(از قصیده های سلیمان شماره ۶ قرن دوم میلادی)

دعا برای دریافت عطایای هفتگانه

بیا ای روح حکمت،
 و ارزش والاترین عطیه را به ما تعلیم ده.
 بیا ای روح معرفت،
 و همه چیز را در نور ابدیت بر ما نمایان ساز.
 بیا ای روح مشورت،
 و ما را از در تنگ و راه باریک
 به سوی آن وطن آسمانی هدایت کن.
 بیا ای روح قدرت بخش
 و ما را برای مبارزه
 با آنچه ما را از تو دور می سازد اقتدار ده.
 بیا ای روح معرفت،
 و کوتاهی این زندگی
 و طول زندگی ابدیت را به ما بیاموز.
 بیا ای روح تقوا،
 و قلب ما را مشتعل ساز تا تمام روزهای عمر خود
 خدا را محبت نمائیم و خدمت کنیم.
 بیا ای روح ترس خداوند،
 و عطا کن که در حضور پر هیبت الهی
 با ترس و احترام رفتار کنیم.

نیایش

ای روح قدوس بیا
 ای روح قدوس بیا
 و پرتوی از نورت را بر ایمان داران بتابان
 تو پدر مسکینان، بخشنده موهبت ها
 تو نور قلوب بیا
 تو ای تسلی عالی
 مهمان شیرین جان
 تسکین شیرین روان
 در زحمت آرامشی، در گرما اعتدالی، در گریه تسلائی
 ای نور متبارک
 ژرفای دل ما را آکنده ز خود گردان
 بی مدد و قدرت تو
 ما را دگر هیچ نیست، جز گناه و گمراهی
 پلیدی را پاک گردان
 خشکی را سیراب نما
 زخم ها را درمان بخش، سختی را آسان گردان،
 سردی را گرما بخش، انحراف را راست گردان
 ایمان دارانت را ببخشای که بر تو امید دارند
 عطایای هفتگانه فضیلت را اجر بخش
 نجات را ارزانی دار
 شادی ابدی را ده.
 آمین

دعاهای صبح

الف: دعا به روح القدس

ای پادشاه آسمانی، تسلی دهنده، روح راستی
ای که در همه جا حضور داری و همه چیز را از خود سرشار می‌نمایی
این تویی که غنای صالحان و بخشنده حیات هستی
بیا و در ما ساکن شو
ما را از تمام آلودگی‌ها پاک ساز
این تویی که مهربان هستی، ای ناجی ما.

ب:

قدوس خدا، قدوس اقتدار، قدوس نامیرا (فنا ناپذیر)

بر ما ترحم فرما

قدوس خدا، قدوس اقتدار، قدوس نامیرا بر ما ترحم فرما

قدوس خدا، قدوس اقتدار، قدوس نامیرا بر ما ترحم فرما

فر و شکوه باد بر پدر و پسر و روح القدس از هم اکنون تا ابدالابد
خدایا گناهانمان را ببخشای

خداوندا، بی‌عدالتی بمان را ببخشای

در نام قدوست می‌طلبیم که از محبتت نزدمان آیی و

ضعف‌هایمان را امداد فرمایی.

و: دعای ساعت سوم روز (ساعت ۹ صبح)

خدایا، تو که در ساعت سوم از روز، روح القدس خود را بر رسولان نازل نمودی

آن‌را، ای منعم از ما مگیر بلکه آن‌را در ما دعا کنندگان احیا کن

ای خدا، قلبی پاک در من بیافرین

و در درون من روح عدالت را احیا کن

خدایا، تو که در ساعت سوم از روز، روح القدس خود را بر رسولان نازل نمودی

مرا از چهره خود دور مکن و روح القدس خود را از من بگیر

خدایا، تو که در ساعت سوم از روز، روح القدس خود را بر رسولان نازل نمودی

ای روح آفریننده

ای روح آفریننده، اذهان ما روشن نما
از فیض و لطف خویشتن، سرشار کن دل‌های ما
ای نام تو آرام جان، بخشایشی از آسمان
مهر و حیات از تو نشان، ای مرهم دل، آتشا
بخشنده نعمت تویی، دارنده رحمت تویی
سرچشمه حکمت تویی، پر مغزکن گفتارها
نورت عطا فرما به ما، دل‌ها پر از مهرت نما
هر سستی و هر ضعف را، با قوتت جمله زدا
دشمن بران یکسر زما، صلح و صفا فرما عطا
رهبر اگر باشی مرا، آسوده از شر و بلا
تا جمله عارف بر پدر، گردیم بر تو هم پسر
نورت ز دل‌هامان مبر، گردان یکایک پارسا
تمجید بر تثلیث باد، تردید بر وحدت مباد
خواهیم از روی و داد، روح القدس را دائماً

ای روح الهی، ای خدای من

خوادم را به تو می‌سپارم

در کمال آزادی، با تمام درایت، با قلب و اراده ام

ای روح الهی، مرا به عنوان شاگردت بپذیر، مرا منور ساز تقدیسم نما

دست‌هایم را ببند تا دیگر مرکب گناه نشوند

قلبم را محافظت فرما، تا دیگر به سوی وسوسه نرود

تو شادی من باش هر جای که هدایت کنی با تو می‌آیم

و هر چه که به من فرمان دهی با یاری تو آن را می‌پذیرم.

دعا به روح القدس

ای پادشاه آسمانی، تسلی بخش، روح راستی

ای تویی که در همه جا حضور داری و همه جا را از خود سرشار می‌نمایی

ای تویی که غنای صالحان و بخشنده حیات هستی

بیا و در ما ساکن شو و آلودگی‌ها را از وجودمان بزدا

ای تویی که مهربان هستی، ای ناجی

از پهلوی شکافته خداوند آب روانی می جهد فیه

* به عیسی چو آن گاه رو تافتند

ز روی یقین مرده اش یافتند

یکی کرده نیزه به جنبش درون

ز پهلویش فواره زد آب و خون! (یوحنا ۱۹: ۳۳-۳۴)

۱- آن روح متعال که از راه پیغمبران سخن گفت

و با تورات به مردمان ضعیف و ناتوان اعلام شد

روح تسلی دهنده، خداوند واقعی است که امروز

بر خادمین و شاهدان کلام آشکار می گردد.

۲- روح، آن مهر و صحنه خدای حی

در آتش بر رسولان نزول کرد

و خود را در عطیه تکلم به زبان های گوناگون آشکار ساخت،

زیرا او آن نیرویی است که از پدر صادر می گردد.

۳- ای شاه شاهان، یگانه از آن یکتا، ای کلام

تو جاودان، مولود از پدر ازلی هستی

که در نهایت محبت، روح پر توانت را بر رسولان تابانیدی

۴- تو که طبیعت مجروح ما، از مرگ را، احیا نمودی

ای کلام خداوند، تو ما را سیراب آن آب روان

از پهلوی شکافته و مطهرت نمودی

و بر ما مهر و نشان شور و محبت روح القدس را بنهادی.

(سرود از کلیسای بیزانئینی)

روح القدس از آسمان نازل شد

روح القدس از آسمان نازل شد

تمام خانه را پر ساخت

با زبان های مختلف به اجتماع رسولان

کمال و حکمت عطا فرمود و بدیشان شهادت و اقتدار بخشید

تا در مقابل دشمنی که بشریت را منفور می دارد

و باعث رنج و عذاب ایشان می گردد، متزلزل و سست نشوند

آنان قوم ها و ملت ها را تعلیم داده، ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس

سه گانه پر جلال و سزاوار پرستش، تعمید دادند

ای مسیح، تو که با فرستادن روح القدس بر رسولانت

به وعده خود وفا کرده ای، بر ما رحمت فرما.

عطایای روح القدس

* بر ما بیا، ای روح خداوند!

بدرگاه خداوند دعا کنیم

که عطایای روح خود و قدرت محبتش را

در وجود (قلب) ما ساکن سازد؛

* بر ما بیا، ای روح خداوند!

ای روح حکمت،

ای روح فهم،

ای روح ستایش

* بر ما بیا، ای روح خداوند!

ای روح قدرت،

ای روح معرفت،

ای روح شادمانی.

* بر ما بیا، ای روح خداوند!

ای روح محبت،
 ای روح صلح و آرامش،
 ای روح خوشی
 * بر ما بیا، ای روح خداوند!
 ای روح خدمت مشتاقانه،
 ای روح نیکویی و مهربانی،
 ای روح حلم و بردباری.
 * بر ما بیا، ای روح خداوند!
 ای خداوند، پدر ما،
 ای سرچشمه شادی و محبت،
 ای کسی که هرگز حد و حصری برای فیض روح خود قائل نمی شوی،
 بلکه آن را با سخاوت شاهانه بخشش الهی
 به همه انسان ها عطا می فرمایی،
 به درگاہت دعا می کنیم:
 * بر ما بیا، ای روح خداوند!
 با اعطای روح پسرت به ما،
 قلوب ما را از کمال محبتت لبریز ساز
 تا قادر باشیم نه تنها تو را دوست بداریم
 بلکه همهٔ انسان ها را نیز با همه محبت خود دوست بداریم
 از راه عیسی مسیح، خداوند ما.
 آمین.

روح القدس در زندگی عیسی

ای روح القدس،
 تو که بر مریم باکره آمدی تا او مادر عیسی شود
 از تو می خواهیم،
 که قلوب ما را به روی سخنانت بگشایی
 ما را یاری ده تا عیسی، کلمه خدا را بپذیریم.
 ای روح القدس، که بر زکریا، البصابت و شمعون فرود آمدی
 و آنان را یاری کردی تا مسیح را بشناسند
 از تو می خواهیم،
 که چشمان دل ما را بگشایی
 تا بدانیم که چگونه عیسی، خداوند خود را بشناسیم.
 ای روح القدس، که به هنگام تعمید عیسی در آب های نهر اردن
 بروی نازل شدی،
 از تو می خواهیم،
 که ما را در آتش محبتت تعمید دهی
 تا پدر به هر یک از ما بگوید:
 «تو پسر محبوب من هستی، از تو خوشنودم».
 ای روح القدس،
 تو که مسیح عیسی را
 جهت تجربه به بیابان بردی
 از تو می خواهیم،
 به ما قدرت دهی تا بر نیروی بدی که در ماست پیروز شویم.
 ای روح القدس، تو که مسیح عیسی را روانه نمودی
 تا به بیچارگان (بینویان) مژده دهد
 از تو می خواهیم،
 ما را یاری دهی تا با خدمت نمودن به بیچارگان، که برادران ما هستند،

راه تو را ادامه دهیم
 ای روح القدس، تو که مسیح عیسی را از شادی سرشار نمودی
 و دهان او را گشودی تا پدر را حمد نماید
 از تو می خواهیم،
 به ما تعلیم دهی تا به همراه او بگوییم
 «آری، ای پدر، اراده تو انجام شود».
 ای روح القدس، تو که از زبان رسولان تحت آزار سخن می گویی
 از تو می خواهیم،
 کلمات سرشار از حکمت خود را در ما جای دهی
 به ما کمک کن تا بدی را با خوبی مغلوب سازیم.
 ای روح القدس،
 که به وسیله تو، عیسی قربانی بی عیب، خود را به محبت پدرش تقدیم نمود
 از تو می خواهیم،
 که ما را به یک قربانی جادوانی جهت ستایش جلالت تبدیل نمایی.

دعای امید

- ای خداوند، ایمان و امید را به ما عطا کن زیرا می دانیم که محال است انسانی
 را که برای نجاتش آمده ای در این دنیا که خود آفریده ای تنها رها کنی.
 - ای پدر مهربان به این دنیای آشفته، لبریز از کینه و تحقیر آرامش و شادی بیاور
 و به تمام برادرانی که سرتاسر دنیا ستم می بینند و رنج می کشند رحمت فرما.
 - ای خداوند متعال، چشم و دلی صاف و کودکانه بما عطا فرما و ما را دگرگون
 ساز تا بتوانیم بر روی دنیا لبخند و در هر زاویه تاریک، شعاعی از آفتاب شویم.
 - ای مریم عذرا، ما را با عطوفت مادرانه ات در آغوش بکش و در هر لحظه و هر
 آن می دهیم و راز محبت پر از لطافت را نسبت به خداوندمان یعنی پسر ت به ما
 بیاموز.

نزول روح القدس بر کلیسا در کتاب نیایش - مقدمه

بیا، ای روح القدس،
 ای سرچشمه محبت و آرامش، بیا!
 دعای حضرت پاپ ژان پل دوم
 (برای دومین سال جشن بزرگ ۲۰۰۰)
 ای روح القدس،
 ای عزیزترین میهمان دل های ما،
 معنای ژرف این جشن بزرگ را بر ما آشکار نما
 و دل های ما را برای برپایی آن در ایمان،
 در امیدی که یأس نمی پذیرد و در محبتی رایگان مهیا ساز.
 ای روح راستی، تو که عمق های خدا را کاوش می کنی،
 ای روح یادآورنده و اقتدار نبوت در کلیسا،
 در عیسای ناصری بشریت را به سوی شناخت
 خداوند جلال، منجی عالم و کمال والای تاریخ هدایت فرما.
 بیا، ای روح القدس،
 ای سرچشمه محبت و آرامش، بیا!
 ای روح آفریننده، ای معمار نامریی ملکوت،
 با قدرت عطایای مقدست کلیسا را هدایت نما
 تا از آستانه هزاره جدید با شجاعت بگذرد
 و نور کلمه نجات بخش را به نسل های آینده برساند.
 ای روح تقدس، ای نفخه الهی که کائنات را حیات می بخشی
 بیا و چهره زمین را تازه کن.
 اشتیاق به اتحاد کامل را در مسیحیان بیدار نما
 تا نشانی روشن از اتحاد صمیمانه با خدا،
 و وسیله ای مؤثر جهت وحدت تمام بشریت گردند.

بیا، ای روح القدس،
 ای سرچشمهٔ محبت و آرامش، بیا!
 ای روح مصاحبت، ای جان و حامی کلیسا،
 عطا کن که عطا یا و خدمت‌ها جهت اتحاد بدن مسیح همکاری کنند.
 عطا فرما که تعمید یافتگان، راهبان و خادمان دستگذاری شده
 دست به دست هم دهند تا ملکوت یگانه خدا را بسازند.
 ای روح تسلی
 ای سرچشمه لایزال شادی و آرامش،
 همدردی با فقیران را به ما الهام کن، بیماران را قوت لازم عطا فرما،
 به رنج دیدگان و تجربه شدگان امید و اطمینان ببخش
 و اشتیاق به آینده‌ای بهتر را در تمام دل‌ها احیا کن.
 بیا، ای روح القدس،
 ای سرچشمهٔ محبت و آرامش، بیا!
 ای روح حکمت، ای الهام بخش قلوب و اذهان
 تحقیقات علم و صنعت را هدایت فرما
 تا در خدمت زندگی، عدالت و صلح باشند.
 گفتگوی ما را با پیروان سایر ادیان مثمر بگردان
 و فرهنگ‌های مختلف را به ستایش ارزش‌های انجیل هدایت کن.
 ای روح زندگی که کلمه خدا به قدرت تو
 در رحم مریم عذرا، بانوی سکوت و بیداری، تن گرفت،
 ما را مطیع پیشنهادات محبت خود بگردان و مهیای پذیرفتن آن نشانه‌های ایام
 که در مسیر تاریخ قرار داده‌ای.
 بیا، ای روح القدس،
 ای سرچشمهٔ محبت و آرامش، بیا!
 ای روح محبت؛ ستایش، احترام و جلال بر تو باد
 همراه با پدر قادر مطلق و پسر یگانه محبوب
 از الان تا ابدالابد. آمین.

شمایل‌های عید پنطیکاست

در نتیجه بحث درباره عید پنطیکاست مفید خواهد بود که نظری عمیق بر
 شمایل‌های این عید بزرگ بیندازیم تا بهتر درک کنیم چگونه کلیسا بر این راز تعمق
 کرده و ما را دعوت می‌کند که در این اتفاق شریک شویم.



شمایل پنطیکاست روسی قرن ۱۵ میلادی



شمایل پنطیکاست سربانی ۵۸۶ میلادی

بنگریم به شمایل اول که توسط راهب کلیسای سربانی در سال ۵۸۶ میلادی نقاشی
 شده است.

به آسانی می‌توان معنای سمبول‌های آن را فهمید:

مثل همیشه از بالای شمایل شروع می‌کنیم و می‌بینیم طاق آسمان‌ها که رنگ تیره
 آن یادآور راز خدا می‌باشد، باز شده همان‌طور که اشعیا طلبیده بود (اش ۶۳: ۱۹؛
 ۶۴: ۱) و کبوتری که نشانگر روح القدس است همچون روز تعمید مسیح از بالا فرود

می آید.

اما روز تعمید مسیح در حرکت این کبوتر به سوی انسانیت پسرش تمایل پیدا کرده آن را می پذیرد: «امروز من تو را تولید کرده ام» (مز ۷:۷)؛ ولی روز پنتیکاست در حرکت زبانه های آتشین، پدر به سوی همه انسانها تمایل پیدا کرده و آنان را می پذیرد همچون سرودی که می گوید: «حال روح القدس نوبرهای الهی را به طبیعت انسانی می بخشد (۲- پطرا ۱:۴).

در دو طرف طاق درخت ها و گل ها را می بینیم که نشانگر خلقت نوین و باروری عجیب آن می باشد.

اما پایین تر دوازده رسول را می بینیم که مبشر کمال قوم نوین به جای دوازده قبایل اسرائیل می باشد (لوقا ۱۳:۶؛ مکا ۲۱:۱۴).

طبق قول عیسی «من آمده ام تا آتش بر زمین بفرزم» (لوقا ۱۲:۴۹)؛ اینک یک شعله آتش خصوصا بر هر رسول، همراه با عطایای خاصی جهت ماموریتش نزول می کند. (اع ۲:۳) اما همراه با این جنبه شخصی همه با هم یک اتحاد مشخصی را تشکیل می دهند.

طبق گفتار قیللیوس اسقف اسکندریه «ما گویا در یک تن گداخته شده ایم ولی با شخصیت های خاص و جدا»

همراه با اتحاد کامل در مسیح روح ما را مختلف و گوناگون می سازد بنابراین مهارت همکاری با دیگران را می دهد و نه رقابت.

طبق سرود این عید: «روح مثل اینکه از یک سرچشمه پیامبران را جهش می دهد و کاهنان را برپا کرده از ماهیگیران، الهیدان می سازد و این چنین کلیسا را تشکیل می دهد».

در مرکز شمایل حضرت مریم را می بینیم که گویا دو برابر روح را می پذیرد و دور تادور جسمش پرتوهای آتشین دیده می شود؛ در واقع از روز مژده جبرائیل مملو از روح شده تا عیسی را بدنیا بیاورد و حال راز کلیسا را در کمال خود اظهار می کند.

اما درباره شمایل دوم به نظر می آید که تفسیرش کمی مشکل تر شده و باید از نزدیک و با دقت به آن نگریسته تا معنی عمیق آن را درک کنیم.

این شمایل هنر معاصر که امروزه الگوی آن در شهر مسکو دیده می شود به قرن پانزدهم میلادی برمی گردد.

در این شمایل، مجدد به تعمق سمبول های شمایل اول پی می بریم که آسمان باز شده و زبانه های آتشین به سوی رسولان نزول می کند و این دوازده رسول در آرامش و اتحاد کامل با هم گویا در کلیسای نشسته اند.

اما توجه می کنیم که در اتحاد این گروه می توان حضور پولس رسول در برابر پطرس و احتمالاً حضور مرقس جوان را نیز بینیم، با علم به اینکه این دو شامل گروه دوازده رسول نبودند، بنابراین در اینجا موضوع فقط دوازده رسول نیست بلکه تمام کلیساست در ماموریت، تمام تن مسیح که توسط قدرت روح القدس رشد می کند و در انتظار «پری مسیح که همه چیز را از هر لحاظ پر می سازد» (افس ۱:۲۲).

گویا همان طور که گفتیم در کلیسا هستیم و رسولان بر نیمکتی به صورت هلال وار روبرو نشسته اند و همه یک سطح و یک مرتبه دارند به معنی تساوی و برابری افتخار و مسئولیت.

در وسط این هلال محلی خالی مانده به معنی محل مسیح خداوند که کلیسا در انتظار برگشتن او در جلال می ماند تا به پری خود برسد و تمام کلیسا در این انتظار نیایش می کند: «بیا خداوند عیسی بیا!» (مکا ۲۲:۲۰)

البته در بعضی از شمایل ها بر این محل مرکزی، حضرت مریم نشسته است که این نوع تفسیر زیاد سنتی نیست زیرا در واقع تمام این شمایل نشانگر نه تنها ماموریت کلیسا بلکه راز حضرت مریم است.

این شمایل به سوی بالا به سوی زبانه های آتشین روح که کلیسا باید آن را بپذیرد و نیز به سوی پایین باز است، و در آن پیرمردی را با لباس فاخر و تاجگذاری شده می بینیم که گویا از تاریکی کم کم بیرون می آید و دست هایش باز شده جهت دعا و در آن یک شال سفید می باشد که در آن دوازده طومار دیده می شود، این نشانه های جدید چه معنا دارد؟

این پیرمرد پادشاه می باشد، نشانگر امت هایی که تدریجا از تاریکی زندان

ظاهرا در این شمایل، هم چنین بعضی وقت ها در کلیسا زنان اهمیت ندارند ولی در واقع اگر جلو نمی باشند در قلب کلیسا حاضرند چون در محبت و عرفان هستند.

مردگان بیرون آمده و در دست، کفن خالی آن رستاخیز شده را دارند که در آن شهادت دوازده رسول می باشد.

این پیرمرد در حالت تولد نوین از تاریکی مرگ (لو:۷۹) به سوی نور عظیم در رحم پرمیوه و باردار شده کلیسا است و این عمل با قدرت روح القدس می باشد زیرا رسولان باهم بر این پیرمرد دستگذاری می کنند.

در نتیجه می بینیم که دنیا در کلیسا هست، دنیایی که مسیح آن را به رسولان واگذار کرده و دعا می کند که روح القدس حیات بخش بر آن بیاید یا بر آن آمده و آن را منور سازد؛ دنیا در آن رحم مادرانه و با قدرت روح القدس به دنبال مسیح، رازگذر را تجربه می کند یعنی آزاد شدن از قدرت گناه و منور شدن در خلقت نوینی که در تجلی مسیح از «جلال به جلال» تجلی می یابد (۲ قرن: ۱۸:۳).

بنابراین درک می کنیم که کلا این کلیسای باردار شده و در حال زایمان تجربه خود مریم عذرا را در بردارد که باروری آن توسط روح القدس، مسیح را به دنیا آورد پس بهتر است او را در این شمایل جای ندهیم که او را کوچک نسازیم چون او شمایل کلیسا است که به کمال تقدس و باروری خواهد رسید. (۱)

اما در این شمایل جای ما کجاست؟ ما توسط راز تعمید و تثبیت روح القدس «معبد روح القدس» شده ایم (۱ قرن: ۷: ۱۹) و در راز و ماموریت عیسی شریک شده ایم؛ به ما داده شده است که به همکاری با روح القدس در زندگی خود به مسیح شهادت داده و در میان رسولان جاگیریم زیرا در ماموریت رسولی کلیسا مسئولیت داریم.

اما ما نیز گناهکار هستیم و در حالت بیرون آمدن از تاریکی مرگ، همراه با آن پیرمرد بیرون آمده و به سوی زندگی واقعی قدم برمی داریم و کوشش می کنیم زندگی خود را دگرگون ساخته دعوت های روح القدس را اطاعت کنیم و در کار رستاخیز کردن با او مشارکت داشته باشیم.

بنابراین با تماشای این شمایل در تعمق این کلیسا فرورفته و نیایش کنیم و در روح القدس با یکتا استغاثه عیسی مسیح در جلال شریک شده و از پدر بطلبیم که همه

این تعمق از کتاب الهیدان روسی به نام

L'ART DE L'ICONE, THEOLOGIE DE L'ABEAUTE' PAUL EUDOKIMOV